

# فجر مقدس

## بررسی رویدادهای شش ماهه دوم آخرین سال غیبت حضرت مهدی (ع)

مجتبی الساده

ترجمه: محمود مطهری نیا

روزانه شاهد اتفاقات زیادی هستیم و اخبار متنوعی را می‌شنویم. در نقطه‌ای زمزمه‌ای ویرانگر و در نقطه‌ی دیگر طوفانی خانمان‌برافکن رخ می‌دهد. در کشوری کودتای نظامی می‌شود و در کشوری دیگر جنگ و کشتاری وحشیانه را نظاره می‌کنیم. هواپیمایی در اینجا سقوط می‌کند و تصادفی هولناک در آنجا رخ می‌دهد. پشت سرهم و بدون حتی لحظه‌ای توقف این جریان‌ها به وقوع می‌پیوندند. مردم اگر این همه اخبار و اطلاعات را خود به خود از یاد نبرند خود تلاش می‌کنند که آنها را فراموش کنند. آیا هیچ از خود پرسیده‌ایم شاید برخی از این اتفاقات نوید نزدیک شدن لحظه دیدار و زمان ظهور مهدی (ع) باشند؟

بسیاری از مردم ما اصلاً نمی‌دانند که نشانه‌ی ظهور یعنی چه، چون تا به حال چیزی در این باره نشنیده‌اند و خود هم به دنبال جستجوی چنین مطلبی نبوده‌اند. لذا با دیدن چنین جریان‌هایی هیچ چیز به ذهن آنها خطور نمی‌کند. متأسفانه برخی از افراد هم که در مورد بعضی از این نشانه‌ها حرف‌هایی شنیده‌اند وقتی آنها را می‌بینند و یا خبر آن را می‌شنوند چنان بی‌تفاوت رد می‌شوند که گویی اتفاقی نیفتاده است. نتیجه مواجه شدن بعضی دیگر هم با این وقایع چیزی جز ایجاد شک و شبهه در اذهان آنها نیست. آنهم به حدی که قدرت تشخیص خود را به کل از دست داده و مبهوت و متحیر می‌شوند.

با توجه به این همه بی‌خبری سعی کرده‌ایم تا آنجا که می‌شود پرده‌ی ابهام را از مسئله نشانه‌های ظهور حضرت مهدی (ع) برداریم و به شکل جدیدی این مطلب را طرح کنیم. به طوری که هر فرد مؤمن و متعهدی بتواند با پیگیری جریان‌ها برحسب تاریخ وقوع آنها چشم‌انتظار آمدن حضرت و دیگر حوادث و وقایع مرتبط با آن باشد.

بسیاری از نویسندگان نشانه‌های ظهور را به دو دسته حتمی و غیرحتمی دسته‌بندی می‌کنند و به طرح و بحث آنها می‌پردازند. برخی دیگر هم به طور اجمالی و فشرده با نگاهی گذرا به این مطلب رد می‌شوند. در حالی که در زمان حاضر آنچه مهم است این است که هر فرد بتواند با پیگیری این حوادث در دام آنها که به دروغ ادعای مهدویت می‌کنند نیفتاده و به خاطر کثرت و وفور اتفاقات دچار سردرگمی نگردد.

این سلسله مقالات، نیمه دوم سالی را که آخرین سال غیبت است و به ظهور حضرت مهدی (ع) ختم می‌شود، به تصویر می‌کشد. برای استخراج مجموعه این رویدادهای پی‌درپی، به آن دسته از احادیث تمسک جسته‌ایم که به تاریخ خاصی اعم از روز، ماه یا سال اشاره داشته‌اند که بحمدالله همه علائم حتمیه در این محدوده گنجدند. البته لازم است بگوییم که بسیاری از علائم ظهور حضرت، زمان خاصی را مشخص نمی‌کنند و از همین رو در این مقالات چندان به آنها نپرداخته‌ایم و برخی را هم که لازم بود پیش از ورود به بحث راجع به ماه‌های سال قبل از ظهور مطرح شوند، در بخش اول مطالب آورده‌ایم:

انواع ظهور

همانگونه که غیبت حضرت ولی عصر(ع) به دو بخش صغری و کبری تقسیم شده است در مورد ظهور حضرتش هم ظهور اصغر و ظهور اکبر (فجر مقدس) را می توان دید.

برای واضح تر شدن این مطلب باید گفت:

غیبت صغری آن زمانی مطرح شد که شیعیان پس از مدت ها ارتباط مستقیم و از نزدیک با امام زمان خویش(ع) هنوز چندان آمادگی فهم و قبول بحث غیبت و ندیدن ایشان را نداشتند؛ چرا که نمی دانستند بدون حضور امام چگونه می توان از سویی با یکدیگر همراه و همگام و متحد بود و از سوی دیگر احکام شرعی و مسایل دینی را استنباط و استخراج کرد. علاوه بر ده ها مطلب دیگری که آنها را به سوی امامشان متوجه می کرد و باید در عصر غیبت خود بر عهده می گرفتند.

هر چند در عصر غیبت صغری این طور نبود که هر کس بتواند به خدمت حضرت مهدی(ع) برسد لیکن با وجود چهار نایب حضرت، ارتباط شیعیان همچنان با امام خویش برقرار بود، تا مبادا به خاطر این تغییر وضعیت ناگهانی دچار حیرت و سردرگمی شوند. در طول این مدت که حدود ۷۰ سال طول کشید تا حدی موضوع غیبت برای شیعیان جا افتاد و از لحاظ ذهنی و فکری برای حضور در عصر غیبت کبری آماده شدند.

همانند این جریان را در آن سوی قضیه هم خواهیم داشت؛ یعنی همانطور که عصر غیبت به دو بخش صغری و کبری تقسیم شد تا مردم با مفهوم غیبت علاوه بر آشنایی، انس بگیرند، در مورد ظهور هم چنین مطلبی صادق است و عصر ظهور به دو بخش اصغر و اکبر (فجر مقدس) تقسیم می گردد. در عصر ظهور اصغر هر چند مردم توفیق زیارت حضرتش را پیدا نمی کنند لیکن حوادثی را مشاهده می کنند که مقدمات ظهور اکبر به شمار می آیند و مردم را برای زندگی در آن زمان آماده می کنند. این تقسیم بندی را می توان از برخی روایات برداشت کرد. مثلاً در برخی احادیث حضرت را به خورشید فروزان تشبیه نموده اند. به خوبی می دانیم که پیش از غروب خورشید اشعه های آفتاب تا مدت معینی می ماند و پس از آن سیاهی شب بر آسمان سایه می افکند و طلوع خورشید هم سریعاً واقع نمی شود بلکه پس از آنکه زمان اذان صبح شد به مرور هوا روشن شده و در پی آن شعاع های نورانی خورشید در آسمان پدیدار می شود. حضرت مهدی(ع) هم که خورشید تابان آسمان امامتند، خواهی نخواهی، پیش از آنکه وجود مقدسشان بخواهد بر همگان ظاهر و آشکار گردد، باید ظهور اصغری داشته باشند که زمینه ساز آن ظهور اکبر گردد.

البته نباید توقع داشت که شرایط غیبت صغری با ظهور اصغر یکسان باشد. همانطور که آنچه از خورشید پیش از غروب و پس از طلوعش می بینیم یکسان نیست.

برخی از مسائلی که شاید در عصر ظهور اصغر دیده شوند از این قرار است:

۱. بالا رفتن سطح فهم عمومی و پیشرفت دانش و فناوری

در این عصر پیشرفت های علمی عظیم و اکتشافات محیر العقولی از بشریت دیده می شود که پیش از آن سابقه نداشته است.

همان انسانی که تا دو قرن قبل بر چهارپایان سوار می شد و به این سوی و آن سو می رفت این روزها از اتومبیل و هواپیما استفاده می کند و تلفن، تلویزیون، رادیو، کامپیوتر و... جزئی از زندگی روزمره اش شده است. منابع نفتی و معادن فلزات مختلف را

استخراج کرده و تا آنجا که بتواند برای استفاده خود به کار می‌برد. این تحولات به قدری است که به اندازه کل تحولات علوم و فنون بشری تا قرن نوزدهم که ابتدای آن است برابری می‌کند.

چنین تحوّل علمی و صنعتی را مقدمه ظهور حضرت مهدی (ع) برشمردیم؛ چرا که لازم است همه آنها که بناست با حضرتش بیعت کنند، عظمت آن دسته از مواهب و نعماتی را که به آن حضرت عنایت شده درک کنند. اینکه حضرت مثلاً در یک چشم برهم زدن از شرق عالم به غرب می‌روند یا در زمان ظهور یارانشان در حالی که شب در رختخواب خویش بوده‌اند صبح در خدمت آن حضرت قرار می‌گیرند. باید بدانیم که مافوق قدرت بشری است.

بنابر آنچه در میان علما مشهور است معجزات پیامبران و کرامات

ائمه (ع) الزاماً بر اساس آن علوم و فنونی بود که در آن عصر زندگی می‌کردند. پس حضرت مهدی (ع) هم در آن زمان ظاهر می‌شوند که دانش و تکنولوژی و فنون و تسلیحات به حداکثر رشد خود رسیده باشد و بشر بتواند با ساخت سفینه‌های فضایی به راحتی بر مریخ گام نهاده و اختراعات مختلف خود را در آنجا مستقر کند.

در آن عصری که انسانها تنها با اینترنت و یا دیگر وسایلی که تاکنون اختراع شده‌اند و یا پس از این اختراع خواهند شد از نقاط دور دست با هم صحبت می‌کنند معجزه ایشان این خواهد بود که بدون استفاده از هیچ ابزار و وسیله‌ای سخنش را به گوش تمام ساکنان زمین برساند و همه هم به زبان خود آن را بفهمد.

مسلماً دانشمندان و متفکرانی که از مغزهای الکترونیکی، وسایل مدرن، ماهواره‌ها و... برای ایجاد ارتباطات صوتی و تصویری در اقصی نقاط جهان استفاده می‌کنند، در مقابل این کرامت حضرت - که بدون استفاده از هیچ وسیله ماهواره‌ای، صوت و تصویر خویش را به هر جا که بخواهد منتقل می‌کند - سرتسلیم فرود می‌آورند و آن حضرت را غیر از دیگران یافته و اعمالش را خارق‌العاده می‌شمارند و با ایمان آوردن آنها دیگران هم حتماً به آن وجود مقدس ایمان خواهند آورد.

در روایات آمده است که حضرت و یارانشان از ابرها برای رفت و آمد خویش استفاده می‌کنند. طبیعتاً آن دسته مخترعان و سازندگان هواپیماها و ماهواره‌ها و سفینه‌های فضایی در مقابل چنین وسیله نقلیه‌ای احساس خواری می‌کنند.

مضاف بر اینکه چنین دیدگاه‌ها و اکتشافات علمی به انسان‌ها قدرت درک و فهم کرامات حضرت مهدی (ع) را می‌دهد که به طور طبیعی هر کس نمی‌تواند چنین اعمالی را انجام دهد. به عبارت دیگر خداوند متعال نظریات علمی این زمان را به آن حد از رشد می‌رساند که زمینه‌های ظهور اکبر (فجر مقدس) فراهم شود.

۲. دل‌بسته شدن مردم به امام عصر (ع) و ازدیاد یاد حضرت

از جمله اموری که این روزها با آن مواجه هستیم (خصوصاً هر چه جلوتر می‌رویم) این است که بسیاری از مردم را می‌بینیم که هر قدر با مشکلات بزرگ و بیشتری روبرو می‌شوند توجهشان به حضرت مهدی (ع) و علائم ظهور ایشان بیشتر می‌شود. در عین حال که امیدشان بیش از پیش گشته و چشم انتظار حوادثی هستند که در آینده‌ای نزدیک یا دور اتفاق خواهد افتاد.

به همین علت است که کتاب‌ها و نویسندگان بیشتری را در این زمان مشاهده می‌کنیم که به این خواسته پاسخ داده و تلاش در خور تقدیری را برای ترسیم آینده بر طبق احادیث و روایاتی که در دسترس دارند از خویش نشان می‌دهند. این امر علیرغم آن

رویه‌ای است که در قرون اولیه اسلامی دیده می‌شود که صرفاً به نقل احادیث و سندها پرداخته و در قرن‌های بعد هم بحث‌های کلامی را به آن می‌افزودند.

بحمدالله در این روزها می‌بینیم که ده‌ها و صدها کتاب و مقاله در تمام جهان اسلام با سبک و سیاق‌های مختلفی ابعاد موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند و این همان چیزی است که می‌تواند مورد پسند واقع شود. البته قابل ذکر است که این فعالیت‌ها منحصر به شیعه نمی‌شود بلکه دیگر مذاهب و مکاتب هم در این زمینه فعالیت می‌کنند. میزان توجه و یاد شیعیان نسبت به حضرت ولی عصر (ع) را می‌توان با دوره‌های گذشته مقایسه نمود که تا مدت‌ها قبل چقدر اقبال مردم به جلسات دعای ندبه کم بوده است و این روزها در کمتر محله‌ای است که دعای ندبه خوانده نشود. به علاوه که مجالس بزرگ با نام ایشان و کتاب‌های مختلف و جشن‌های میلاد حضرت هر کدام به نوعی مردم را متوجه نام و وجود مقدس و مبارک ایشان می‌گرداند.

آیا انتشار نام و صفات امام زمان (ع) به این شکل و میزان در مدارس و مساجد و خیابان‌ها و جلسات و در میان عموم مردم خود دلیلی بر

نزدیکی طلوع خورشید وجودی حضرت بقیه‌الله (ع) نمی‌باشد؟!!

۳. صحبت‌های عمومی در جهان در مورد تشکیل حکومت جهانی واحد (دهکده جهانی)

اگر به تاریخ نظری بیفکنیم می‌بینیم که تاریخ تشکیل سازمان ملل متحد پس از جنگ جهانی اول و دوم است. پس از آنکه جهانیان خسارت‌های جبران‌ناپذیر آن دو جنگ را به جسم و جان انسان‌ها دیدند، گروهی بر آن شدند که چنین مجموعه‌ای را تشکیل دهند تا هر گاه در میان کشورها و دولت‌ها اختلافاتی پیش آمد ریزنی‌های لازم را برای رفع جنگ انجام دهند. عالمان اسلامی هم برای اولین بار تحت عنوان «رابطه العالم الاسلامی» سالانه یک مرتبه همگی در کنار هم جمع می‌شوند. می‌توان دیگر مجامع جهانی موجود را به آن اضافه کرد.

این گونه دیدگاه‌ها و تشکیل چنین سازمان‌های بین‌المللی خود حکایت از آن می‌کند که جهان نیازمند حکومت واحد جهانی است که بتواند امنیت، آرامش و عدالت را در آن حاکم کند که جز حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) هیچ چیز نمی‌تواند پاسخگوی این نیاز عمومی مردم جهان باشد که این مورد دلیلی آشکار بر طلوع آن فجر مقدس در پس دوران ظهور اصغر است. آری همگان ندا برآورده‌ایم که: ای مهدی صاحب الزمان (ع)! جهان در انتظار حکومت جهانی توست.

لازم است در اینجا این نکته را تذکر دهیم که وقتی از ظهور اصغر صحبت می‌کنیم قصد ما این نیست که

- العیاذ بالله - برای ظهور مقدس حضرت ولی عصر (ع) زمانی تعیین کنیم؛ زیرا این مسئله چیزی است که صرفاً خداوند متعال از آن خبر دارد و در اصل ممکن است آنچه ما در ظاهر می‌بینیم نقطه آغاز ظهور مقدس ایشان باشد و این احتمال هم وجود دارد که چنین نباشد و خدای ناکرده این شب تار و سیاه غیبت ادامه یابد. تحقق این مسئله کلاً تحت اراده الهی است و خداوند هم «فعال لما یرید» است

پی‌نوشت‌ها

\* این سلسله مقالات ترجمه کتابی است با عنوان: الفجر المقدس و المهدي (ع)؛ ارهاصات اليوم الموعود و احداث سنه الظهور، مجتبی الساده، چاپ اول: ۱۴۲۱ ق).

۱. ر.ک: غیبت نعمانی، ص ۲۱۳؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۵۴.

۲. ر.ک: غیبت نعمانی، ص ۱۷۰؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۲۷۴

۳. ر.ک: غیبت نعمانی، ص ۲۳۱؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۷۳؛ منتخب الأثر، ص ۴۷۶.

اشاره:

در قسمت اول مقاله گفته شد، همانطور که عصر غیبت به دو بخش صغری و کبری تقسیم شد عصر ظهور هم به دو قسمت اصغر و اکبر تقسیم میشود. همچنین گفته شد لازم است هر کسی با نشانههای ظهور چنان آشنا شود که در دام مدعیان دروغین مهدویت نیفتد. در این شماره، بخش دوم از مقدماتی را که لازم است پیش از پرداختن به حوادث شش ماهه دوم آخرین سال غیبت مد نظر قرار گیرند با بررسی میکنیم:

همه انسانها و کشورها خصوصاً امت اسلامی پیش از ظهور حضرت بقیه الله (ع) به شرایط سخت و سیاهی که ناشی از ظلم و جور و انحراف آن زمان است مبتلا خواهند شد. این نکته را می توان از این حدیث متواتر حضرت رسول اکرم (ص) برداشت کرد که فرمودند: «همانا مهدی (ع) زمین را همانطور که از ظلم و جور پر شده باشد مملو از قسط و عدل می گرداند».

با رجوع به احادیث و روایات معصومین (ع) اخبار و نکاتی را می بینیم که سختی و فساد موجود در آن زمان را به تصویر می کشند. مضاف بر اینکه بعضی از آنها به برخی حوادث خاص و معین هم اشاره می کنند. برای واضح تر شدن موضوع می توان این احادیث را چنین طبقه بندی کرد:

۱. روایاتی که به پر شدن زمین از ظلم و جور خبر می دهند:

مضمون این بخش متواتراً در روایات آمده و در احادیث به مساله پر شدن زمین از ظلم و جور پیش از ظهور حضرت ولی عصر (ع) تصریح شده است .

۲. روایاتی که به پدید آمدن فتنهها و شدت یافتن و زیاد شدن جریانهای ترسناک می پردازند.

حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده که مفصلاً به فتنههای گمراه کننده و خوفناک آن زمان می پردازند و حدیث ذیل را می توان از این دسته شمرد:

امام جواد (ع) فرمودند:

قائم (ع) قیام نخواهد کرد مگر به دنبال خوف و هراس جدی، زلزلهها، فتنهها، بلایا و طاعونی که (مردم) بدان مبتلا شده باشند و شمشیر بران (جنگ نمایان) میان اعراب و اختلاف زیاد مردم و تفرقه مذهبی آنها و تعدد ادیان و مذاهب و تغییر و تحوّل آنها

و...

قابل ذکر است که فتنه معانی مختلفی دارد که به طور خلاصه از این قرار است:

الف) مورد امتحان و آزمایش قرار گرفتن ؛

ب) کفر، گمراهی و گناه؛

ج) به وجود آمدن اختلاف نظر در دیدگاه‌های مردم؛

د) کشتار و جنگ‌هایی که میان مردم واقع می‌شود.

۳- احادیثی که اظهار ناشکیبایی (جزع) ناشی از سختی روزگار و گرفتاری شدید مردم را در آن زمان بیان می‌کنند:

«مؤمنان در عصر غیبت از گرفتاری شدید، بلای طولانی و کم‌طاقتی و هراس رنج می‌برند و به همین خاطر وقتی شخصی از کنار قبر برادرش می‌گذرد می‌گوید: کاش من به جای او بودم...»

واضح است که جزع و به تبع آن آرزوی مرگ نتیجه فشار سختی‌ها و مصیبت‌هایی است که شخص در جامعه گمراه و منحرف با آن مواجه می‌باشد.

۴. اخباری که به وجود حیرت (سردرگمی) و تزلزل در افکار و اعتقادات می‌پردازند:

از این جمله حدیثی است که از امیر المومنین علی (ع) نقل شده که در میان صحبت‌هایشان راجع به حضرت مهدی (ع) فرمودند: «غیبت و حیرتی پیش خواهد آمد که دسته‌ای طی آن گمراه می‌شوند و دسته‌ای دیگر هدایت می‌یابند که این حیرت ممکن است از جنبه‌های مختلفی پیش آمده باشد:

سرگردانی در عقاید دینی نتیجه جریان‌های باطلی است که با جهالت و کنار گذاشتن تفکر در میان امت روبرو می‌گردد. بدین معنا که طولانی بودن مدت غیبت حضرت باعث می‌شود که مردم به شک بیفتند و در مورد مقام ایشان اختلاف پیدا کنند و یا اینکه حیرت در باره وجوب جهاد بدون وجود رهبری بلند مرتبه و انقلابی پیش آمده باشد.

۵. اخباری که دلالت بر جنگ‌ها و کشتارها می‌کنند:

احادیث شریف وضعیت سیاسی عصر ظهور را با خصوصیت عدم ثبات (سیاسی) و کثرت جنگ‌ها و کشتارها توصیف می‌کنند: پیش از این امر (قیام حضرت مهدی (ع)) کشتار «یبوح» خواهد بود. از حضرت پرسیدند: یبوح به چه معناست؟ فرمودند: دائمی است و از شدت آن کاسته نمی‌شود. حتی برخی روایات شدت این جنگ‌ها را تا آنجا بیان می‌کنند که طی آنها دو سوم از جمعیت زمین از بین می‌روند. حضرت علی (ع) فرمودند: مهدی (ع) قیام نمی‌کند تا اینکه یک سوم (از مردم زمین) کشته شوند و یک سوم (خود) بمیرند و تنها یک سوم (از جمعیت زمین) باقی بماند.

می‌توان الفاظ موجود در احادیث را با اصطلاحات و معادل‌های امروزی آنها نظیر انحراف فکری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی و از این دسته جایگزین کرد.

شاید بهترین روایتی که به آنها مفصلاً می‌پردازد این حدیث نبوی (ص) است که ابن عباس می‌گوید:

در حجة‌الوداع، با رسول مکرم اسلام (ص) مشغول انجام مناسک حج بودیم که حضرت حلقه در کعبه را گرفته و رو به ما کردند و فرمودند: آیا می‌خواهید شما را از نشانه‌ها و حوادث پیش از قیامت خبردار کنم؟

سلمان که از همه به ایشان نزدیکتر ایستاده بود گفت: بلی یا رسول‌الله!

ایشان فرمودند: از جمله آنها ضایع و تباه کردن نمازها و تبعیت از شهوت‌ها، متمایل شدن به هواهای نفسانی، تکریم و بزرگداشت ثروتمندان و مال‌پرستان و فروختن دین به قیمت دنیا است. در این زمان است که قلب مؤمن در درونش همانسان که نمک در آب حل می‌شود، ذوب می‌شود چرا که منکرات، کژی‌ها و کاستی‌ها را می‌بیند و قدرت تغییر دادن آنها را ندارد. سلمان پرسید: آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم در دست اوست چنین خواهد شد و به دنبال آن حاکمان و امیران ستمگر و وزیران فاسق و کارگزاران و کارشناسان ستمکار پیدا شده و [مردم] به خیانتکاران اعتماد می‌کنند.

- آیا واقعاً چنین روزی خواهد آمد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم به قبضه قدرت اوست آری! در آن زمان است که منکرات و انحرافات، معروف و خوب و اعمال پسندیده منکر و ناپسند شمرده می‌شود. به شخص خائن اعتماد و شخص امین خائن خوانده می‌شود. دروغگو را تأیید و راستگو را طرد می‌کنند.

- آیا واقعاً چنین روزی خواهد آمد؟

- قسم به آنکه جانم در دستانش است آری! در آن زمان است که زنان فرمانروا می‌شوند و سروری می‌یابند. با زنان و کنیزکان مشورت می‌گردد و کودکان بر منبرها می‌نشینند و هر چیزی نهایتاً به دروغ ختم می‌شود، زکات و فیه (که حق عمومی و همگانی است) غنیمت و بهره شخصی شمرده می‌شود. شخص به والدینش ستم می‌کند و در عین حال به دوستش خدمت و نیکی. و آنجاست که ستاره گنجهکاری طلوع می‌کند.

- آیا چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم در دست اوست آری! در چنین شرایطی است که مرد با همسرش در تجارت شریک می‌شود، خوی و عادت‌های شخصی و باطل زیاد شده و خوبی‌ها به شدت کم می‌شود. شخص به خاطر سختگیری به بدهکاران خود تحقیر می‌شود. و زمانی است که بازارها به هم نزدیک می‌شوند و یکی می‌گوید چیزی نفروختم و دیگری می‌گوید سودی نبردم و چیزی جز شکایت کردن از خدا دیده نخواهد شد.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟...

- سلمان! آری قسم به آنکه جانم در دست اوست در آن زمان است که به دنبال این حوادث اقوامی پیدا می‌شوند که اگر حرفی بزنند کشته می‌شوند و اگر ساکت بمانند غارتشان می‌کنند تا اینکه از اموالشان بهره‌مند شوند و به حریم‌هایشان تجاوز کنند و حرمتشان را شکسته و خونشان را بریزند. قلب‌های آنها کاملاً با ترس و حقه‌بازی عجین گشته و آنها را جز در حالت خوف و نگرانی و هراس و وحشت نمی‌یابی.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم به دست اوست آری! در آن زمان است که چیزی از مشرق و چیزی از مغرب می‌آید و امت مرا رنگارنگ می‌کند چه بیچاره‌اند کسانی که به خاطر آنها ضعیف می‌شوند و وای بر آنها که خدا چه برای آنها مهیا کرده و

چگونه مترصد آنهاست، نه به کوچکترها رحم می‌کنند و نه به بزرگترها احترام می‌گذارند. از خطاکاران و گنهکاران در امان نیستند، بدن‌هایشان بدن انسان و قلب‌هایشان قلب شیطان است.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به کسی که جانم به دست اوست آری. در آن زمان مردان تنها به مردان و زنان تنها به زنان [ برای ارضاء شهوات ] می‌پردازند. همانگونه که اهل خانه‌ای نسبت به دختران خانه خود احساس غیرت می‌کنند (غریبه‌ها) نسبت به پسرکان جوان، غیور می‌گردند (آنها را ناموس خود می‌شمرند) مردان به زنان و زنان به مردان شبیه می‌شوند و زنان بر زین‌ها سوار می‌گردند که لعنت من بر آنها باد.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم به دست اوست آری. در آن زمان مساجد را همانند کلیساها و کنیسه‌ها تزئین می‌کنند و قرآن‌ها را طلاکاری و زینت. مناره‌ها بلند می‌شوند و خطوط زیاد می‌شوند. قلب‌هایشان نسبت به هم متنفر و در زبان‌هایشان اختلاف نمایان است.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم به دست اوست آری! در آن زمان است مردان و پسران امتم برای زینت از طلا استفاده می‌کنند و حریر و دیبا و ابریشم می‌پوشند و با بیگانگان متحد می‌شوند.

- آیا چنین چیزی واقعاً خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم به دست اوست آری! در آن زمان ربا علنی می‌شود و با اجناس ممتاز، رشوه و معامله می‌کنند. دین رها می‌شود و مقام و منزلت دنیا (در نظر مردم) رفیع می‌گردد.

- آیا چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم به دست اوست آری! هر چند به خدا ضرری نمی‌رسانند [ و به خودشان ظلم می‌کنند ] لیکن طلاق زیاد می‌شود و حدود اقامه و اجرا نمی‌شوند.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم به دست اوست آری. در آن زمان است که زنان آوازه‌خوان می‌شوند و آلات موسیقی جلوه می‌یابند و به دنبال آن اشرار امتم پیدا می‌شوند.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم به دست اوست آری. در آن زمان ثروتمندان امتم برای تفریح و سیاحت افراد عادی برای تجارت و کسب درآمد و فقرا برای ریا و خودنمایی به حج و عمره می‌روند. جمعیتی پیدا می‌شوند که تفکر و تدبیر و تفقه آنها برای

غیرخدا (و اهداف غیرالهی) است. زنازادگان زیاد می‌شوند و قرآن را با آواز و غنا می‌خوانند و به خاطر دنیا بر سر هم می‌ریزند و با هم درگیر می‌شوند.



- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم به دست اوست آری. در آن زمان به محارم تجاوز می کنند و به دنبال گناهان می روند، اشرار و بدان بر خوبان مسلط می شوند. دروغ علنی می شود و لجاجت نمایان می گردد.

بیچارگی ها علنی می شود، با لباس ها به هم فخر می فروشند و مباحات می کنند و ظرف های ناشایست را پر می کنند. نرد و شطرنج و آلات موسیقی مورد پسند واقع می شوند. امر به معروف و نهی از منکر را انکار می کنند، به طوری که مؤمن خوارتر از کنیز می گردد. همدستی میان زاهد(نما)ها و قاریان (بد کردار) نمایان می شود. اینها همانها هستند که در آسمانها آنها را پلیدان ناپاک می خوانند.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم به دست اوست آری! در آن زمان ثروتمند از وضعیت فقیر هراسان نمی شود به طوری که گدا یک هفته کامل از مردم گدایی می کند اما کسی را که چیزی در دستش بگذارد نمی بیند.

- آیا حقیقتاً چنین اتفاقی خواهد افتاد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم به دست اوست آری! در آن زمان «روبیضه» به سخن می آید.

پدر و مادرم به فدایت یا رسول الله «روبیضه» دیگر چیست؟

- کسی که تا به حال صحبت نمی کرد برای امور عموم مردم به سخن می آید و جز کمی از او فرمان نبرند...

قسم به جانم که این همان چیزی است که دائماً در عصر گمراهی و فسقی که در آن زندگی می کنیم، مشاهده می شود و با تمام حواس و وجود از آنها خبر داریم. صلوات خداوند بر تو باد یا رسول الله ما را از آن با خبر کردی و سلام بر تو یا مهدیا که روزی همه اینها را از بین می بری و عدل و داد را جایگزین آن می گردانی

روایاتی که تا اینجا ذکر کردیم به فاسد بودن زمانه به طور کلی اشاره می کردند و مشخص نمی کردند که این حوادث چگونه

رخ خواهند داد. با توجه به اینکه می دانیم عصر فتنه ها پیش از عصر ظهور است و به وضوح در احادیث و روایات بیان شده که

عصر ظلم پیش از عصر عدالت خواهد بود و به ناچار باید اشاره و بیان کنیم که برخی از این اخبار به همراه باقی حوادث پیش از

برپایی قیامت آمده اند که به برداشت ما از آنها خدشه ای وارد نمی کند چرا که ظهور حضرت مهدی (ع) پیش از قیامت رخ

می دهد و لزومی ندارد که نشانه های قیامت دقیقاً و بدون هیچ فاصله ای پیش از آن نمایان گردند.

در قسمت بعد برخی از پیشگویی هایی را که معصومین (ع) داشته اند و تا این زمان محقق شده اند بررسی می کنیم که مایه

دلگرمی و اطمینان قلب ما باشد که ان شاء الله بقیه آنها که تاکنون محقق نشده اند، روزی خودنمایی کنند و در پی آن شاهد

ظهور مولا و مفتدایمان باشیم .

پی نوشتها

۱. در متن اصلی کلمه «ارهاصات» آمده که به معنای کاری فوق العاده است که از پیامبر [ یا امام غائب (ع) ] پیش از بعثت [ و

ظهور ] وی ظاهر شود (لغتنامه لاروس، ج ص ۱۳۴/۱).

۲. رک: بشارة الاسلام، ص ۱۸.

۳. رک: موسوعة الامام المهدي عليه السلام، ج ۲ (تاريخ الغيبة الكبرى)، ص ۲۴۲.

۴. غيبت نعمانی: ۱۷۰ و بحار الانوار، ص ۵۲، ج ۲۳۱.

۵. تاريخ الغيبة الكبرى، ۲۴۵ و منتخب الاثر، ص ۴۳۴.

۶. غيبة النعمانی، ص ۱۰۴، تاريخ الغيبة الكبرى، ۲۴۶.

۷. رک: بشارة الاسلام، ص ۸۶، بحار الانوار، ج، ص ۲۲۸/۵۲.

۸. الممهدون للمهدي (ع)، ص ۴۹، بحار الانوار. ج ۱۸۲/۵۲.

۹. المهدي (ع)، آية الله صدر، ۱۹۸، يوم الخلاص، ص ۵۶۴.

۱۰. بشارة الاسلام، ص ۲۵؛ منتخب الاثر، ص ۴۳۲.

گفتیم که پیش از بررسی حوادث شش ماهه دوم آخرین سال غیبت لازم است که به برخی مباحث پرداخته شود که در دو قسمت قبلی با ضرورت طرح موضوع نشانه‌های ظهور، تقسیم‌بندی انواع ظهور (اصغر و اکبر) و شگفتی‌های پیش از ظهور آشنا شدیم. در این شماره هم بخشی دیگر این سلسله مطالب تقدیم حضورتان می‌گردد.

تمامی نشانه‌های ظهور در اصل نوعی خبر دادن از آینده به حساب می‌آیند که این خبر دادن از آینده هم تنها با عنایت خداوند علام‌الغیوب از طریق وحی، الهام یا دیگر راه‌ها و با یک یا چند واسطه که شرایط نیل بدین منظور را فراهم کنند ممکن خواهد بود، چنانکه پیامبر (ص) و پس از ایشان ائمه (ع) از این ویژگی برخوردار بوده‌اند. این عقیده از نظر اسلامی مسأله ثابت شده‌ای است و در قرآن کریم هم چنین آمده است که:

عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه أحداً إلا من ارتضى من رسول .

(خداوند) دانای غیب است و تنها آنها که مورد رضایت و پسند رسول باشند از آن باخبر می‌شوند.

از همین روست که شخص معصوم (ع) از حوادث آینده خبر داشته و می‌تواند الان از وقوع آن در آینده خبر دهد.

و اما در مورد حوادث یا علاماتی که روایات از وقوع آنها پیش از ظهور خبر داده‌اند و مدت‌ها پیش از ظهور اتفاق می‌افتند، در واقع اگر بخواهیم آنها را هم از نشانه‌های ظهور بدانیم، باید توجه داشته باشیم که معصومین (ع) برخی از حوادث بزرگ و قابل توجهی را که پیشاپیش از وقوع آنها به کمک وحی و الهام مطلع بوده‌اند آن را مرتبط با ظهور معرفی می‌کرده‌اند تا نسل معاصر آن حوادث و آنها که پس از چنین جریاناتی زندگی می‌کنند به صدق پیشگویی‌های این اخبار توسط معصومین (ع) پی ببرند. و نسبت به وقوع دیگر حوادث اطمینان نسبی و قلبی پیدا کنند و چشم انتظار دیگر جریانات و در نهایت ظهور حضرت مهدی (ع) باشند. به عبارت دیگر هر چه این نشانه‌هایی که مرتبط با ظهور عنوان شده‌اند بیشتر محقق شوند، بینندگان و شنوندگان این اخبار از یک سو از صدق اینها به صدق دیگر اخبار که هنوز رخ نداده‌اند پی می‌برند و از سوی دیگر انتظار و التهاب قلبی آنها به امید دیدار آن یار سفر کرده شدت می‌یابد.

آن دسته از حوادثی هم که بلافاصله قبل از ظهور اتفاق می‌افتند از این جهت بر ظهور دلالت می‌کنند که خداوند متعال این حوادث را به عنوان نشانه‌های ظهور و برای جلب نظر مردم به جریان می‌اندازد؛ خصوصاً جمعیتی از مؤمنین مخلص و منتظر که چشم انتظار دیدار فجر مقدس هستند، از همین روست بعضی از علامات را که محدوده زمانی مشخصی دارند دال بر ظهور بیان شده‌اند.

به عبارت بهتر می‌توان گفت که بعضی از اخباری که معصومین (ع) فرموده‌اند و اهل حدیث آنها را در کتاب‌ها و منابع حدیثی خویش ثبت کرده‌اند به عنوان این که پیش از آن حادثه محبوب و مطلوب رخ خواهد داد و جریان خاص آن خبر تا کنون رخ داده از این جهت است که یقین داشته باشیم چنین مطلبی را پس از نگارش آن منبع حدیثی به آن اضافه نشده و این خود بهترین دلیل برای صدق این گونه احادیث است مضاف بر اینکه به طور ضمنی وجود حضرت مهدی (ع) را اثبات می‌کنند. برخی از حوادثی که احادیث پیشاپیش از رخ دادن آنها خبر داده‌اند و وقوعشان در کتب تاریخی پس از گذشت سال‌ها به ثبت رسیده، (پیشگویی‌های مطابق واقع ایشان) از این قرار است:

پیشگویی اول و دوم: انحراف و فساد بنی‌عباس

پیامبر (ص) و ائمه (ع) دربارهٔ ویژگی‌های حکومت بنی‌عباس از جهت منحرف شدن آنها به سمت فساد و خروجشان از مسیر حق خبر داده‌اند.

عبدالله بن عباس می‌گوید: پیامبر اکرم (ص) به پدرم فرمودند: «عباس! وای بر فرزندان من از دست فرزندان تو و وای بر فرزندان تو از فرزندان من.» به ایشان عرض کرد: «یا رسول‌الله! آیا دستور می‌دهید که از زنان کناره‌گیری کنم؟» حضرت فرمودند: «علم خداوند انجام یافته است قابل تغییر نمی‌باشد و انجام و تحقق امور به دست اوست و فرزندانم به این امر مبتلا خواهند شد.» به خوبی می‌دانیم که دولت بنی‌عباس چه بر سر ائمه (ع) و دیگر فرزندان رسول اکرم (ص) در طول تاریخ آوردند و چه آوارگی‌ها، تعقیب‌ها و دستگیر شدن‌ها و ستم‌هایی را از آنها چشیدند که مشهورتر از آن است که این روزها بخواهیم آن را به نگارش در آوریم ولی آنها که می‌خواهند اطلاعات بیشتری در این رابطه داشته باشند می‌توانند به کتاب مقاتل الطالبیین نوشته ابی‌الفرج اصفهانی مراجعه کنند. مضاف بر این در برخی از روایات از فروپاشی حکومت بنی‌العباس و از بین رفتن آنها خبر داده شده است. مثلاً امام باقر (ع) طی حدیثی می‌فرماید:

... سپس بنی‌عباس به سلطنت می‌رسند و همواره در عیش و نشاط حکومت و وفور خوشی‌ها خواهند بود تا اینکه در میان آنها اختلاف می‌افتد و پس از آن که دچار اختلاف شدند حکومت را از کف می‌دهند.

لازم است به یاد داشته باشیم امام باقر (ع) پس از زوال سلسلهٔ بنی‌امیه به شهادت رسیدند و ۱۸ سال بعد حکومت عباسیان بر مسلمانان مسلط شدند.

پیشگویی سوم: اختلاف اهل مشرق و مغرب

در ادامه حدیثی که از امام باقر (ع) نقل کردیم حضرت فرمودند:

و اهل مشرق و مغرب دچار اختلاف می‌شوند.

که نمونه‌های بسیاری برای این اختلاف در طول تاریخ می‌توان یافت: مانند اختلاف اهل مشرق و مغرب برای تعیین مرزهای کشورهای اسلامی که این مسأله سابقه طولانی در میان مسلمانان دارد به طوری که بر مشرق عباسیان حکومت می‌کردند و بر مغرب یا همه اندلس اسلامی حکمرانان اموی. یا اینکه در شمال آفریقا (غرب) دولت فاطمیون را تأسیس کردند در هر دو حالت غرب از خلافت مشرق که در دست عباسیان بود، جدا شده بودند.

شاید هم منظور چیزی است که در عصر کنونی - از زمان جنگ جهانی دوم تا الآن - شاهدش هستیم که دو دولت بزرگ وجود داشته‌اند به طوری که یکی مدعی زعامت (جمهوری‌ها) در مشرق است و دیگری خود را فرمانروای غرب می‌شمرد به هر حال اختلاف را به هر کدام از این معانی یا معانی دیگر بگیریم این اختلاف میان شرق و غرب از جمله نشانه‌های ظهور است و همواره شاهدش بوده‌ایم. به جانم قسم که این خود از معجزاتی است که صدق کل روایت را نتیجه می‌دهد و صاحب بیعت (حضرت مهدی(ع)) هم در این حدیث مطرح شده است.

در همان حدیثی که از غیبت نعمانی پیش از این طرح کردیم، آمده است:  
قائم(ع) در سال‌های فرد (۱، ۳، ۵) قیام خواهند کرد.  
و سپس فرمودند:

وقتی بنی‌امیه دچار اختلاف شوند و حکومت‌شان از دست برود سپس بنی‌عباس به سلطنت می‌رسند بهار حکومت و وفور عیش آنها دایمی نخواهد ماند و در بین آنها اختلاف افتاده و پس از این تفرقه حکومت‌شان بر باد می‌رود و اهل مشرق و مغرب دچار اختلاف می‌شوند، آری حتی اهل قبله هم (چنین خواهند شد)، همواره مردم سختی شدیدی به خاطر ترسی که بر آنها می‌گذرد، می‌مانند، تا اینکه منادی از آسمان ندا دهد. پس وقتی ندا داد که: «النفیر، النفیر» (کوچ کنید، کوچ کنید) به خداوند قسم گویی که به او می‌نگرم که در میان رکن و مقام با مردم بیعت می‌کند... .

این سه پیشگویی اتفاق افتاده در تاریخ آن هم پس از بیان آن حضرت(ع) و نقل محدثین در منابعشان خود بهترین دلیل بر صدق صدور آن از معصوم(ع) است.

پیشگویی چهارم: انحراف جامعه اسلامی

پیامبر اکرم(ص) بارها از انحراف در رهبری اسلامی جامعه پس از خویش خبر داده‌اند که از آن جمله این روایت است که ابن عباس نقل کرده که حضرت ضمن صحبت‌هایشان از معراج این مطالب را از جمله علایم ظهور برشمرده‌اند:

کافران، فرمانروای (مردم) می‌شوند و فاجران (ستمکاران) سرپرست و ظالمان هم آنان را یاری می‌کنند و فاسقان هم مشاوران آنها می‌شوند. در چنین زمانی سه خسف (فرو رفتن) پیش می‌آید: در مشرق، مغرب و جزیره‌العرب، بصره را هم یکی از نوادگان تو که زنگی‌ها از او پیروی می‌کنند خراب می‌کند. تا انتهای حدیث.

و در حدیث دیگری چنین می‌فرمایند:

... و پس از من، رهبرانی خواهند آمد که به هدایت من هدایت نگردند (از طریق من که هدایت است پیروی نمی‌کنند) و به سنت من هم رفتار نمی‌کنند، از میان آنها مردانی قیام خواهند کرد که قلب‌هایشان قلب شیطان است در کالبد انسان.

این همان مسأله‌ای است که پس از رسول مکرم اسلام (ص) رخ داد و حکومت بر اساس مصلحت‌ها و یا به طور موروثی دست به دست شد. مصرف کردن انواع شراب‌ها در کاخ‌های خلفای به اصطلاح اسلامی مطلبی بدیهی است و در منابع تاریخی زیادی مطرح شده است و شاید بهترین نمونه آن متوکل عباسی - لعنة الله علیه - است که یک مرتبه جمعیتی از سپاهیان ترک را به سوی خانه امام هادی (ع) فرستاد تا پس از حمله به آنجا، حضرت را شبانه به کاخ او منتقل کنند. آنها هم وقتی به منزل آن حضرت رسیدند. ایشان مشغول قرائت قرآن بودند. سپاهیان، حضرت را اسیر کرده و به سوی متوکل بردند و وقتی به مقابل او رسیدند، پیاله شرابی در دستش بود و مشغول نوشیدن بود که با دیدن حضرت ابهت امام او را گرفت و به ناچار حضرت را احترام کرده و در کنار خویش نشانند. پیاله شرابی را که در دستش بود به حضرت تعارف کرد و ایشان هم فرمودند: «امیر! هرگز گوشت و خونم تا به حال به شراب آلوده نگشته است (از نوشیدن شراب) مرا معاف بدار.» او هم صرف نظر کرد. تا انتهای جریان (که البته نکات جالب توجه دیگری هم در این جریان وجود دارد که در اینجا فرصت و مجال طرح آنها نیست).

پیشگویی پنجم: شورش صاحب‌الزنج

که از جمله آن احادیثی که در آنها صحبت از این شخص شده است حدیثی است که پیش از این از ابن عباس آوردیم. جریان صاحب‌الزنج و قومش در تاریخ از این قرار ثبت شده است که وی شخصی بود که در سال ۲۵۵ ه. ق (مصادف با میلاد حضرت مهدی (ع)) قیام کرد. نامش علی بن محمد بود و علی رغم اینکه از حیث عقاید و تفکرات با اهل بیت (ع) اختلاف داشت، گمان می کرد که از علویان است. طی مدت ۱۵ سال در جامعه چنان فساد را به راه انداخته بود که نهایتاً در سال ۲۷۰ ه. ق دستش را به قتل عام مردم آلوده کرد. علاوه بر انتساب خویش به علویان عمده مطلبی که در شورش خود روی آن تکیه می کرد این بود به طور اساسی به کارگران و طبقه زحمت کش جامعه، خصوصاً بندگان و غلامان تحت سرپرستی دیگران نظر داشت و از این جهت بود که به وی صاحب‌الزنج یا سرور بندگان لقب داده بودند. فساد زیادی در جامعه اسلامی به پا کرد و دولت عباسی را به شدت به زحمت انداخت و ساکنان بصره و بسیاری دیگر از شهرها را با قتل و غارت و سرگردانی (آوارگی) مردم تحت فشار قرار داد. این واقعه تاریخی هم خود دلیل بزرگی برای صدق حدیث و گوینده آن (علیه السلام) می باشد.

پیشگویی ششم: ظهور علم در شهر قم

از جمله این احادیث، این مورد است که از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند:

کوفه از (حضور) مؤمنین خالی خواهد شد و علم از آن رخت برمی بندد همانند ماری که به سوراخ (لانه) خویش خزیده باشد سپس در شهری که به آن قم می گویند نمایان می شود و آنجامعدن علم و فضل می گردد به طوری که هیچ مستضعفی از لحاظ دینی روی زمین باقی نمی ماند. حتی عروسان حجله نشین که این جریان نزدیک ظهور قائم (ع) می باشد تا انتهای حدیث.

این موضوع در دهه گذشته پیش آمده است و عظمت امامان (ع) را زمانی متوجه می شویم که بدانیم امام از ظهور علم دینی در قم در حالی خبر می دهند که حتی موقعیت مکانی این شهر در زمان ایشان هنوز ناشناخته بود و ساکنان آن هم بت پرست و آتش پرست بودند و پس از گذشت قریب ۱۲۰۰ سال مرکز مطالعات و شهر علم شیعه گشت.

این حدیث را در اینجا از این جهت ذکر کردیم که صراحتاً به هجرت علم از کوفه (نجف اشرف) به شهر قم بیش از قیام حضرت حجت (ع) اشاره می‌کند که به جهت ستم‌های پادشاه و کشتار و رانده شدن علما (از آن دیار) که در آن زمان مشاهده می‌شود، می‌باشد.

بسیاری از حوادث و پیشگویی‌های معصومین (ع) که تا به حال در تاریخ رخ داده‌اند از این قرار است:

امام باقر (ع) در روایتی به جابر بن یزید جعفی می‌فرمایند:

جابر! از زمین تکان نخور و هیچ دست و پا مزن تا اینکه این نشانه‌هایی را که می‌گویم مشاهده کنی (البته) اگر آنها را درک کنی: اولین آنها اختلاف بنی‌عباس است که نمی‌بینم که تو آن را درک کنی ولی پس از مرگم از قول من این مطلب را نقل کن (و به دیگران بگو) و منادی که از آسمان ندا دهد و صدایی که از پیروزی حکایت می‌کند از سمت دمشق به شما برسد. قریه‌ای (ده یا شهر) در شام که به جابیه مشهور است در زمین فرو برود بخش سمت راست مسجد دمشق فرو بریزد، از دین برگشتگانی از جانب ترک‌ها سر به شورش بردارند و آشوبی هم از ناحیه روم به دنبال آن می‌آید، برادران ترک هم آن قدر می‌آیند تا به جزیره می‌رسند و از دین برگشتگان هم به سوی روم حرکت می‌کنند تا اینکه به رمله می‌رسند جابر! آن سال غرب در کل زمین اختلاف زیادی می‌پراکند و اول مغرب زمین، شام است.

شیخ مفید هم در الارشاد خود فهرستی از نشانه‌های ظهور را ذکر کرده که از این قرار است:

«برای زمان قیام حضرت مهدی (ع) نشانه‌هایی بیان شده و از حوادثی که پیش از قیام اتفاق خواهد افتاد به ما خبر داده‌اند که از جمله آنها می‌توان این موارد را ذکر کرد: شورش سفیانی، کشته شدن سید حسنی، تفرقه بنی‌عباس به خاطر پادشاهی و حکومت دنیایی، کسوف خورشید در نیمه ماه رمضان و خسوف ماه در آخر همان ماه که هر دو بر خلاف رویه عادی طبیعت است، فرو رفتن در بیابان، فرو رفتن در مشرق و فرو رفتن دیگری در مغرب، به همراه حرکت نکردن خورشید از ظهر تا نیمه‌های عصر، طلوع خورشید از مغرب و کشته شدن نفس زکیه در پشت کوفه ۷۰ انسان صالح و شایسته دیگر، بریدن سر مردی هاشمی بین رکن و مقام. خراب شدن دیوار مسجد کوفه، ظاهر و نمایان شدن پرچم‌های سیاهی از خراسان، قیام یمنی، ظاهر شدن شخصی مغربی در مصر و حکومت کردنش بر شام، فرود آمدن ترک‌ها در جزیره و رومیان در ساحل، طلوع ستاره مشرقی که همانند ماه نورافشانی می‌کند و سپس چنان خم می‌شود که گویی دو سوی آن قرار است به هم برسند، سرخی‌ای که در آسمان ظاهر می‌شود و در تمام افق پخش و منتشر می‌شود. آتش بزرگ و شدیدی که در مشرق نمایان شده و سه یا هفت روز در (جو و) آسمان باقی می‌ماند. پایان سختی‌های اعراب و حکومت کردنشان بر بلاد و خارج شدن از سیطره و سلطنت و عجم‌ها. کشته شدن امیر مصر توسط ساکنان آن دیار، حرکت پرچم‌هایی که به سوی خراسان راهی می‌شوند، ورود سپاهی از سمت مغرب تا وقتی که با از بین رفتن سرگشتگی و حیرت آرامش یابد، نمایانی پرچم‌های سیاه از مشرق به همان صورت، شکافتن و ترک خوردن فرات به طوری که آب وارد کوچه‌ها و خیابان‌های کوفه می‌شود، شورش ۶۰ دروغگو که همگی ادعای نبوت می‌کنند و شورش ۱۲ نفر از آل ابی‌طالب که همه ادعای امامت برای خویش دارند، سوزاندن مردی بلند مرتبه از پیروان بنی‌عباس میان جلولاء و خابقین، زدن پلی در آنجایی که آب میان مدینه‌السلام و بغداد روان است، برخاستن بادی سیاه در ابتدای روز و

زلزله‌ای که منجر به فرو رفتن بسیاری از آنها می‌شود. هراسی که دامن‌گیر اهل عراق و بغداد می‌شود و مرگ ناگهانی در آن و نقصان و کاهش اموال و جان‌ها و بدن‌ها و محصولات و یورش ملخ‌ها که در ابتدای آن و غیر آن ظاهر می‌شوند به طوری که به زراعت و غلات و همان مقدار کمی که مردم کشت کرده‌اند حمله‌ور می‌شود و اختلاف میان دو دسته از عجم‌ها و ریخته شدن خون بسیاری از آنها و شورش بندگان از اطاعت سروران آنها و کشتن ایشان و مسخ شدن دسته‌ای از بدعت‌گزاران که به شکل میمون و خوک می‌شوند، و غلبه یافتن بندگان بر سرزمین‌های مالکان و سروران، ندایی از آسمان که تمام اهل زمین آن را به زبان خویش می‌شنوند و صورت و سینه‌ای که در آسمان در قرص خورشید برای مردم ظاهر می‌شود، و مردگانی که از قبرهایشان به دنیا برمی‌گردند و در آن (با دیگران) آشنا می‌شوند و به زیارت همدیگر می‌روند، سپس همه اینها به ۲۴ باران که به وسیله آن زمین پس از مرگش زنده می‌شود ختم شده و برکات آن نمایان می‌گردد و پس از آن تمام آسیب‌ها و بلاها از معتقدان به حق که از شیعیان مهدی (ع) هستند برطرف شده و از ظهور آن حضرت در مکه خبردار می‌شوند و برای یاری ایشان متوجه و راهی آنجا می‌شوند.»

بعضی از حوادثی که در این دو روایت ذکر و در تاریخ محقق شده را به طور گذرا بررسی می‌کنیم که البته کسانی که مایلند در این رابطه آگاهی‌های بیشتری بیابند می‌توانند به این کتاب‌ها مراجعه کنند:

۱ - کتاب الغیبه: شیخ اجل محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی معروف به ابن ابی زینب، ایشان از علمای قرن سوم هجری و از شاگردان ثقة الاسلام کلینی بوده‌اند که این اثر یکی از نفیس‌ترین کتاب‌هایی است که در این رابطه نگاشته شده است. شیخ مفید در الارشاد خود از وی ستایش کرده که نشانگر این است که تا آن زمان مؤلفی چون او نبوده است.

۲ - کمال‌الدین و تمام‌النعمه: شیخ ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (از علمای قرن چهارم هجری متوفی، ۳۸۱ ق.)

۳ - کتاب الغیبه: شیخ ابی جعفر محمد بن الحسن طوسی، شیخ الطائفه (متوفی ۴۶۰ ق.)  
و اما پیشگویی‌های محقق شده در این دو روایت:

- ۱- روی کردن پرچم‌های سیاه از ناحیه خراسان: با قیام ابو مسلم خراسانی تطابق دارد.
- ۲- ظهور مغربی در مصر که شامات را تصرف می‌کند: شورش مغربی فاطمی که در سال ۳۹۶ ق. در شمال افریقا اعلام دعوت کرد و پس از جنگ با شام بر آن مستولی شد.
- ۳- فرود آمدن ترک‌ها در جزیره: زمانی که خاک جزیره مدت طولانی تحت سیطره کومت عثمانی ترکی بود از سال ۹۴۱ ق. آغاز شد تا زمان سقوط سلطنت آنها در سال ۱۳۳۵ ق. پس از اشغال بریتانیا در جنگ جهانی اول.
- ۴- فرود آمدن رومیان در رمله: در لسان ائمه معصومین (ع) از اروپا به روم تعبیر می‌کرده‌اند و رمله نام منطقه‌ای در شام و منطقه‌ای دیگر در مصر است فلذا با استعمار فرانسه در مصر به رهبری ناپلئون بناپارت و در قسمت گذشته با برخی از رویدادهایی که در روایت‌های اسلامی از آنها به عنوان رویدادهای پیش از ظهور یاد شده آشنا شدیم. چنان که گفته شد این رویدادها همه در فاصله‌ای دور از عصر ظهور واقع شده‌اند و پیشگویی آنها از سویی

ائمه معصومین (ع) موجب اطمینان و اعتماد مردم به صدق وعده پیشوایان دین نسبت به رویدادهای نزدیک به عصر ظهور می شود.

از این قسمت به بعد رویدادهایی را که وقوع آنها در فاصله نزدیک به عصر ظهور پیش گویی شده مورد بررسی قرار می دهیم.

بخش اول - علامات پیش از ظهور

احادیثی که حوادث ایام نزدیک به ظهور را ترسیم و محدوده آن عصر را مشخص می کنند می توان به چهار قسمت زیر دسته بندی کرد:

۱. عصر ظهور

در برخی از احادیث شریفه ما ویژگی های کلی و عمومی ظهور به همراه اشاره ای به برخی جریانات مشخص آن زمان دیده می شود که از جمله آنها می توان به حدیث مفصلی که گفتگوی آمیخته باناباوری زیاد سلمان با حضرت رسول (ص) را در مراسم حج بیان می کند - که در شماره های پیشین آوردیم - اشاره کرد.

۲. سال های ظهور

احادیثی که به بررسی سال های ظهور می پردازند، حوادث، اتفاقات و نشانه های بیشتری را بیان می کنند و گستره محدودتری را به تصویر می کشند که از جمله آنها همان علاماتی است که از کتاب الارشاد شیخ مفید در پایان بخش پیشگویی های ائمه (ع) آوردیم.

در احادیث دیگر هم چنین آمده است:

امام صادق (ع) فرمودند:

زمانی که مردم در عرفات ایستاده اند، وقتی سواری که بر شتری تیزپا نشسته آنها را از مرگ خلیفه خبردار می کند و با مرگ او فرج آل محمد (ص) و همه مردم می رسد. ۱

ابوبصیر می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمودند:

کسی که مرگ عبدالله را برای من ضمانت کند من هم ظهور قائم را برای او ضمانت می کنم. سپس فرمودند:

وقتی عبدالله بمیرد مردم پس از او با کسی متحد نشوند! ان شاء الله و این جریان بدون امامتان آرام نمی شود و حکومت و سلطنت سالانه و طولانی مدت از بین می رود، مدت سلطنت های پادشاهان به ماه و روز نمی کشد. پرسیدم: آیا این دوران طول می کشد؟ فرمودند: «هرگز!» ۲

از امام باقر (ع) نقل شده که فرمودند:

وقتی بنی فلان به خاطر چیزی که میان آنهاست دچار تشتت و اختلاف شدند منتظر فرج باشید و فرج شما جز با اختلاف بنی فلان محقق نمی شود پس آنگاه که گرفتار اختلاف شدند چشم انتظار صیحه ای در ماه رمضان و قیام قائم (ع) باشید که خدا



هر چه را بخواهد انجام می دهد. قائم قیام نمی کند و شما هم آنچه را عاشقش هستید نخواهید دید تا وقتی بنی فلان بر سر آنچه در پیشان است مبتلا به اختلاف و درگیری شوند و وقتی چنین شد مردم به آنها (ملکشان) طمع می کنند و وحدت و یکپارچگی از بین می رود و سفیانی شورش می کند. سپس ادامه دادند، بنی فلان بالاخره سلطنت خواهند کرد و پس از پادشاهی، آنها به اختلاف دچار می شوند و سلطنتشان به باد می رود و حکومتشان پراکنده و متشت می شود... ۳

۳. سال ظهور

در این قسمت احادیث به طور دقیق حوادثی را بیان می کنند؛ خصوصاً در نیمه دوم سال که از شورش سفیانی در رجب شروع می شود و با ندای آسمانی در طبق نظام عددی یا رقمی و بر حسب تقویم اسلامی سال ظهور فرد است و روز طلوع آن خورشید تابان هم شنبه دهم محرم الحرام که مصادف با عاشورای حسینی است ماه رمضان و شهادت نفس زکیه در ۲۵ ماه ذی حجه ادامه می یابد و به ظهور نور مبارک حضرت مهدی (ع) در عاشورایی که با شنبه مصادف شده است ختم می شود. این روایات علامت های حتمی ظهور را که مدتی پیش از آن واقعه عظیم واقع می شود در برمی گیرد و از مسلماتی است که به آنها یقین داریم و معتقدیم در مورد آنها بدأ ۴ (تقدیم و تأخیر ناشی از برخی علل) رخ نمی دهد. همه مؤمنان لازم است که این نشانه را به خوبی بشناسند و کسانی را که به دروغ ادعای مهدویت کردند با کمک آنها به راحتی و با قاطعیت تکذیب کنند. پس از وقوع این علائم حتمی است که فرج مؤمنین می آید و خداوند تبارک و تعالی درد سینه هایشان را شفا داده و پریشانی را از دل های ایشان می زداید.

تمامی ائمه (ع) وقتی که از حضرت مهدی (ع) و علائم ظهور ایشان و نزدیکی قیامشان صحبت می کرده اند در برخی موارد متذکر می شده اند که بعضی از این نشانه ها از حتمیات ظهور است و به طوری که اگر آنها محقق نشده باشند حضرت مهدی (ع) ظهور نخواهند کرد.

۴. نشانه های برپایی قیامت

این نشانه ها که عبارتند از خارج شدن جنبنده ای از زمین (دابة الارض) که با مردم صحبت می کند و طلوع خورشید از مغرب و آتشی که از عمق زمین خارج می شود و مردم را به سوی محشر و قیامت سوق می دهد و... از جمله روایاتی که به تبیین آنها می پردازد این حدیث است که حضرت امیر (ع) فرمودند که حضرت رسول (ص) می فرمودند:

ده چیز حتماً پیش از قیامت خواهد آمد: سفیانی، دجال، دود، جنبده (دابة)، خروج حضرت مهدی (ع) و طلوع خورشید از مغرب و فرود آمدن عیسی و فرو رفتن زمین در مشرق و فرو رفتن در جزیره العرب و آتشی که از اعماق زمین

خارج می شود و مردم را به سوی محشر سوق می دهد. ۵

بخش دوم - علامت های مخصوص سال ظهور

به زودی به حوادثی که در این سال بروز پیدا می کند اشاره می کنیم. سالی که به زودی با نشانه ها و حوادث سال مشرف به

ظهور امام بزرگوارمان حضرت مهدی (ع) است همراه خواهیم شد. آن گونه که طبق ترتیب زمانی آنها در روایات معصومین (ع) بیان شده تا به آرزو و هدف خویش نایل شویم مومنان تصویری کلی و فراگیر از این حوادث و نشانه ها و با علم به اینکه آنها جزء

حتمیات هستند داشته باشند. این علائم حتمی آن طور که در روایات زیادی از آنها یاد شده پنج نشانه‌اند؛ امام صادق(ع) فرمودند:

پنج چیز قبل از قیامت قائم(ع) می‌باشند:

۱- یمنی ۲- سفیانی ۳- منادی‌ای که از آسمان ندا می‌دهد ۴- فرو رفتن (خسف) در بیابان ۵- کشته شدن نفس زکیه. حوادث سال ظهور بسیار زیادند که به بارزترین و آشکارترین آنها - البته با توجه به ترتیب زمانی آنها به قدری که با توجه به روایاتی که در دسترس داریم و امکان آن وجود داشته باشد - اشاره می‌کنیم. پیش از ورود به بحث لازم است به حوادثی که به طور اجمالی به آنها اشاره شده و به طور کلی و عمومی بر سال ظهور و ویژگیهای آن دلالت می‌کند نظری بیفکنیم.

۱. فرد بودن رقم سال ظهور

از امام صادق(ع) نقل شده که فرمودند:

حضرت جز در سال فرد مانند یک، سه، پنج، هفت یا نه قیام نمی‌کنند. ۷

این حدیث سال ظهور را به طور اجمالی معرفی می‌کند و لیکن زمان ظهور مبارک حضرتش را برخی احادیث دقیق‌تر مشخص می‌کنند. ابوبصیر از امام صادق(ع) نقل کرده‌اند:

در روز عاشورا که روز به شهادت رسیدن حسین بن علی(ع) می‌باشد قیام خواهند کرد: «گویا در روز شنبه‌ای که عاشورا است با او هستم در حالی که میان رکن و مقام ایستاده و جبرئیل در مقابلش برای بیعت با او دعوت می‌کند و شیعیان از نقاط مختلف زمین با طی الارض به سوی او می‌شتابند که با او بیعت کنند و خداوند تبارک و تعالی به وسیله ایشان زمین را همان‌طور که از ظلم و جور پر شده از عدالت و دادگستری پر کند.

با توجه به این روایت‌ها و دیگر روایات که در دسترس داریم می‌توانیم بعضی از ویژگی‌های سالی را که ان‌شاءالله ظهور خواهند کرد بیان کنیم که طبق نظام عددی یا رقمی و بر حسب تقویم اسلامی سال ظهور فرد است و روز طلوع آن خورشید تابان هم شنبه دهم محرم الحرام که مصادف با عاشورای حسینی است.

۲. سالی همراه با باران فراوان

از نشانه‌های سال ظهور این است که در آن سال باران بسیاری می‌بارد و به خاطر این بارش زیاد محصولات و میوه‌ها و خرماهای مختلف خراب شده و از بین می‌روند چرا که باران گاهی رحمت است و نعمت و گاه عذاب و نعمت. از امام صادق(ع) روایت شده که فرمودند:

پیش از ظهور قائم(ع) در آن سال باران فراوانی می‌بارد که محصولات و خرماهای مختلف نخلستانها از بین می‌رود ولی شما از این حادثه شکایت نکنید. ۹

و سعید بن جنیده چنین نقل کرده است:

در سالی که حضرت مهدی(ع) ظهور می‌کنند بیست و چهار باران نازل می‌شود که اثرات و برکات آن مشهود خواهد شد.

ان‌شاءالله ۱۰

و بر همین اساس است که می‌توان به معنای چنین احادیثی پی برد که: امام صادق(ع) فرمودند: در سال پیروزی حضرت فرات چنان شکافته می‌شود که آب وارد کوچه‌های کوفه می‌شود و در روایتی دیگر:

در سال پیروزی فرات شکافته شده و آب‌های آن وارد کوچه‌های کوفه می‌شود. ۱۱  
۳. سالی آکنده از زمین لرزه‌ها و خوف و فتنه‌های بسیار:  
امام صادق(ع) فرموده‌اند:

از نشانه‌های قیام آن حضرت این است که در سالی پر از زلزله و سرما اتفاق می‌افتد. ۱۲  
مهدی را به شما بشارت می‌دهم که پس از پدید آمدن اختلافات در میان امت و زلزله‌های بسیار ظهور خواهد کرد. ۱۳  
در آن زمان اختلافات شدید و فتنه‌های بسیار در زمین پیش می‌آید. ۱۴  
پیش از این کشتار «یوح» پیش خواهد آمد. «حاضران پرسیدند:» «یبوج» یعنی چه؟ حضرت فرمودند: «یعنی دائمی است و بدون وقفه ادامه می‌یابد. ۱۵

پیش از آمدن قائم دو مرگ مشاهده خواهد شد، مرگ قرمز و مرگ سفید به طوریکه از هر هفت نفر ۵ نفر بمیرند.» ۱۶  
حضرت علی(ع) فرمودند:

پیشاپیش حضرت مهدی مرگ سرخ و مرگ سفید پیش می‌آید و حمله ملخ‌ها در زمان او و در غیر زمانش مانند رنگ‌های خون کشتار قرمز (ناشی از جنگ) و شمشیر است و مرگ و میر سفید به خاطر طاعون خواهد بود. ۱۷  
عبدالله بن بشار از امیرالمومنین علی(ع) نقل کرده است که فرمودند:

زمانی که خداوند تبارک و تعالی اراده کند که قائم آل محمد(ع) را ظاهر نماید با جنگی که آغاز و پایانش در ماه صفر است شروع می‌کند که این ابتدای قیام قائم ما (اهل بیت) است. ۱۸  
جابر بن جعفری می‌گوید: «از امام باقر(ع) پرسیدم که معنای آیه «ولنبلونکم بشیء من الخوف والجوع» ۱۹ چیست؟» حضرت فرمودند:

جابر (این آیه) یک معنای خاص دارد و یک معنای عام. معنای خاص، گرسنگی در کوفه است که خداوند آن را مخصوص دشمنان آل محمد علیهم‌السلام قرار داده و به وسیله آن، آنها را هلاک می‌کند. ولی معنای عام آن در شام محقق می‌شود که اهل آنجا به خوف و هراس و گرسنگی مبتلا می‌شوند که احدی به مانند آن مبتلا نشده باشد و گرسنگی پیش از قیام قائم(ع) است و خوف و هراس پس از قیام قائم(ع). ۲۰

امام باقر(ع) می‌فرمایند:

حضرت مهدی(ع) جز در شرایط زیر ظهور نمی‌کند. مردم شدیداً دچار هراس و گرفتار زلزله‌های بسیار و طاعون شوند و جنگ نمایان و شدیدی میان اعراب واقع شود. اختلاف در دین و آیین پیدا کرده و وضعیت و احوالشان متغیر گشته باشد. هر کس آرزویی داشته باشد آرزویش در هر صبح و عصر مرگ است تا آنجا که فرمودند: قیام ایشان پس از یأس و ناامیدی

(مردم) است خوشا به حال کسی که او را درک کند و از یاورانش باشد وای و صدها وای بر آن که با او مخالفت کند و از امرش نافرمانی و سرپیچی نماید. ۲۱

ابوبصیر از امام صادق(ع) نقل کرده که فرمودند:

ناچار پیش از قیام فتنه‌ای پیش می‌آید که مردم در آن گرسنه می‌شوند و هراس شدیدی از کشتارها در دلشان می‌افتد و مبتلا به کاستی و کم شدن اموال و محصولات و جان‌هایشان می‌شوند. این مسأله در قرآن مطلبی روشن و واضح است و سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند:

و لنبلونکم بشیء من الخوف والجوع و نقص من الاموال والانفس والثمرات و بشر الصابرين ۲۲

از این مجموع احادیث شریفه که سال ظهور را توصیف می‌کنند در می‌یابیم که آن سال، سالی است با زمین لرزه‌ها و فتنه‌های بسیاری که حکایت از نبود و فقدان ثبات سیاسی در برخی کشور و کثرت اختلافات و جنگ‌ها می‌کنند که آن هم به جنگی جهانی ختم می‌شود که در روایات از آن به جنگ و معرکه قریسیا یاد شده است (که به زودی به آن اشاره خواهیم کرد) و نتیجه زیاد شدن جنگ‌ها، خوف و هراس و گرسنگی و کشتارها و مرگ و میرها می‌باشد و حوادث و اتفاقات این سال به ظهور حضرت مهدی(ع) منتهی شده جهان پر از عدل و قسط می‌گردد.

پس از ذکر این احادیث که اشاره‌ای گذرا به احادیث سال ظهور داشتند طی بخش‌های آتی به احادیثی که دقیق‌ترین سال و خصوصاً نیمه دوم آن را توصیف می‌کنند، خواهیم پرداخت.

پی‌نوشت‌ها:

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۷۹، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰؛ بشاره الاسلام، ص ۱۲۲.
۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰؛ بشاره الاسلام، ص ۱۲۳.
۳. غیبه النعمانی، ص ۱۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲.
۴. به مسأله بدأ در شماره‌های بعدی مفصلاً خواهیم پرداخت.
۵. الغیبه، شیخ طوسی ص ۲۶۷، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹؛ بشاره الاسلام ۱۴.
۶. الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۲۷۹؛ کمال الدین، ص ۶۴۹؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۶۷؛ اعلام الوری، ص ۴۲۶.
۷. اعلام الوری، ص ۴۳۰؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۹۱؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۴.
۸. الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۷۹؛ اعلام الوری، ص ۴۳۰.
۹. اعلام الوری، ص ۴۲۸؛ بشاره الاسلام، ص ۱۲۵؛ الارشاد، شیخ مفید ج ۲، ص ۳۷۷.
۱۰. اعلام الوری، ۴۲۹، الغیبه، شیخ طوسی، ۲۶۹.
۱۱. اعلام الوری، ص ۴۲۹؛ بشاره الاسلام، ص ۱۲۵؛ الارشاد، شیخ مفید ج ۲، ص ۳۷۷؛ الغیبه شیخ طوسی، ص ۲۷۴.
۱۲. یوم الخلاص، ص ۵۴۳، بیان الاثمه(ع) ج ۲، ص ۴۳۱.
۱۳. کمال الدین، ص ۶۵۵، بحار الانوار ج ۵۲، ص ۱۸۲.

۱۴. المهدی والممهدون، ص ۴۹، کمال‌الدین ص ۶۵۵، بحارالانوار ج ۵۲، ص ۱۸۲.

۱۵. کمال‌الدین، ص ۶۵۵، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲.

۱۶. کمال‌الدین، ص ۶۵۵، بحارالانوار ج ۵۲، ص ۱۸۲.

۱۷. الغیبه، نعمانی، ۱۸۵، الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۷۲؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۶۷.

۱۸. بیان‌الائمه ج ۱، ص ۳۳۵.

۱۹. سوره بقره (۲) آیه ۱۵۵.

۲۰. الغیبه، نعمانی، ص ۱۶۸؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۹.

۲۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۱؛ الزام‌الناصب، ج ۲، ص ۱۶۲؛ المهدی، آیت‌الله صدر، ص ۱۹۸.

۲۲. الغیبه، نعمانی، ص ۱۶۸؛ بحارالانوار ج ۵۲، ص ۲۲۹.

حوادث بر طبق تقویم سال ظهور

اشاره: در بخش‌های قبلی این سلسله مقالات، با برخی نشانه‌های مخصوص سال ظهور امام عصر (عج) آشنا شدیم و اینک به بررسی سلسله رویدادهایی می‌پردازیم که در آخرین ماه‌های پیش از ظهور آن حضرت رخ می‌دهد.

جریانات و اتفاقات ماه رجب

در این قسمت به اهم حوادثی که در ماه رجب و در واقع پنج ماه پیش از ظهور حضرت اتفاق خواهد افتاد اشاره خواهیم کرد که این مطالب را از روایاتی که در این باره بوده‌اند استخراج نموده‌ایم.

۱ - باران شدید و فراوان

در سالی که بناست حضرت مهدی (ع) ظهور کنند قحطی به طور جدی شیوع یافته و در بیستم ماه جمادی‌الاول چنان بارانی می‌بارد که از زمان منزل گرفتن حضرت آدم در زمین بی‌سابقه است که این باران تا دهم ماه رجب ادامه می‌یابد. از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند:

وقتی قیام قائم (ع) نزدیک شود در ماه جمادی‌الثانی و ده روز از رجب بر مردم بارانی می‌بارد که خلایق همانند آن را ندیده

باشند ۱. و شیخ مفید در الارشاد چنین آورده است که: سپس به بیست و چهار باران ختم می‌شود که زمین را پس از مرگش

زنده می‌کند و برکاتش نمایان می‌شود. ۲ همان‌گونه که از این روایات برمی‌آید از علایم قریب‌الوقوع ظهور حضرت مهدی (ع)

نزول باران‌های شدید و آب‌های فراوان آسمانی است که به نوعی برای [ ظهور زمین چینی شود تا زمین‌ها برای زراعت و

کشاورزی پر بار و بابرکت، پس از این حالت فقر و خشکسالی که داشته‌اند آماده شود. بارش باران عادی چیز عجیب و

خارق‌العاده‌ای نیست جز اینکه مدت یا میزان آن بارش غریب باشد که بنابر روایات موجود، تأکید بر این باران‌ها به جهت بیان و

ابراز اعجاز گونه بودن آنهاست. با توجه به آنچه گفته شد حقیقت صحبت امیرالمؤمنین (ع) را می‌فهمیم که فرمودند:

شدیداً از آنچه میان ماه جمادی و رجب واقع می‌شود در عجبم. ۳ نظریات مختلفی درباره مدت این باران‌ها بیان شده است.

حجه‌الاسلام علی کورانی در کتاب خود می‌نویسند:

بعید نیست که این بارانی که از جمادی تا رجب ادامه دارد پس از ظهور حضرت نازل شود؛ چرا که تعدادی از علایم ظهور از باب توسع و گستردگی محدوده [ عصر ظهور ] به این عنوان نامگذاری شده است ۴ .

لکن نظر آیت‌الله سید محمد صادق صدر که آن را از نشانه‌های ظهور برمی‌شمرند قابل قبول‌تر به نظر می‌رسد. ایشان چنین می‌گویند:

با توجه به فراوانی آب و باران نازل شده بهتر است آن را پیش از ظهور بدانیم؛ چرا که اگر پس از ظهور واقع شود مانع برخی از فعالیت‌ها و وعده‌هایی می‌گردد که بناست حضرت آنها را انجام دهند و بدان‌ها جامه عمل بپوشانند، پس مقدم دانستن آن بر ظهور هم فایده‌های متعارف باران را در بر خواهد داشت و هم با دیگر فواید اثری دو چندان می‌توان برای آن تصور کرد. ۵ البته این نکته را هم متذکر شویم که احادیث و روایات به مکان و کیفیت بارش این باران‌ها اشاره‌ای نکرده‌اند اما آنچه مهم است این است که این باران‌ها را به عنوان نشانه و علامتی برای نزدیک شدن زمان ظهور در نظر بگیریم حال چه نحوه باریدن آن با بقیه باران‌ها متفاوت باشد، چه مقدار و یا مکان آن.

۲- شورش سفیانی (از علایم حتمی ظهور)

مردی شورش می‌کند که به او سفیانی گفته می‌شود (عثمان بن عنبسه از تبار ابوسفیان و از نسل یزید بن معاویه) در وادی یابس (تنگه بی آب و علف) که در محدوده شامات (دره دمشق) می‌باشد نمایان می‌گردد. او سمبل و نمونه آن دسته از حکام و فرمانروایان کشورهای اسلامی است که در عین انحرافاتشان با حق سرف ستیز دارند که بعد از وی چنین کسانی دیده نخواهند شد و پس از او نسل چنین سردمدارانی منقرض خواهد شد. زمان خروج و شورش او - طبق روایات معتبره - ۶ در ماه رجب است و احتمالاً در دهه آخر و روز جمعه باشد که میان ظهور حضرت در مکه مکرمه و شورش سفیانی تنها شش ماه فاصله است. امام صادق (ع) می‌فرمایند:

سفیانی از نشانه‌های حتمی است و [ آغاز ] شورش او در ماه رجب خواهد بود. بر نواحی و شهرهای پنجگانه، نه ماه حکومت می‌کند و [ حکومتش ] حتی یک روز هم بیش از ۹ ماه طول نخواهد کشید. ۷ امام باقر (ع) می‌فرمایند:

سفیانی و قائم (ع) هر دو در یک سال [ نمایان می‌شوند ] هستند. ۸ در حدیث فرمودند:

خارج شدن سفیانی و یمنی و سید خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز است. به همان ترتیب که دانه‌های تسبیح به دنبال هم می‌آیند، آنها هم پشت سر هم و بلافاصله نمایان می‌شوند. ۹

در این حدیث هم چنین بیان کردند: علی بن ابی طالب (ع) به من فرمودند: درگیری دو سپاه در شام با یکی از آیات الهی است. از ایشان پرسیدند: چه آیه‌ای، یا امیرالمؤمنین؟

فرمودند: لرزشی شدید در شام به وجود می‌آید (شاید اشاره به زمین لرزه‌های مورد بحثمان باشد) و بیش از صد هزار نفر کشته می‌شوند که این جریان را خداوند مایه رحمت و آرامش مؤمنین و عذاب کافران قرار می‌دهد.

وقتی چنین شد به سوارانی بنگرید که مرکب‌های (یابو) سیاه و سفید و گوش و دم بریده و پرچم‌های زرد دارند.

هر که را از مغرب تا شام که در مسیرشان باشد می‌کشند. این جریان در زمان بی‌تابی و اندوه شدید و مرگ سرخ رخ می‌دهد پس از آن منتظر فرو رفتن قریه و روستایی در دمشق باشید که به آن مرمرسا ۱۰ گفته می‌شود، و سپس پسر هند جگرخوار از وادی یابس (دره بی‌آب و علف) شورش می‌کند تا اینکه بر منبر دمشق قرار بگیرد. وقتی چنین شد منتظر خروج و قیام مهدی(ع) باشید. ۱۱

که این حدیث آغاز حرکت سفیانی را به خوبی ترسیم می‌کند.

شاید بهترین تحلیل و بیان از فعالیت‌های سفیانی و مصیبت‌ها و سختی‌هایی که جامعه اسلامی را بدان مبتلا می‌کند سیدجلیل‌القدر علامه سید محمد صادق صدر داشته باشد که صحبت‌های ایشان را با اندکی دخل و تصرف در اینجا می‌آوریم:

دمشق (شام) در آن زمان میدان جنگ‌های داخلی و تنازعات مسلحانه میان گروه‌های سه‌گانه (تحت فرمان ابعق، اصهب و سفیانی... که مانند مرکز ثقل نیروهای سیاسی و نظامی می‌شود) خواهد شد. هر سه از صراط مستقیم حق منحرف گشته‌اند و هر کدام تاج و تخت و حکومت را برای خود می‌طلبند - روایات تفکرات و عقاید آنها را برای ما به روشنی بیان کرده‌اند - ابعق و سپاهیان با سفیانی می‌جنگند که منجر به پیروزی سفیانی و کشته شدن ابعق و یارانش می‌شود.

در جنگ سفیانی با اصهب هم چنین اتفاقی تکرار می‌شود. و فاتح نهایی جنگ‌ها سفیانی است. این اتفاقات مصداق بارز این آیه است که:

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۱۲ .

احزاب با هم بر سر آنچه در میانشان بود اختلاف کردند پس وای بر آنها [ از آنچه ] در قیامت [ بر سر آنها خواهد آمد ] .

مقر فرماندهی سفیانی در زمان حکومتش شام خواهد بود و اهالی آنجا از او پیروی خواهند کرد (به جز تعداد کمی) سفیانی در این زمان بر مناطق پنجگانه دمشق، حمص، فلسطین و اردن و قنسرین حکومت می‌کند.

وقتی که تا این حد مسیر را برای خود هموار می‌بیند به عراق هم طمع می‌کند و به این فکر می‌افتد که سپاهی را به آنجا گسیل دارد. لذا با سپاهی که حداقل هشتاد هزار نفر نیرو دارد و خود فرماندهی آن را برعهده گرفته به آنجا می‌رود. در میان راه با سپاهی که فرمانروای عراق برای دفع و مقابله با آنها گسیل داشته مواجه می‌شود. این دو سپاه با هم در منطقه قرقیسیا (واقع در سوریه و در نزدیکی عراق) مشغول پیکار می‌شوند. ترک‌ها [ روس‌ها ] و رومیان [ اروپاییان و آمریکایی‌ها ] هم به آتش جنگ دامن زده و خود هم در آن شرکت می‌کنند. جنگ طولانی و شدیدی واقع می‌شود و حدود ۱۰۰/۰۰۰ نفر از ستمکاران و جباران در آن کشته می‌شوند که مقصود از ستمکاران آن دسته از گنه‌پیشگان منحرفی است که در آن زمان هلاک می‌گردند. به این جهت منطقه از شر عمده این سپاهیان که ممکن بود پس از ظهور حضرت مهدی(ع) در مقابل او جبهه بگیرند خلاص می‌شود.

در این کشت و کشتار بزرگ هم سفیانی پیروز می‌شود و وارد عراق می‌گردد. در آنجا در «ارض الجزیره» (بین‌النهرین عراق) به ناچار با یمنی روبرو می‌شود که بر او هم فایق آمده و آنچه را که سپاهیان یمنی طی جنگ‌های خود در منطقه به دست آورده

بودند تصاحب می‌کند؛ سپس راهی کوفه شده و در آنجا دست به کشتار و اعدام و اسیر کردن مردم می‌زند. یاوران و یاریگران خاندان حضرت محمد(ص) را به همراه یکی از منسوبین به اهل بیت(ع) شهید می‌کند. سپس جارچی او در کوفه ندا می‌دهد که هر کس سر یکی از شیعیان علی(ع) را بیاورد هزار درهم (مژدگانی) می‌گیرد. لذا همسایه به همسایه‌اش به این بهانه که در اسلام هم مذهب نیستند حمله کرده و می‌گوید: «این هم از آنهاست. گردنش را می‌زند و سر او را به حکومت سفیانی تحویل داده و از آنها هزار درهم می‌گیرد.»

جنبش‌های ضعیف و سرپیچی‌های کوچکی که در کوفه توسط اهالی آن رخ می‌دهد نمی‌توانند این شهر را از سیطره سپاه سفیانی خلاص کنند بلکه سفیانی رهبر این جنبش را مابین حیره و کوفه به شهادت می‌رساند و پس از آن هم خون‌های زیادی بر زمین ریخته می‌شود.

با هموار گشتن جریان حکومت وی در عراق به لشکرکشی به ایران هم طمع کرده و راهی آنجا می‌شود. حوالی شیراز (باب اصطخر) در کارزار و میدان جنگی با سید خراسانی روبرو می‌شود.

سفیانی در عین حال به حکومت بر دیار حجاز هم طمع کرده و سپاهی را به فرماندهی خزیمه که از بنی‌امیه است بدانجا اعزام می‌کند (اکثر روایات بر اینکه خود سفیانی در این سپاه نیست تأکید می‌کنند). سپاه با تمام نیروها و امکاناتش به سمت مدینه حرکت می‌کند و این در حالی است که در این ایام حضرت مهدی(ع) در آغازین روزهای ظهور خویش در مکه به سر می‌برند و پیگیر اخبار سفیانی هستند. سفیانی سپاهی مجهز را به سمت مکه گسیل می‌دارد تا به قتل و کشتار بی‌رحمانه آن حضرت و سپاهیان‌شان اقدام کنند. آن‌گونه که از سیاق روایات برمی‌آید این سپاه همان سپاهی است که سه روز به غارت و کشتار مردم مدینه و تخریب مسجدالنبی(ص) مشغول بوده است.

از آنجا که مکه حرم امن الهی است و کسی که در آنجا ساکن شده است نباید بر جان خویش خوفناک باشد و با توجه به این که حضرت مهدی(ع) رهبری است که برای روز موعود و هدایت بشریت و جهانیان ذخیره شده، ضرورت و مصلحت هر دو اقتضا می‌کند که این سپاه از بین رفته و قضای الهی بر آنها جاری گردد. با معجزه‌ای الهی بیابان این سپاه را می‌بلعد و جز دو نفر اثری از بقیه نمی‌ماند (این دو نفر که به بشیر و نذیر ملقب می‌شوند از قبیله جفهنیه‌اند و به همین جهت است که می‌گویند: «خبر یقینی را از جفهنیه بشنوید.») ۱۳ این دو نفر مردم را از آنچه بر سر رفقا و همراهانشان آمده خبر می‌کنند.

علی‌رغم این که بنابر تقدیر الهی بخشی از سپاه سفیانی به زمین فرو می‌روند از آنجا که سوریه، عراق، اردن، فلسطین و منطقه وسیعی از شبه جزیره عربستان تحت سیطره سفیانی است، حکومتش در منطقه پابرجا می‌ماند.

مدتی کوتاه پس از بلعیده شدن سپاه در بیابان حضرت مهدی(ع) حرکت می‌کند و او را با سپاهش به عراق بازمی‌گرداند. پس از آن با هم درگیر شده و حضرت بر او فایق آمده و او را به هلاکت می‌رساند. که این جریان در منطقه رمله اتفاق می‌افتد. حضرت بر تمام منطقه‌ای که سفیانی بر آن حکومت می‌کرد تسلط می‌یابند و از این به بعد فرصت مناسبی برای پیروزی جهانی حضرت مهدی(ع) فراهم می‌شود. ۱۴ در ادامه بعضی از احادیثی را که بر حرکت سفیانی تأکید دارند - به قدری که با توجه به منابع حدیثی برای ما مقدور است - بیان می‌کنیم.



حضرت علی(ع) فرمودند:

فرزند هند جگرخوار از وادی یابس (دره خشک و بی آب و علف) شورش می کند. مردی است که قامتش متوسط، چهره اش زشت و کریه منظر است، چهارشانه و درشت هیکل می باشد و در صورتش آثار آبله دیده می شود. ظاهرش یک چشم به نظر می رسد نامش عثمان و فرزند عنبسه است و از فرزندان ابی سفیان، وارد شام شده و منبر آن را تصاحب می کند. ۱۵

امام باقر(ع) در حدیث طولانی فرمودند:

ناچار بنی فلان حکومت را به دست خواهند گرفت و پس از آن دچار اختلافات شده و حکومتشان از هم می پاشد و پراکنده می شوند تا اینکه سید خراسانی از مشرق و سفیانی از مغرب خروج می کنند و هر کدام از منطقه خود به سمت کوفه مانند اسبان مسابقه می شتابند تا اینکه بنی فلان به دست آنها هلاک می شوند و از آنها حتی یک نفر باقی نخواهد ماند. ۱۶

جابر جعفی از آن حضرت طی حدیث طولانی دیگری نقل می کند که فرمودند:

... و منادی که از آسمان ندا می دهد ۱۷ و صدایی از ناحیه دمشق حکایت از پیروزی می کند [ سر و صداها خبر از اجتماعات و برخوردهایی است که در دمشق رخ می دهد و بیانیه هایی که پس از این جریانات صادر می شود ] قریه ای در شام به نام جابیه محو و ناپدید می شود ۱۸. بخشی از سمت راست مسجد دمشق فرو می ریزد (مسجد اموی) و شورشیان مرتد از منطقه ترک ها خروج می کنند و فتنه شام هم به دنبال آن می آید. سر و کله برادران ترک ها هم پیدا شده و در جزیره فرود می آیند و شورشیان و از دین برگشتگان رومی می آیند تا اینکه در رمله مستقر می شوند. جابر! در آن سال درگیری های زیادی در مغرب زمین رخ خواهد داد. ابتدای مغرب زمین که شام است به فرمان سه پرچم [ سپاه ] اصبه و ابقع و سفیانی با هم درگیر می شوند. که سفیانی با ابقع روبرو شده و با هم می جنگند و نهایتاً سفیانی او و لشکریانش را می کشد. سپس اصبه را هم به هلاکت می رساند. [ سفیانی ] در این زمان تمام همش لشکرکشی به عراق می شود که سپاهیان در قرقرسیا درگیر شده و [ در این جنگ ] ۱۰۰/۰۰۰ نفر از جباران و ستمکاران هلاک می شوند. سفیانی لشکری هفتاد هزار نفری را به سمت کوفه گسیل می دارد و آنها هم به قتل و کشتار و اسیر کردن مردم کوفه می پردازند در این زمان که اینها به چنین اعمالی مشغولند پرچم هایی از سوی خراسان نمایان می شود که منازل را به سرعت پشت سر می گذارند و در میان آنها عده ای از یاوران حضرت مهدی(ع) وجود دارند. یکی از اهالی کوفه به همراه جمعیتی ضعیف قیام می کند که فرمانده لشکر سفیانی، او را در بین حیره و کوفه شهید می کند. سفیانی جمعیتی را به سوی مدینه اعزام می کند و حضرت مهدی(ع) [ به جهت خلاصی از شر آنها ] به سمت مکه هجرت می کند. خبر خروج ایشان به فرمانده سپاه سفیانی می رسد او هم عده ای را به دنبال ایشان می فرستد که نمی توانند به آنها دست یابند تا اینکه حضرت همانند موسی بن عمران بیمناک وارد مکه می شود.

حضرت در ادامه فرمودند:

پس از استقرار فرمانده سپاه سفیانی در بیداء (صحرا) ندایی از آسمان می آید که: ای صحرا این قوم را در کام خود فرو بر! دشت هم آنها را می بلعد به جز سه نفر که چهره ایشان به پشتشان برگشته نجات پیدا نمی کنند آنها از قبیله کلب هستند و در مورد آنها این آیه نازل شده که:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ أَوْفَعُوا الْكِتَابَ آمَنُوا بِمَا أَنْزَلْنَا مَفْصَدًا لِمَا مَعَكُمْ مَن قَبْلَ أَنْ نَطْمَسَ وَفَجَّوْهَا فَنَرَفَهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا ۱۹ .  
ای کسانی که به شما کتاب داده شده در عین حال که آنچه را که در میان شماست تصدیق می کنید به چیزی که آن را نازل کردیم ایمان بیاورید قبل از آنکه چهره‌هایی را محو کرده و آنها را به پشت برگردانیم. ۲۰  
امام صادق (ع) فرمودند:

وقتی سفیانی بر مناطق پنجگانه مسلط شد، نه ماه بشمرید که به زعم هشام آن مناطق پنجگانه دمشق، فلسطین، اردن، حمص و حلب هستند. ۲۱  
امیرالمؤمنین (ع) فرمودند:

... سفیانی خروج می کند و به اندازه مدت حمل یک زن یعنی نه ماه حکومت می کند. از شام قیام می کند و اهل شام به جز عده کمی از ساکنان آنجا که اهل حقند بقیه مطیع او می شوند با سپاهی درنده و خون آشام به مدینه می آید تا اینکه به صحرای مدینه می رسد و خداوند آنها را در آن فرو می برد. و این است معنای این آیه که:  
وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَافْخَذُوا مَن مَّكَانٍ قَرِيبٍ ۲۲ .

در هنگام بیچارگی اگر آنها را ببینی بدون هیچ وقفه‌ای از مکان نزدیکی دچار [ عذاب ] می شونی. ۲۳  
و امام صادق (ع) فرمودند:

گویی سفیانی و یاران او را می بینم که بساطش را در محله‌های شما در کوفه پهن کرده و منادی او ندا می دهد که هر کس سر شیعه علی را بیاورد هزار درهم می گیرد. (به دنبال این حرف) همسایه به همسایه اش حمله می کند و می گوید این از آنهاست و گردنش را می زند و هزار درهم می گیرد. و فرمانروایی بر شما در آن روز تنها از آن زنازادگان است. گویی من به صاحب برقع (روبند) می نگرم.

راوی پرسید: صاحب برقع کیست؟ فرمودند:

مردی که خودتان خواهید گفت او روبند زده است به سمت شما می آید، شما را می شناسد و شما او را نخواهید شناخت از تک تک شما عیب جویی خواهد کرد؛ چرا که او زنازاده‌ای بیش نیست. ۲۴

پس از تبیین جنبش سفیانی با کمک روایات شریفه و با توجه به کثرت اشاره و مطالب راجع به آن و اینکه بعضی از آیات قرآن کریم در مورد این جریان است تأکید می شود که: سفیانی واضح ترین، محکم ترین و قابل اعتمادترین نشانه در روایات است که نیرویش تا پیش از شنیدن شدن ندای آسمانی و فرو رفتن در بیابان کم نمی شود و همان طور که در آینده نزدیک خواهیم دید برخی دیگر از نشانه‌ها مختص به اوست خصوصاً بلعیده شدن در زمین که مخصوص سپاهیان اوست. ۲۵

قول به حتمی بودن سفیانی در میان نشانه‌ها مستدل و مورد قبول همه است. شکی نیست که نمایان شدن سفیانی به بروز خسف و بلعیده شدن توسط زمین می انجامد که روایات صحیحه را اگر به روایات خسف و سفیانی ضمیمه کنیم تواتر مطلب را می رساند به علاوه که بروز سفیانی نمایان شدن اصبه و ابقع و جریان قرقیسیا را به دنبال خواهد داشت و همین طور فتنه شام و فتنه‌های

دیار عراق و حتی بخشی از حوادث مربوط به یمنی و سید خراسانی و دیگر نشانه‌ها هم با سفیانی در ارتباط است و از اینروست که تأکید می‌کنیم که سفیانی از علایم حتمی است که البته خداوند عالم واقعی به اشیا و حوادث است. پی‌نوشت‌ها:

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷؛ الزام‌الناصب ج ۲، ص ۱۵۹؛ تاریخ مابعدالظهور ص ۱۳۷.
۲. الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۷۰؛ تاریخ مابعدالظهور، ص ۱۳۷.
۳. العجب کل العجب مابین جمادی و رجب .
۴. الممهدون للمهدی (ع)، ص ۴۰.
۵. تاریخ مابعدالظهور، ص ۱۳۷.
۶. السفیانی، محمد فقیه، ص ۱۱۸.
۷. الغیبه، نعمانی، ص ۲۰۲.
۸. همان، ص ۱۷۸.
۹. همان، ص ۱۷۱؛ اعلام‌الوری، ص ۴۲۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲.
۱۰. «حریست» در اکثر نسخ.
۱۱. الغیبه، نعمانی، ۲۰۶؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۷۷؛ بحارالانوار ج ۵۰۲، ص ۲۵۳.
۱۲. سوره مریم (۱۹) ص ۳۷.
۱۳. بشاره‌الاسلام، ص ۲۱؛ یوم‌الخلاص، کامل سلیمان ص ۲۹۳.
۱۴. تاریخ بعدالظهور، ص ۱۶۷-۱۶۵.
۱۵. کمال‌الدین، شیخ صدوق، ص ۶۵۱؛ بشاره‌الاسلام، ص ۴۶.
۱۶. الغیبه، نعمانی ۱۷۱؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۴؛ الزام‌الناصب، ج ۲، ص ۱۳۰.
۱۷. اشاره است به سه ندایی که در ماه رجب شنیده می‌شود و به زودی به آن خواهیم پرداخت.
۱۸. احتمالاً به خاطر جنگ‌های داخلی یا میان کشورها باشد. سوی اینک شکاف‌ها و گسله‌های طبیعی هم از جمله علل فرو رفتن در زمین و ناپدید شدن است این احتمال با توجه به ظاهر روایتی است که قبلاً درباره معرکه قرقیسیا پیش از رسیدن ترک‌ها و رومیان بیان شد.
۱۹. سوره نساء (۴) آیه ۴۷.
۲۰. الغیبه، نعمانی، ص ۱۸۷؛ بحارالانوار ج ۵۲، ص ۲۳۸.
۲۱. الغیبه، نعمانی، ص ۲۰۵؛ الزام‌الناصب، ج ۲، ص ۱۱۶.
۲۲. الغیبه، نعمانی، ص ۱۸۷؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸.

۲۳. سوره سبأ (۳۴) ص ۵۱.

۲۴. الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۱؛ بشاره الاسلام ص ۱۲۴.

۲۵. السفیانی، محمد فقیه، ص ۱۰۶.

۲۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۳۱، السفیانی، فقیه؛ ص ۱۲۵؛ یوم الخلاص، ص ۶۹۴.

اشاره:

در بخش های قبلی این سلسله مقالات، با برخی نشانه های مخصوص سال ظهور امام عصر (عج) آشنا شدیم و اینک به بررسی سلسله رویدادهایی می پردازیم که در آخرین ماه های پیش از ظهور آن حضرت رخ می دهد.

ادامه حوادث ماه رجب

۳- قیام یمانی (از علایم حتمی ظهور)

احادیث شریف ما جنبش یمانی را به عنوان پرچم هدایت معرفی می کنند که همزمان با شورش سفیانی در شام، او هم در یمن قیام کرده و مردم را به حق و حقیقت دعوت می کند و اجابت دعوتش واجب است. پس از حرکت به سمت عراق و شام و ملاقاتش با سید خراسانی، در جنگ با سفیانی او را یاری می رساند. یمانی از فرزندان زید بن علی بن الحسین (ع) است.

از امام باقر (ع) روایت شده که فرمودند:

خروج سفیانی و یمانی و سید خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز است که مانند دانه های تسبیح به دنبال هم می آیند و جنگ همه جانبه ای رخ می دهد. وای بر کسی که در مقابل آنها بایستد! در میان این پرچم ها هیچ کدام به اندازه پرچم یمانی بر حق نیست؛ چرا که شما را (به تبعیت از) امامتان دعوت می کند. پس از قیام یمانی خرید و فروش اسلحه برای مردم و به خصوص مسلمانان ممنوع می شود و هرگاه (یمانی) قیام کرد به سوی او حرکت کن و بشتاب که آن را پرچم هدایت خواهی یافت. احدی از مسلمانان اجازه ندارد با او مقابله کند و هر کس چنین کند، جهنمی است؛ چرا که یمانی به حق و صراط مستقیم دعوت می کند. ۱

در آن زمان اوضاع کلی جهان، در یک جنگ بزرگ فرهنگی تمدن ها خلاصه می شود که میدان این جنگ شام، فلسطین، عراق، ایران و حجاز است. در این معرکه دو دسته و دو سپاه در برابر یکدیگر به مبارزات سیاسی - نظامی مشغولند و این دو دسته عبارتند از: یاوران حضرت مهدی (ع) و زمینه سازان قیام ایشان در یک سوی میدان و حرکت سفیانی و یاری رسانان غربی او و به تعبیر روایات رومیان و یهودیان در سوی دیگر میدان. هدف این جنگ بزرگ تمدن ها و کانون بحران های سال ظهور حضرت مهدی (ع) قدس است.

با این حساب اینطور نیست که جنبش حضرت مهدی (ع) - که از مسجد الحرام و مکه مکرمه شروع می شود - اولین حرکتی باشد که هدفش رسیدن به مسجد الاقصی در فلسطین است، بلکه گل سرسبد و تاج سر تمام حرکت های امت اسلامی است که به سوی قدس در شتابند. در واقع باید ابتدای حرکت امت اسلام برای رهایی قدس را از ایران توسط سید خراسانی و از یمن توسط رهبر مسلمانان یمانی دانست که البته روایات حرکت یمانی را هدایت جویانه و نماد هدایت توصیف می کنند.

پرچم‌های خراسان یا پرچم‌های سیاه که در این لشکر جمعی از یاران حضرت مهدی (ع) تحت فرماندهی سید خراسانی وجود دارد. امام باقر (ع) در حدیثی طولانی می‌فرماید:

... سفیانی لشکری را به سوی کوفه می‌فرستد که هفتاد هزار نفرند آنها در آنجا به قتل و کشتار و اسارت مردم می‌پردازند در چنین شرایطی پرچم‌هایی از سوی خراسان به رهبری سید خراسانی نمایان می‌شوند که منزلگاه‌ها را با سرعت چشمگیری طی کرده و پشت سر می‌گذارند و در میان آنها عده‌ای از اصحاب حضرت مهدی (ع) هستند ۲.

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید:

فرج را از سه چیز انتظار داشته باشید: اختلاف اهل شام بر سر آن چیزی که در میان آنهاست، پرچم‌های سیاه از خراسان و هراس و سردرگمی مردم در ماه رمضان ۳.

و آن حضرت (ع) در حدیث طولانی می‌فرماید:

وقتی سپاه سفیانی به سمت کوفه خارج می‌شود آنها را برای (درگیری و پیروزی بر) اهل خراسان می‌فرستد که آنها هم به جهت (یاری) حضرت مهدی (ع) خارج شده‌اند. سفیانی و سید خراسانیف حامل پرچم‌های سیاه به هم می‌رسند. در خط مقدم سید خراسانی، شعیب بن صالح است که او با سفیانی درباب اصطخر (منطقه شیراز که نقطه مقابل فرو رفتگی خلیج فارس است) میان آنها جنگ خانمان برانداز و شدیدی صورت می‌گیرد که پرچم‌های سیاه پیروز شده و لشکر سفیانی متواری و فراری می‌شوند. به دنبال آن مردم آرزوی (آمدن) مهدی (ع) را می‌کنند و او را می‌جویند. او هم در مکه قیام می‌کند در حالی که پرچم رسول‌الله (ص) را به همراه دارد و آن هم در زمانی که مردم از قیام او به خاطر شدت و مدت بلایا و فتنه‌ها مأیوس شده‌اند. ۴

احادیث نام و اوصاف برخی از فرماندهان سپاه خراسان را چنین بیان می‌کند:

سید خراسانی، رهبر سیاسی‌ای که در دست راستش خالی دارد، قائد اعظم و سید بزرگواری است که پرچم‌های نهضت به نقش او منقوش گشته‌اند. شعیب بن صالح جوان گندمگون و تیز فهمی از اهالی تهران که سرپرستی نیروها را برعهده دارد. گنج‌های طالقان که همان جوانان منطقه طالقان (شمال تهران) هستند و اصحاب حضرت مهدی (ع) خواهند شد و احادیث صفت بارز آنها را گنج الهی بودن آنها برشمرده‌اند. ۵

روایات به این امر اشاره دارند که ایرانیان پس از طولانی شدن جنگ با دشمنان خود؛ با سیدی هاشمی که شعیب بن صالح را به عنوان فرمانده سپاه خویش برگزیده بیعت می‌کنند. احادیث، میدان جنگ ایرانیان با دشمنانشان را در خارج آن سرزمین؛ یعنی عراق و شام و فلسطین بیان می‌کند که حاکی از ثبات سیاسی آنها در داخل کشور می‌باشد؛ البته به جز آشفتگی مختصری که به واسطه جریان «قرقیسیا» در وضعیت ایران به وجود می‌آید. از آنجا که این واقعه اساساً جنگ میان سفیانی، ترک‌ها، بعضی از غریبان و بخشی از سپاهیان و نیروهای عراقی است و با توجه به اینکه ایرانیان با میدان و معرکه جنگ فاصله چندانی ندارند تصمیم می‌گیرند در آن شرکت کنند ولیکن به جهت بهبود وضعیت داخلی از قرقیسیا صرف نظر می‌کنند و به کشور خود بازگشته و برای مقابله با سفیانی که در غایله قرقیسیا پیروز شده مهیا می‌شوند.

هدف قیام ایرانیان آزادی قدس است که پس از عبور از عراق آن را فتح کنند. احادیث از حرکتی دسته‌جمعی و ملی از منطقه اصطخر خبر می‌دهند که پس از حوادث حجاز و خروج حضرت مهدی(ع) می‌باشد و اهل مشرق برای استقبال از ایشان برای عبور از عراق و رسیدن به مکه راهی می‌شوند که حضرت در اصطخر با آنها ملاقات کرده و آنها هم در همانجا با ایشان بیعت می‌کنند و به همراهی او با سفیانی می‌جنگند ۶.

۵- نمایان شدن بدنی کاملاً واضح در قرص خورشید و دستی که از آسمان اشاره می‌کند.

الف - خارج شدن سر و سینهٔ مردی در قرص خورشید

امام باقر(ع) ذیل این آیه که:

اَفَن نَّشَاءُ نَفْتَزِفْلُ عَلَيْهِمْ مَفَنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ اَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ ۷.

اگر بخواهیم آیه‌ای را از آسمان بر آنها نازل می‌کنیم که گردن‌های خود را خاضعانه در مقابل آن فرود آورند ۸. فرمودند:

خداوند با آنها چنین خواهد کرد.

راوی می‌گوید: پرسیدم آنها چه کسانی هستند؟

فرمودند:

بنی‌امیه و پیروان آنها منظور سفیانی و یارانش است.

راوی می‌گوید باز پرسیدم: آن آیه چیست؟ حضرت جواب دادند:

ثابت ماندن خورشید از ظهر تا وقت عصر و خارج شدن سینه و صورت مردی در قرص خورشید که با حسب و نسبش (برای مردم) شناخته شده است. اینها در زمان سفیانی است و پس از آن او و پیروانش هلاک می‌شوند ۹.

این حدیث به خوبی تبیین می‌کند این علامت پس از خروج سفیانی است و سفیانی هم همان‌گونه که بیان شد در ماه رجب خروج می‌کند. علاوه بر این امام صادق(ع) طی حدیث دیگری تصریح می‌کنند که این نشانه در ماه رجب واقع می‌شود و می‌فرمایند:

سالی که در آن صیحه و فریاد آسمانی واقع می‌شود، قبل از آن آیه‌ای در ماه رجب نمایان می‌شود.

راوی می‌گوید: پرسیدم آن آیه چیست؟ فرمودند:

چهره‌ای که در ماه (و به قولی خورشید) و دستی نمایان دیده می‌شود ۱۰.

این بدن کامل و نمایان (سینه و صورت) همان کسی است که نداهای سه‌گانه ماه رجب - همان‌گونه که خواهیم دید - را سر خواهد داد.

از امام رضا(ع) نقل کرده‌اند که ضمن حدیثی طولانی می‌فرمایند:

... و صدای سومی که (با آن) بدنی واضح و نمایان در قرص شمس دیده می‌شود. ۱۱

برخی از علما معتقدند که این پیکر همان بدن مطهر امیرالمؤمنین(ع) است که مردم ایشان را می‌شناسند.

شیخ محمد نجفی در کتاب بیان الاثمه (ج ۳، ص ۴۸) چنین نظری را بیان می کنند. و بعضی دیگر می گویند حضرت مسیح است که این نظر را حجة الاسلام علی کورانی در کتاب الممهّدون للمهدی (ص ۳۷) بیان کرده اند. که این نظر قابل قبول تر به نظر می رسد.

ب - دستی که در آسمان ظاهر شود و اشاره می کند: هذا... هذا... این (حق است) این (حق است) ...!

بعضی از روایات این نشانه را از علایم حتمی شمرده اند:

امام صادق (ع) در حدیثی بلند و طولانی فرمودند:

و دستی که از آسمان طلوع کرده و نمایان می شود از علایم حتمی است. ۱۲

آن حضرت در تبیین علامت های روز موعود چنین می فرمایند:

دستی از آسمان بر حکومت و امیر آن زمان دلالت کرده که مردم به آن خواهند نگریست. ۱۳

چقدر امامان بزرگوار (ع) بلند مرتبه اند که صدها سال قبل ما را از این جریانات باخبر کردند. بدن و دست معجزه ای الهی است و در حالی که انسان در عصر کنونی ثابت کرد می تواند صحبت هایش را با اختراعات و اکتشافات و علم خویش از سطح ماه به زمین منتقل کند از آنها بیشتر قدرت نمایی کند، از خداوندی که از مخلوقاتش مسلماً داناتر و تواناتر است، این مطلب خیلی عجیب و غیر قابل تصور نخواهد بود.

۶ - ندا های سه گانه

سه ندای آسمانی را همه در ماه رجب می شنوند:

ندای اول: **ألا لعنة الله على القوم الظالمين**؛ بدانید لعنت خدا شامل حال جمعیت ظالم و ستمکار می شود.

ندای دوم: **يا معاشر المؤمنين أذفأ الآزفة**؛ ای گروه مؤمنان! قیامت (ظهور) نزدیک شده است.

ندای سوم: **بدن آشکار و نمایانی ندا می دهد:**

**ألا إن الله بعث مهدی آل محمد (ص) للقضاء على الظالمين**؛ بدانید که خداوند مهدی آل محمد (ص) را برای اجرای قضای خود بر ستمکاران برانگیخت و فرستاد.

امام رضا (ع) طی حدیثی طولانی فرمودند:

ندایی می آید که هر دور و نزدیکی آن را می شنود؛ برای مؤمنان رحمت و برای کافران عذاب است.

حسن بن محبوب که راوی است، می گوید: به حضرت عرض کردم: پدر و مادرم به فدایتان آن ندا چیست؟

فرمودند:

سه ندا در رجب خواهد بود. اولین آنها چنین است: بدانید که لعنت خدا شامل ستمکاران است و دومین آنها: ای گروه مؤمنین

قیامت (ظهور) نزدیک شده است و سومین بدنی آشکارا در قرص خورشید، مشاهده می شود که ندا در می دهد که خداوند فلان

بن فلان را برای هلاک و نابودی ستمکاران برانگیخته است و در این زمان فرج و گشایش مؤمنین خواهد آمد و خداوند

سینه هایشان را شفا داده و سختی و غم و غصه را از قلب هایشان می زداید. ۱۴

قریب به این مضمون از امام باقر(ع) نقل شده است که فرموده‌اند:  
خداوند تبارک و تعالی با پدید آوردن این آیات، انکارکنندگان را مبهوت و متحیر خواهد کرد.  
و امام صادق(ع) چنین می‌فرماید که:

سالی که در آن صیحه آسمانی واقع می‌شود پیش از آن آیه‌ای در رجب خواهد بود.  
از ایشان پرسیدند: آن آیه چیست؟

فرمودند: چهره‌ای که در ماه نمایان می‌شود و دستی که آشکارا اشاره می‌کند و ندایی که از آسمان هر کس آن را به زبان  
خویش می‌شنود. ۱۵

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان میان ندا و صیحه تفاوت قایل شد؛ چرا که صیحه در ماه رمضان واقع می‌شود و به شکل ندای  
جبرئیل(ع) است در حالی که ندهای سه گانه در ماه رجب پدید می‌آیند و ندای چهارمی در ماه محرم و روز ظهور حضرت  
خواهد بود و به خلاف ندهای چهارگانه در ماه‌های رجب و محرم صیحه ماه رمضان در زمرة علایم محتوم به شمار آمده است.  
۷- ثابت ماندن خورشید و خسوف ماه در شب بدر (نیمه ماه)

از علایم غیر حتمی سال ظهور ثابت ماندن خورشید و حرکت نکردن آن از ظهر تا عصر یکی از روزهای ماه رجب است.  
همچنین در شب بدر این ماه، خسوف و ماه گرفتگی رخ خواهد داد.

از امام پنجم(ع) در مورد این آیه که اگر بخواهیم از آسمان بر آنها آیه‌ای نازل می‌کنیم ۱۶ پرسیدند که آن آیه چیست؟  
حضرت فرمودند:

ثابت ماندن خورشید از ظهر تا هنگام عصر... که اینها در زمان سفیانی است و به دنبال آن، او و قوم و پیروانش هلاک خواهند  
شد. ۱۷.

این نشانه به خوبی از خروج و شورش سفیانی در ماه رجب حکایت می‌کند؛ چرا که این علامت در زمان او اتفاق می‌افتد.  
سکون خورشید در آسمان هر چند برای مدت کمی رخ می‌دهد، ولی معجزه‌ای عجیب از ناحیه خداوند متعال است. از طرفی  
مردم به آن واقعه از طولانی شدن ناگهانی مدت روز پی می‌برند. و از طرف دیگر تابش نامتعارف و بیش از حد گرما و حرارت  
خورشید به زمین باخبر می‌شوند. پدید آمدن چنین نشانه‌ای آسمانی در ماه رجب خبر از هلاکت و درهم کوبیده شدن سفیانی و  
سپاهیان و حزب و پیروانش می‌دهد.

تأکید بر ثابت ماندن خورشید در ماه رجب ناظر به همزمانی این حادثه با خروج سینه و صورت مردی در قرص خورشید است  
که قبلاً در زمرة حوادث ماه رجب از آن یاد کردیم. و همان‌طور که پیش از این گفتیم همه اینها در زمان سفیانی رخ می‌دهد.  
از جمله دیگر حوادثی که در ماه رجب رخ می‌دهد ماه گرفتگی در شب بدر این ماه است:

ام سعید احمسیه به امام صادق(ع) عرض می‌کند: یابن رسول‌الله(ص) فدایتان شوم! نشانه‌ای از خروج و قیام حضرت مهدی(ع)  
در اختیارم بگذارید و به من مرحمت کنید. حضرت به من فرمودند:



ام‌سعید! وقتی ماه در شب بدر ماه رجب گرفته شود و خسوف رخ دهد، مردی پس از آن خروج کند و به دنبال آن حضرت مهدی(ع) قیام خواهند کرد. ۱۸

قبلاً گفته شد که علامت و نشانه‌های نمایانی بدن مردی در خورشید هم در ماه رجب واقع می‌شود و پس از آن صیحه آسمانی در ماه رمضان پدید خواهد آمد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. الغیبه، نعمانی، ص ۱۷۱، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲.
  ۲. الغیبه، نعمانی، ص ۱۸۷.
  ۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۹، یوم‌الخلاص، ص ۶۴۵.
  ۴. بشاره‌الاسلام، ص ۱۸۴؛ یوم‌الخلاص، ص ۶۵۱، السفیانی فقیه، ص ۷۷.
  ۵. الممهدون للمهدی، ص ۵۴.
  ۶. جهت کسب اطلاعات بیشتر راجع به قیام سید خراسانی و احادیث و روایات مربوط می‌توانید به فصل سوم کتاب الممهدون للمهدی، حجه‌الاسلام علی کورانی و یا ترجمه کتاب عصر ظهور ایشان مراجعه کنید.
  ۷. سوره شعراء (۲۶) آیه ۴.
  ۸. الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۷۳؛ اعلام‌المهدی، ص ۴۲۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۱؛ المهدی الموعود، ص ۵۳؛ یوم‌الخلاص، ص ۵۱۷؛ السفیانی، فقیه، ص ۱۲۱.
  ۹. الغیبه، نعمانی ص ۱۶۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳؛ بشاره‌الاسلام، ص ۱۲۰.
  ۱۰. الغیبه، نعمانی، ص ۱۷۲؛ بشاره‌الاسلام، ص ۱۲۰.
  ۱۱. یوم‌الخلاص، ص ۵۱۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳ با الفاظی دیگر.
  ۱۲. الغیبه، نعمانی ص ۱۲۰؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۶۸۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۹؛ بشاره‌الاسلام، ص ۱۶.
  ۱۳. الغیبه، نعمانی ص ۱۶۹؛ یوم‌الخلاص، ص ۵۴۱.
  ۱۴. سوره شعراء (۲۶) آیه ۴.
  ۱۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۱.
  ۱۶. بیان‌الائمہ(ع)، ج ۲، ص ۶۹۵.
- حوادث آخرین ماه‌های پیش از ظهور

اشاره:

در بخش‌های قبلی این سلسله مقالات، با برخی نشانه‌های مخصوص سال ظهور امام عصر(عج) آشنا شدیم و اینک به بررسی سلسله رویدادهایی می‌پردازیم که در آخرین ماه‌های پیش از ظهور آن حضرت رخ می‌دهد.

حوادث ماه شعبان

در این ماه، روحیه آمادگی آمیخته به ترس و هراسی در جهان اسلام نمایان می شود که ناشی از بروز آن دسته از جریانات سیاسی است که در یک عرصه با هم به تاخت و تاز مشغولند که از ماه رجب به مرور رو در روی هم قرار گرفته اند. به طور کلی دو جریان در این ایام در حال شکل گرفتن است: جریان یاوران حضرت مهدی (ع) (یمانی از یمن و سید خراسانی از ایران) و جریان سفیانی که بر رقبای خویش «اصهب» و «ابقع» فایق آمده و پس از این پیروزی با رومیان و یهودیان (غرب) هم پیمان گشته است.

در ماه شعبان جریانات از هم جدا شده و مردم هم از کنار یکدیگر پراکنده می شوند و به همین علت است که در احادیث نشانه ها و حوادث دوران ظهور، خاورمیانه همانند میدان مبارزه و جنگ های متعدد و با کشته های بسیار ترسیم شده است. ساکنان این منطقه هم که مسلمانان هستند در شرایط گرفتاری و سختی و ناراحتی به سر می برند که نتیجه عدم ثبات سیاسی کشورهای منطقه است و به زودی هم آتش جنگ جهانی بزرگی برافروخته خواهد شد.

ابوبصیر نقل می کند که از امام صادق (ع) درباره ماه رجب پرسیدم. حضرت فرمودند: پیش از اسلام (دوران جاهلیت) آن را - یعنی ماه رجب را - بزرگ می شمردند و در آن جنگ نمی کردند (نام آن را ماه خالی از ندای جنگ نهاده بودند).

ابو بصیر می گوید:

پرسیدم شعبان؟

- امور در آن از هم جدا می شود؛

- (ماه) رمضان چطور؟

- ماه خداوند تبارک و تعالی است که در آن به نام صاحب شما، حضرت مهدی (ع)، و پدرش ندا در دهند.

- سوال؟

- در آن مردم پراکنده شوند.

- ذی القعدة؟

- در آن می نشینند؛

- ذی حجه؟

- آن ماه خون است؛

- پس محرم (چطور خواهد بود؟)

- در آن حلال را حرام کرده و حرام را حلال می گردانند.

- صفر و ربیع (الاول و الثانی)؟

- در آن ننگی (مرگ) زشت (وحشتناک) و امری عظیم خواهد بود.

- جمادی (الاول و الثانی)؟

- از ابتدا تا انتهایش فتح و پیروزی است. ۱

ابو حمزه ثمالی از قول امام باقر(ع) نقل کرده که فرمودند:

وقتی شنیدید که مردم شام دچار اختلاف شده‌اند، از آنجا فرار کنید که فتنه و کشتار به جانس افتاده است.

گفتم به کجا فرار کنیم؟ فرمودند:

مکه بهترین جایی است که مردم بدانجا بگریزند. ۲

در روایتی که در روضه الکافی آمده و این رویدادها را توصیف کرده و مردم را متوجه وظایفشان در آن زمان و شرایط می‌کند آمده است:

وقتی ماه رجب شد با نام خداوند متعال روی کنید و اگر دوست داشتید که تا شعبان به تأخیر بیندازید، ضرر نمی‌بینید و اگر

دوست داشتید که در میان اقوام و خویشانان پناه بگیرید (روزه بگیرید) شاید برای شما بهتر (محکم‌تر) باشد سفیانی هم به عنوان

یک نشانه برای شما کافی است. ۳

در این حدیث اجازه داده شده است که شتاب کردن در مسافرت تا پایان ماه رمضان به تأخیر انداخته شود. و امام باقر(ع) برای

راهنمایی کردن شیعیان خویش در قسمتی از آن حدیثی طولانی چنین فرموده‌اند:

سفیانی برای شکنجه کردن دشمنان شما کافست و او از جمله نشانه‌هایی برای شماست (برای فهم نزدیکی ظهور). علی‌رغم

اینکه این فاسق شورش کرده شما یک یا دو ماه پس از خروج او از جای خود تکان نخورید؛ ناراحتی به شما نخواهد رسید تا

اینکه جمع زیادی از غیر شما (غیر شیعیان) را بکشد (اشاره به معرکه قرقیسیاست).

برخی از اصحاب گفتند: با عیال (زن و فرزند) خود در آن زمان چه کنیم؟ فرمودند:

مردان خویش را از سفیانی پنهان کنید؛ چرا که او کینه و حرص شیعیان را به دل دارد ولی زنان ان شاءالله ناراحتی به آنها نخواهد

رسید.

پرسیدند: پس مردان به کدام سو خارج شوند و از دست او به کجا فرار کنند؟ فرمودند:

در مدینه چه می‌توانید بکنید در حالی که سپاهیان آن فاسق بدانجا روی می‌کنند. ولی شما به مکه بروید که محل اجتماع شما

آنجاست و فتنه او به مدت حمل یک زن یعنی ۹ ماه طول می‌کشد و ان شاءالله بیش از این اجازه نخواهد یافت. ۴

حوادث ماه رمضان

در این روزها امت اسلامی به خاطر جنگ‌ها، فتنه‌ها و کشتارها ضعف سیاسی جدی پیدا کرده و قوای بیگانه (رومیان) هم وارد

منطقه شده‌اند. نشانه‌هایی در آسمان پدیدار شده است که امید را در دل مؤمنین شکوفا کرده و از این پس جریان حضرت

مهدی(ع) اصلی‌ترین اشتغال ذهنی مردم سراسر زمین می‌شود؛ چرا که این آیات و دلایلی که در این ماه نمایان می‌گردد به

حدی است که بشریت نمی‌تواند از آن چشم‌پوشی کند مانند: ۱ - خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی در زمان غیر عادی

یکی از مظاهر قدرت الهی که در قالب سنن معجزات جلوه‌نمایی کرده و اشارهٔ مخصوصی را برای توجه آن دسته از مؤمنان که مخلصانه منتظر ظهور بوده‌اند به ارمغان می‌آورد، کسوف خورشید در روز سیزدهم یا چهاردهم ماه رمضان و خسوف ماه در بیست و پنجم همان ماه است.

علت پدید آمدن این دو نشانه پیش از ظهور که خلاف روال عادی بوده و از اول خلقت آدم تا آن زمان نمونه‌اش دیده نشده، از این قرار است:

الف) رسوخ و عمق یافتن نظریه مهدویت و اعتقاد به حضرت در میان تمام مسلمانان؛

ب) متوجه کردن مؤمنان مخلص به نزدیکی ظهور.

«ثعلبۀ ازدی» از امام باقر(ع) نقل کرده که فرمودند:

دو نشانه پیش از ظهور قائم(ع) خواهد بود: خورشید گرفتگی در نیمه ماه رمضان و ماه گرفتگی در آخر آن. به حضرت عرض کردم: یابن رسول‌الله خورشید در انتهای ماه کسوف می‌کند و ماه در نیمهٔ آن خسوف. حضرت فرمودند:

خودم می‌دانم چه می‌گویم؛ این دو نشانه‌ای است که از زمان فرود آمدن آدم (از بهشت به زمین) سابقه نداشته است. ۵

«ورد بن زید اسدی» برادر «کمیت» هم از آن حضرت(ع) نقل کرده که فرمودند:

پیش از این امر (ظهور) ماه گرفتگی خواهد بود؛ که پنج روز مانده (به انتهای ماه) و خورشید گرفتگی در روز پانزدهم که هر دو در ماه رمضان خواهد بود و به این ترتیب حساب منجمان به هم می‌ریزد.

ابوبصیر هم از امام صادق(ع) نقل می‌کند که حضرت فرمودند:

نشانهٔ قیام حضرت مهدی(ع) کسوف خورشید در بیست و سوم یا چهاردهم ماه رمضان است. ۶

خسوف ماه معمولاً به جهت قرار گرفتن زمین در میان خورشید و ماه رخ می‌دهد که زمان آن هم در نیمهٔ ماه‌های قمری است. کسوف خورشید هم غالباً زمانی مشاهده می‌شود که ماه بین زمین و خورشید قرار گیرد و زمان آن هم در آخر ماه‌های قمری است. چنین حادثه‌ای (که دچار بدأ ۷ هم نخواهد شد) در زمانی غیر از زمان عادی آن - بنا بر گفته روایات - با فرض احتمالات زیر ممکن می‌شود:

احتمال اول: این قضیه معجزه گونه و از طریق یکی از اسباب و علل عادی (وناشناخته) انجام شود.

البته با اختلافی ساده و آن هم آگاهی ما از زمان وقوع آن است، که البته طریقه حدوث این اعجاز یا کیفیت شکل‌گیری را نمی‌توانیم تصور کنیم و همین قدر کافی است که بدانیم این معجزه انجام می‌شود و آن هم معجزه‌ای که از زمان هبوط حضرت آدم(ع) تا کنون سابقه نداشته است و لذا محاسبات ستاره‌شناسان را برهم می‌زند.

احتمال دوم: به واسطهٔ ممانعت جسمی بزرگ رخ می‌دهد.

ممکن است یکی از اشیاء سرگردان در فضا (بنا بر گفته دانشمندان) به منظومهٔ شمسی نزدیک شده و با قرار گرفتن در مقابل خورشید مانع رسیدن آفتاب به زمین شود و کسوف پس از ده روز پیش بیاید و همین شیء در اواخر ماه هم که ماه به شکل

هلال دیده می‌شود در برابر آن قرار گیرد و بر حسب سرعت و حجم آن شیء خسوف کلی یا جزئی رخ دهد. از جمله نشانه‌هایی که برای ظهور ذکر شده است و بی‌ارتباط با این بخش از مطالب نیست این است که نور خورشید از زمان طلوعش تا ۲۳ از روز ناپدید می‌شود که این به جهت آن است که شیء فضایی بین خورشید و زمین قرار گرفته و به مدت ۲۳ از طول روز مانع رسیدن آفتاب ۸ به زمین می‌شود که بالطبع با کسوفی که از یک تا سه ساعت طول می‌کشد، متفاوت است. احتمال سوم: به جهت تغییرات درونی خود خورشید.

تعبیر علمی این مطلب از این قرار است که ممکن است انفجارهای عظیم یا تغییرات فیزیکی خاصی در خورشید پدید آید طوری که مدت مشخصی

اشعه خورشید به اطراف پراکنده نگردد و یا اینکه انفجارهای پشت سر هم ماه رمضان در خورشید، کسوف اواسط ماه را به دنبال داشته باشد و در آخر ماه که از ماه هلالی بیش پیدا نیست، خسوف را؛ که این احتمال نزدیک‌ترین و جدی‌ترین احتمالات است خصوصاً اگر این دو را به آیات و نشانه‌هایی که از آسمان است و در بحث حوادث ماه رجب به آنها پرداختیم، ضمیمه کنیم، می‌توان آنها را هم با این احتمال توجیه کرد: توقف خورشید در زمان سفیانی ممکن است که ناشی از انفجاری قوی در خورشید باشد که مانع حرکت کردن خورشید شود یا حرکت آرامی که مانند بازگشت عمل آن برای مدت دو یا سه ساعت باشد یا ظاهر شدن بدنی نمایان در قرص خورشید (از جمله حوادث ماه رجب) هم ممکن است ناشی از انفجاری قوی در خورشید باشد که وقتی در سطح خورشید گسترش یابد به شکل سینه و صورت انسان به نظر برسد. دانشمندان متأخر به حدود چنین جریانی در خورشید که در حدیث هم می‌توان تأکید بر چنین مطلبی را یافت اشاره کرده‌اند. امیرالمؤمنین (ع) طی حدیثی طولانی پس از ذکر صیحه و ندای آسمانی ماه رمضان (در بیست و سوم ماه) می‌فرمایند:

از فردای آن، هنگام ظهر خورشید رنگارنگ و سپس زرد شده و در نهایت سیاه و تاریک می‌شود. ۹

تاریکی خورشید خود دلیل روشنی است برای وقوع خسوف ماه در روز (بیست و پنجم آن ماه رمضان)

و شاید این تفسیر بهترین تفسیر علمی و نزدیک‌ترین احتمال به واقعیت باشد که احدی پیش از این بدان اشاره نکرده است و پس از تفکر جدی و عمیق در باب نشانه‌های ظهور و آیات آسمانی که الزاماً نباید این حوادث معجزه باشند، حاصل شده است.

۱۰

پی‌نوشت‌ها:

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۲؛ بشارة الاسلام، ص ۱۴۲؛ بیان‌الائمہ (ع)، ج ۲، ص ۶۸۶.
۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۱؛ السفیانی، فقیه، ص ۱۲۳.
۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۲؛ السفیانی، ص ۱۲۲.
۴. الغیبه، نعمانی، ص ۲۰۳؛ السفیانی، ص ۱۲۲.
۵. الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۷۴؛ الغیبه، نعمانی، ص ۱۸۱، اعلام‌الوری، ص ۴۲۹؛ الغیبه شیخ طوسی، ص ۲۷۰، بشارة الاسلام، ص ۹۶؛ یوم‌الخلاص، ص ۵۱۶؛ تاریخ مابعد‌الظهور، ص ۱۱۸.

۶. الغیبة، نعمانی، ص ۱۸۲؛ بشارة الاسلام، ص ۹۷؛ تاریخ الغیبة الکبری، ص ۴۷۹؛ یوم الخلاص، ص ۵۱۷.

۷. به زودی در همین مجموعه به مسأله بدأ خواهیم پرداخت.

۸. الممهدون للمهدی (ع)، ص ۳۷.

۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵؛ بشارة الاسلام، صص ۵۹ و ۷۰.

۱۰. البته باید توجه داشته باشیم که خود مؤلف در نهایت آن را احتمال می‌شمرد و هر چند هم که احتمال قوی باشد باز یقین آور نیست بدین معنا که الزاماً نباید چنین باشد و امکان معجزه بودن این جریانات خالی از وجه نیست؛ چرا که اگر بنا بود به هر حال این مطالب به زودی تفسیر علمی آنها توسط دانشمندان آن عصر بیان شود که دیگر تعبیر کردن از آن به آیه (قرآن از معجزه به آیه تعبیر یاد می‌کند) چندان موجه نمی‌باشد و مردم با اتکاء به گفته دانشمندان هیجان خود را نسبت به این جریان از دست داده و مسلمانان هم به عنوان یک حادثه دهشتناک نماز آیاتی خوانده و از آن روی می‌گردانند و این با آنچه در ابتدای سخن درباره دو دلیل حدوث این دو حادثه گفته شد متناقض است. به طور خلاصه باید گفت اگر بنا بود که این جریان فوراً تفسیر علمی آن بیان شود نخواهد توانست آیه یا علامتی برای ظهور شمرده شود یا حداقل در احادیث دیگر لازم نبود این همه روی آنها تکیه شود و گذرا به آن اشاره‌ای می‌کردند. واللهمعالم (مترجم).

حوادث ماه رمضان حوادث آخرین ماه‌های پیش از ظهور

در بخش‌های قبلی این سلسله مقالات، با برخی نشانه‌های مخصوص سال ظهور امام عصر (عج) آشنا شدیم و اینک به بررسی سلسله رویدادهایی می‌پردازیم که در آخرین ماه‌های پیش از ظهور آن حضرت رخ می‌دهد.

۲ - ندای آسمانی صیحه

این نشانه یکی از پنج مورد نشانه حتمی ظهور است.

«صیحه» به صدا و ندا اطلاق می‌شود و در اینجا منظور ندایی است که شب بیست و سوم ماه رمضان که همان شب قدر است از آسمان شنیده می‌شود. هر جمعیتی آن را به زبان خویش می‌شنود و از آن حیران و سرگردان می‌گردد؛ از شنیدن این ندا خوابیده بیدار می‌شود؛ ایستاده می‌نشیند؛ نشسته بر سر جای خود می‌خکوب می‌شود نوعروسان از شدت ترس از خلوتگاه‌های خویش بیرون می‌آیند. این ندا از جبرئیل امین است، که به زبانی رسا چنین اعلام می‌کند:

«صبح نزدیک شد ۱. بدانید که حق با مهدی (ع) و شیعیان اوست.»

پس از آن در بعد از ظهر (نزدیک مغرب) شیطان لعین در میان زمین و آسمان ندا می‌دهد که: «آگاه باشید که حق با عثمان و شیعیان اوست.» ظاهراً مراد از «عثمان»، «عثمان بن عنبسه» یا همان سفیانی است.

ابو حمزه می‌گوید: از امام باقر (ع) پرسیدم: آیا شورش سفیانی از علایم حتمی ظهور است؟ حضرت فرمودند: آری ندا هم حتمی است... از حضرت پرسیدم: این ندا چگونه خواهد بود؟ فرمودند:

یک منادی اول روز ندا می‌دهد که حق با آل علی (ع) و شیعیان اوست و در انتهای روز شیطان ندا می‌دهد که حق با عثمان و

شیعیان اوست و در این زمان یاوه‌گویان (باطل‌گرایان) دچار تردید می‌شوند. ۲.

دلیل برخاستن این صدای آسمانی از این قرار است:

الف) توجه دادن مردم به نزدیکی ظهور؛

ب) به وجود آوردن آمادگی درونی در میان مؤمنان مخلص.

توجه به زمان وقوع این نشانه؛ یعنی با فضیلت‌ترین ماه و شب سال - که اقبال و رویکرد دینی مسلمانان به حد اعلا‌ی خود می‌رسد - اهمیت آن را ثابت می‌کند.

ابوبصیر از امام باقر(ع) چنین روایت می‌کند:

صیحه حتماً در ماه رمضان، خواهد بود؛ چرا که ماه رمضان ماه خداوند است و آن هم ندای جبرئیل است برای خلق. سپس فرمودند:

منادی از آسمان به نام قائم(ع) ندا سر می‌دهد و از مشرق تا مغرب صدایش را می‌شنوند. از ترس آن صدا هیچ خوابیده‌ای نمی‌ماند؛ مگر اینکه بیدار می‌شود و ایستادگان همگی می‌نشینند و نشستگان هم بر دو پای خویش برمی‌خیزند. خداوند پیام‌رزد هر که از این صدا عبرت بگیرد. صدا، صدای جبرئیل روح‌الامین است که در شب جمعه بیست و سوم ماه رمضان بر خواهد خاست. پس از آن شکایتی نداشته باشید و گوش فرا دهید و اطاعت کنید. در انتهای روز صدای ابلیس ملعون (شنیده می‌شود) که ندا؛ می‌دهد آگاه باشید که فلانی مظلومانه کشته شد تا مردم را به شک بیندازد و آنها را مبتلا به فتنه کند. چقدر شک‌کنندگان متحیر در آن روز زیادند که در آتش افکنده شده‌اند. وقتی صدا را در ماه رمضان شنیدید از آن شکایت نکنید که آن صدای جبرئیل است و نشانه آن این است که به نام قائم و پدرش(ع) ندا می‌دهد. به طوری که حتی دوشیزگان در خلوتگاه‌هایشان در خانه آن را می‌شنوند و پدر و برادر خویش را برای خروج (و قیام) تشویق می‌کنند. و فرمودند:

به ناچار این دو صدا باید پیش از قیام قائم(ع) باشد: صدایی از آسمان که صدای جبرئیل است و به نام صاحب این امر و نام پدرش و صدایی که از زمین شنیده می‌شود و آن صدای ابلیس است که به نام فلانی ندا می‌دهد که مظلومانه کشته شد ولی با آن به دنبال فتنه است. پس شما ندای اول را اجابت و اطاعت کند و از دومی و از اینکه به فتنه‌اش افکنده شوید، پرهیزید. سپس پس از بیان بخش زیادی از حدیث فرمودند:

وقتی که بنی‌فلان در میان آنها اختلاف افتاد؛ در آن زمان چشم انتظار فرج باشید و فرج شما تنها در اختلاف بنی‌فلان است. پس وقتی دچار اختلاف شدند منتظر صیحه در ماه رمضان باشید و (پس از آن) قیام قائم(ع) که خداوند هر چه را بخواهد به انجام می‌رساند. ۳

عبداللّه بن سنان می‌گوید: نزد امام صادق(ع) بودم که شنیدم مردی از دیار همدان به حضرت عرض کرد: عامه (اهل سنت) ما را سرزنش می‌کنند و می‌گویند شما گمان می‌کنید که منادی از آسمان به نام صاحب این امر ندا درمی‌دهد. حضرت که تکیه داده بودند خشمگین شدند، جلوتر آمدند و نشستند. سپس فرمودند:

آن را از من روایت نکنید و از پدرم روایت کنید که دیگر هیچ عیبی برای شما نخواهد داشت. شهادت می‌دهم که از پدرم (ع) شنیدم که می‌فرمودند: واللّه! این مطلب در قرآن به وضوح بیان شده است آنجا که می‌گوید:

إِنْ نَشَاءُ نَنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنْ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ ۴.

اگر بخواهیم از آسمان معجزه‌ای بر ایشان می‌فرستیم که گردن‌هایشان را برای همیشه به زیر افکنند.

آن روز در زمین احدی باقی نمی‌ماند که به عنوان خضوع گردنش را کج نکرده باشد. اهل زمین ایمان می‌آورند، آن زمان که این صدا را از آسمان بشنوند که: «آگاه باشید حق در میان علی بن ابی طالب (ع) و شیعیان اوست.» سپس فرمودند:

فردای آن روز شیطان در هوا بالا می‌رود به طوری که از زمین متواری گشته و دور می‌شود و در پس آن ندا می‌دهد که بدانید حق در عثمان بن عفان و پیروان اوست. او مظلومانه کشته شد (بیاید) و قصاص خونش را طلب کنید. حضرت ادامه دادند:

خداوند آنها را که ایمان آورده‌اند؛ با اقرار (همیشه به یک شکل) پابرجا و ثابت قدم می‌کند و این همان ندای اول است. آنها هم که در دل‌هایشان مرض است آن روز به شک می‌افتند که این مرض واللّه، عداوت اهل بیت (ع) است. بنابراین در آن زمان از ما بیزاری می‌جویند در عین حال که به ما متمایل می‌شوند؛ می‌گویند آن صدای اول جادویی از سحرهای اهل بیت (ع) بود سپس امام صادق (ع) این آیه را تلاوت کردند که:

وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعَرِّضُوا وَيَقُولُوا سَفْحًا مَفْسُومًا ۵.

اگر آنها معجزه‌ای را مشاهده کنند از آن روی گردانده، می‌گویند این همان جادوی همیشگی (آنها) است. ۶. زراره بن اعین از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمودند:

منادی از آسمان ندا می‌دهد که: «فلانی فرمانرواست» و منادی (دیگری) هم ندا می‌دهد که: «همانا علی و شیعیان او رستگارند.» پرسیدم: چه کسی پس از این با مهدی (ع) می‌جنگد؟ فرمودند:

مردی از بنی امیه که شیطان ندا می‌دهد همانا فلانی و پیروان او رستگار می‌شوند.

گفتم: پس چه کسانی راستگو را از دروغگو تشخیص می‌دهد؟ فرمودند:

آنها که احادیث ما را روایت می‌کنند و پیش از وقوع این اتفاقات می‌گویند چنین می‌شود و می‌دانند که آنها راستگویند و حق دارند. ۷.

این ندا مصداق این آیه است که:

أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَفْهَدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ۸.

آیا آنکه به سوی حقیقت هدایت می‌کند شایسته‌تر است که تبعیت شود یا آنکه هدایت نمی‌پذیرد جز آنکه هدایت شود؛ شما را چه می‌شود، چگونه قضاوت می‌کنید؟



لذا این ندا و صیحه آسمانی (صدای جبرئیل) مانند پیشامد بزرگ غیر منتظره‌ای است که جنبه‌ای اعجازی دارد و در دل دشمنان خدا ترس و هراس می‌افکند و بشارت بزرگی برای مؤمنان است که از نزدیکی ظهور حکایت می‌کند و این مصداق آیه‌ای از قرآن کریم است که می‌گوید:

افن نَشَاءَ نَفَنزَلْ عَلَيْهِمْ مَفن السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ. ۹

و آیه دیگری که می‌گوید:

وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يَفْنَادِي الْمَفْنَادِي مَفن مَكَانِفَ قَرِيْبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِفَالْحَقِّفَ ذَلْفَكَ يَوْمَ الْخَفْرِ وَجَف ۱۰.

و آن روزی که منادی از جایی نزدیک ندا می‌دهد، گوش فراده. آنها زمانی که صیحه را به حق بشنوند آن روز زمان خروج است.

وظایف مؤمنان در هنگام پیشامد این صیحه:

در احادیث اهل بیت (ع) در این زمینه چنین آمده است:

الف) پس از شکر و ستایش خداوند: به جا آوردن نماز صبح جمعه مورد بحثمان، به خانه‌هایتان بروید و درها را قفل کنید و

دریچه‌ها و روزنه‌ها را ببندید و خودتان را در میان چیزی بپوشانید و گوش‌هایتان را بگیرید (در حدیث آمده است که از آثار

این صیحه این است از شدت و قوت این صدا ۷۰/۷۰ نفر کر و ۷۰/۷۰ نفر لال می‌شوند)، هر گاه صدا را شنیدید پس به سجده

بیفتید و بگویید:

سبحان ربنا القدوس.

پروردگار مقدس ما منزّه است

هر که چنین کند نجات می‌یابد و هر که از این عمل روی گرداند هلاک می‌شود. ۱۱.

این از جمله مواردی است که هر کس خداوند متعال بر آن توفیقش داد تا نعمت درک آن عهد مبارک را با ظهور حضرت

مهدی (ع) بیابد، واجب است بر آن شکرگزار باشد.

ب) انبار کردن غذای یکسال خود و خانواده‌اش: امام باقر (ع) فرمودند:

نشانه حادثه‌ها در ماه رمضان، نشانه‌ای است در آسمان که مردم پس از آن دچار اختلاف می‌شوند. هر گاه آن را درک کردی

غذایت را بیشتر کن. ۱۲.

پس از شنیده شدن ندای آسمانی میان مردم اختلاف، جنگ و فتنه (نبرد قرقریسیا) پدید آمده و به دنبال آن قحطی و گرانی

خوراکی‌ها پیش می‌آید و از این رو ائمه (ع) به شیعیان مؤمن خویش و مسلمانان سفارش کرده‌اند که غذا و نیازمندیهای خود و

خانواده‌هایشان را برای مدت یک سال ذخیره کنند. شما را به خدا، ببینید چقدر این امامان بزرگوار (ع) تیزبین بوده‌اند و به چه

میزان به شیعیان و دوستانان خویش محبت می‌ورزیده‌اند. ما در طول سال‌های عمر خود چگونه به این محبت‌های ایشان جواب

داده‌ایم و چقدر در صدد جبران محبت‌هایشان بوده‌ایم؟ آری! هر کس که به آنها عشق ورزیده و با آنها ارتباط دارد؛ می‌تواند به

محبت ایشان نسبت به خود مباهات و افتخار کند.

۳- بیعت کردن ۰۰۰/۳۰ نفر از قبیله بنی کلب با سفیانی

سفیانی در ماه رجب شورش کرده و به مبارزات نظامی و سیاسی و جنگ‌های خویش‌جامه عمل می‌پوشاند و محدوده نفوذ خویش را گسترش می‌دهد و در این زمان دیگران هم به او پیوسته و مجموعه‌ها و قبایل غیر دینی به دنبال او راه می‌افتند. پیامبر اکرم (ص) در این رابطه فرمودند:

سفیانی با ۳۶۰ سوار شورش می‌کند تا اینکه به دمشق می‌رسد و در ماه رمضان هم ۰۰۰/۲۰ نفر از قبیله بنی کلب با او بیعت می‌کنند. ۱۳

قبیله بنی کلب، عمو زادگان سفیانی؛ یعنی همان قبایل در روز ۱۴ می‌باشند که در آینده او را همراهی می‌کنند. این قبیله در عصر معاویه نصرانی بودند و معاویه از آنها با مادر یزید (علیهم‌اللعنة) قاتل سیدالشهدا (ع) ازدواج کرد. بنابراین، سفیانی از اولاد یزید بن معاویه بن ابی سفیان (علیهم‌اللعنة) می‌باشد. پیروان این آیین در منطقه رمله (در بیابان برهوت شرقی فلسطین و غربی اردن و جنوب غربی سوریه دمشق) تا چند کیلومتر در اطراف آن سکنی گزیده‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۴.

۲. الارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۷۱؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۶۶؛ اعلام‌الوری، ص ۴۲۹.

۳. الغیبه، نعمانی، ص ۱۷۰، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۱؛ النجم الثاقب، ج ۱، ص ۱۲۶، تاریخ مابعدالظهور، ص ۱۲۵.

۴. سوره شعراء (۲۶)، آیه ۴.

۵. سوره قمر (۵۴)، آیه ۲.

۶. الغیبه، نعمانی، ص ۱۷۳، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۲.

۷. الغیبه، نعمانی، ص ۱۷۶، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۵.

۸. سوره یونس (۱۰)، آیه ۳۵.

۹. سوره شعراء (۲۶)، آیه ۴.

۱۰. سوره ق (۵۰)، آیه ۴۲ و ۴۱.

۱۱. یوم‌الخلاص، ص ۱۵۴۲.

۱۲. یوم‌الخلاص، ص ۵۴۲.

۱۳. یوم‌الخلاص، ص ۶۷۱، بیان‌الائمہ، ج ۲، ص ۵۸۶.

۱۴. طریقه دروزیه، طریقتی است دینی، فلسفی، اخلاقی و اجتماعی در سوریه و لبنان. این طایفه منسوبند به «دَرَزَی» که وی بعدها از اعتقاد خویش برگشت. عنوان اصلی این طریقت موحدون است که اساس عقیده‌شان بر حلول و تناسخ روح است.

لغتنامه الرائد، ج ۱، ص ۷۸۷. [م.]

در بخشهای قبلی، حوادثی را که از ماه جمادی‌الثانی سال پیش از ظهور تا ماه رمضان همان سال پیش می‌آید بررسی کردیم. در این قسمت به بررسی رویدادهایی می‌پردازیم که در ماههای شوال و ذی‌قعدة رخ می‌دهند.

رویدادهای ماه شوال

اتفاقاتی که پیش از این در جهان رخ داده بود، در این ماه هم ادامه می‌یابد و به همراه حادثه‌های دیگری که از این پس خواهند آمد، همه ساکنان زمین را متوجه پیروزیهای مکرر و سریع سفیانی می‌کند. آن‌طور که از روایات برمی‌آید برخی از حوادثی که در این ماه اتفاق می‌افتد از این قرار است:

۱. جمعیتی در ماه شوال ظاهر می‌شوند: سفیانی و پیروانش. ۱.
۲. در این ماه خیزشها آغاز می‌شود (مردم از گرد یکدیگر متفرق می‌شوند): انقلابیها، انقلاب می‌کنند و شورشیان سر به شورش برمی‌دارند؛ بدبختیهای مردم زیادتر شده و از شرایط به‌وجود آمده خشمگین‌تر می‌شوند؛ در اجتماع اتحاد میان مردم از بین می‌رود. ۲.
۳. در ماه شوال بلا می‌آید: بلایی که مردم به جهت جنگها و فتنه‌ها بدانها مبتلا می‌شوند. ۳ و ۴.
۴. در این ماه ویرانی و خالی شدن شهرها از سکنه‌شان دیده می‌شود: به خاطر جنگها و فتنه در شهرها از مردها و جوانان خبری نیست. ۵.
۵. آتش جنگ برافروخته می‌گردد.

«سهل بن حوشب» از رسول اکرم (ص) نقل کرد که فرمودند:

در ماه رمضان صدای (آسمانی) شنیده می‌شود و در ماه شوال جنگ به پا می‌گردد. ۶.

ابن مسعود هم از آن حضرت روایت کرد که فرمودند:

وقتی صیحه (آسمانی) در ماه رمضان واقع شد پس از آن در ماه شوال آتش جنگ برافروخته گشته و مردم برای تهیه غذا مهاجرت کرده و در ماه ذی‌قعدة با هم می‌جنگند. ۷.

بیشتر روایات شریف ما از پدید آمدن معمعه‌ای در ماه شوال خبر می‌دهند که «معمعه» در لغت به معنای نواخته شدن کوس جنگ و صدای ابطال در جنگ و کنایه است از وقوع جنگی ناگوار و تلخ. تأکید بر این مطلب را در این عبارت از حدیث می‌توان یافت که قبایل غذای مایحتاج خویش را از ترس مرگ و میر جنگها خریده و انبار می‌کنند. این معمعه ماه شوال، علی‌القاعده باید به معرکه «قرقیسیا» اشاره داشته باشد.

معرکه قرقیسیا

قرقیسیا شهری در منطقه شمالی سوریه است که در میان فرات و سرچشمه نهری که ۸ خابور در آن است قرار دارد. این شهر حدود ۱۰۰ کیلومتر با مرزهای عراق و ۲۰۰ کیلومتر با مرزهای ترکیه فاصله دارد و در نزدیکیهای شهر «دیرالزور» است. در آینده نزدیک در آن گنجی از طلا، نقره یا مانند آنها (مثلاً نفت) کشف می‌شود آن‌گونه که روایات بیان نموده‌اند: آب فرات

کوهی از طلا و نقره را نمایان می کند که بر سر آن از هر نه نفر، هفت کشته می شوند. ۹ در این جنگ اقوام مختلفی شرکت دارند:

۱. ترکها: آنها که به جزیره ۱۰ نیرو پیاده کرده اند؛

۲. رومیان: یهودیان و دولتهای غربی که وارد فلسطین شده اند؛

۳. سفیانی: که در این هنگام بر دیار شام مسلط شده است؛

۴. عبدالله: روایات به مطلب خاصی درباره او اشاره نمی کنند ظاهراً هم پیمان مغرب زمین است؛

۵. قیس: مرکز فرماندهی اش مصر است؛

۶. فرزند و نواده عباس: که از عراق می آید.

به دنبال این جنگ، خونریزی و کشتار شدیدی پیش می آید که تا قبل از به پایان رسیدن آن در مدت کوتاهی ۱۰۰/۰۰۰ نفر (و بنا بر روایتی ۴۰۰/۰۰۰ نفر) ۱۱ کشته می شوند. این مطلب می تواند اشاره ای به استفاده از سلاحهای کشتار جمعی (اتمی، هسته ای، بمبهای شیمیایی و میکروبی و الکترونی کشنده) در این جنگ باشد که بر حیوانات و گیاهان خوراکی هم اثر می گذارند. این جریان یکی از میدانهای جنگ جهانی بی مانند آخرالزمان است که قبل و بعد از آن مانند نداشته و نخواهد داشت که در انتهای آن هم پیمانان سفیانی پیروز می گردند.

روایات شریف ما صراحتاً به این واقعه اشاره کرده اند:

در روایتی، عمار یاسر این گونه نقل می کند:

غربیان به سوی مصر حرکت می کنند و ورود ایشان بدانجا نشانه (آمدن) سفیانی است. پیش از آن شخصی که دعوت می کند، قیام کرده و ترکها وارد حیره و رومیان وارد فلسطین می شوند. عبدالله هم بر آنها سبقت می گیرد تا این که دو لشکر در سر نهر در مقابل هم می ایستند جنگ بزرگی درمی گیرد و صاحبالمغرب (هم پیمان غربیان) هم حرکت می کند. مردان را کشته و زنان را اسیر می کند، سپس به سوی قیس برمی گردد تا اینکه سفیانی وارد حیره می شود. یمانی هم شتافته و سفیانی هر چه را جمع کرده بودند درهم می شکنند و به سوی کوفه حرکت می کند. ۱۲

جابر جعفی هم طی حدیثی طولانی از امام باقر(ع) چنین روایت کرده است:

از دین برگشتگانی از جانب ترکها حمله کرده و سپاهی از روم آنها را دنبال می کند. برادران ترکها، پیاده کردن نیروهایشان را در جزیره ادامه می دهند. رومیان از دین برگشته هم در رمله نیرو پیاده می کنند. جابر! در آن سال در تمام زمین به واسطه غربیان اختلاف زیادی وجود دارد که اول مغرب زمین شام است. در این زمان سه پرچم (سپاه) در مقابل هم می ایستند: سپاه اصبه، ابقع، سفیانی. در ابتدا سفیانی با ابقع می جنگد و او و همراهانش را کشته و به دنبال آن اصبه را هلاک می کند. پس از آن تا عراق جنگ و کشتار به پا می کند و سپاهیان را به قرقیسیا می رساند و در آنجا هم به جنگیدن می پردازد. در این جنگ

۱۰۰/۰۰۰ نفر از جباران و ستمگران کشته می شوند. پس از آن سفیانی سپاهی را به سوی کوفه گسیل می دارد. ۱۳

عبدالله بن ابی یعفر می گوید که امام باقر(ع) به ما فرمودند:

برای بنی عباس و بنی مروان حتماً اتفاقی در قرقیسیا می افتد که در آن جوان قوی و تنومند، پیر می شود و خداوند از آنها پیروزی را برمی دارد و شکست می خورند (پس از این جنگ) به پرندگان آسمان و درندگان زمین وحی می کند که شکم خود را از گوشت تن جباران سیر کنید و پس از آن است که سفیانی شورش می کند. ۱۴

حدیث بن منصور هم از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمودند:

خداوند سفره‌ای در قرقیسیا دارد که گاهی از آسمان ندا می دهد و دیگران را آگاه می کند که ای پرندگان آسمان و درندگان زمین برای سیر کردن خود از گوشت بدن جباران بشتابید. ۱۵

محمد بن مسلم از امام باقر (ع) ضمن حدیثی بلند چنین نقل کرده است:

آیا نمی بینید که دشمنان شما در معاصی خداوند کشته می شوند، بدون آن که شما حضور داشته باشید در حالی که شما با آرامش و امنیت در گوشه خانه‌هایتان نشسته‌اید، برخی از آنها برخی را بر روی زمین می کشند؟ سفیانی عذاب مناسبی برای دشمنان شما و نشانه‌ای برای خودتان است. آن فاسق وقتی (در ماه رجب) سر به شورش برداشت شما اگر یک یا دو ماه (ماه رمضان) پس از شورش او از خود حرکتی نشان ندهید به مشکلی بر نخواهید خورد تا این که بسیاری از خلق منهای شما (شیعیان) کشته شوند. ۱۶

به هر حال پس از معرکه قرقیسیا و کشتار و تضعیف و شکست بسیاری از آن قوای سیاسی و نظامی که ممکن بود پس از ظهور حضرت مهدی (ع) در مقابل ایشان جبهه‌گیری کنند، تنها سفیانی است که پیروزمندانه باقی مانده و فخر فروشی می کند.

حوادث ماه ذی‌القعدة

از جمله آثار و تبعات معرکه قرقیسیا کشتار تعداد زیادی است که حرث و نسل (کنایه از کار و زندگی) را بر باد می دهد؛ چرا که از سویی حداقل ۱۰۰/۰۰۰ مرد کشته می شوند و از سوی دیگر خوراک مردم اعم از گیاهی و حیوانی آلوده می گردند که این امر به جهت استفاده از اسلحه‌های کشنده‌ای است که در این معرکه و جنگ به کار گرفته شده است. ۱۷ به دنبال آن خشکسالی و حرص و ولع ناشی از آن برای یافتن خوراک رخ می دهد. از این روست که مردم در این ایام و برای انبار کردن غذا جهت اطرافیان خویش به این سو و آن سو می روند و این حرص و ولع مردم باعث می شود که با هم بجنگند.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

وقتی صیحه در ماه رمضان شنیده شد، در ماه شوال جنگی برپا می شود (معرکه قرقیسیا) قبایل به مسافرت کردن برای تهیه خوراکیها و جنگیدن (با همدیگر برای آن) در ماه ذیقعدة می پردازند. در ماه ذیحجه هم حجاج غارت می شوند و خون به پا می شود. ۱۸

عبارت تمیرالقبائل که در حدیث آمده است بدین معنی است که غذا را از شهری به شهر دیگر منتقل کنند و به آن غذایی که منتقل می شود «میره» می گویند. پس معنی این بخش از حدیث این می شود که قبایل از شهری به شهر دیگر می روند تا از آن برای خود غذا خریده و آن را برای مدت یک سال مصرف خود انبار کنند و از ترس بخل و قحطی و گرانی و آلودگی غذاها به جهت جنگها و کشتارها و اسلحه‌های کشتار جمعی، از آن محافظت می کنند.

محمد بن مسلم نقل کرد که از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمودند:

پیش از (آمدن) قائم(ع) نشانه‌هایی از ناحیه خداوند متعال برای (امتحان کردن) آنها خواهد بود.

پرسیدم: جانم به فدایتان آنها کدام نشانه‌ها هستند؟ فرمودند: این آیه شریفه:

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِفِشْيَاءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصِفَ مَنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالْأَمْوَالِ وَالْثَمَرَاتِ وَبَشْفَرِ الْصَّابِرِينَ ۱۹.

(حتماً شما را (یعنی مؤمنان قبل از قیام حضرت مهدی(ع)) با چیزهایی از ترس و گرسنگی و کمبود و کاستی در اموال و بدن‌ها

و محصولات امتحان می کنیم و (در این راستا) به صبرپیشگان بشارت بده (که سربلند خواهد بود). ۲۰.

قبایل در ماه ذیقعد به انبار کردن و در نتیجه نزاع و جنگ بر سر غذا می پردازند و این جریان حتی تا ماههای بعد ادامه می یابد.

چنان که در حدیث تأکید می شود در ماه ذیحجه حجاج غارت می شوند و به عبارت دیگر وسایل و اموال آنها را می دزدند و به

غنیمت می گیرند.

«فیروز دیلمی» از رسول الله(ص) نقل می کند که طی حدیثی طولانی فرمودند:

صدای (آسمانی) در ماه رمضان و جنگ در شوال واقع می شود و قبایل در ماه ذیقعد به انبار کردن (غذاها) می پردازند و به

حجاج در ماه ذیحجه یورش می برند و محرم، چه محرمی خواهد بود؟ ابتدایش بلا بر سر اتمم می آید و پایانش فرج و گشایش

برای اتمم حاصل می شود. نجات یافتن مؤمن در آن بهتر از خزینهای است که ۱۰۰ هزار ظرفیت داشته باشد. ۲۱.

معنای آن چنین می شود: رفتن و جهاد کردن به همراه حضرت مهدی(ع) بهتر است از جمع کردن غذایی که ۱۰۰ هزار نفر را

کفاف دهد؛ چرا که این ذخیره سازی نفع و خیری برای کسی ندارد و توفیق جهاد کردن به همراه امام معصوم(ع) و آن هم

حضرت حجت(ع) در حقیقت تمام خیر دنیا و آخرت است.

پیش از این دیدیم که ائمه معصومین(ع) به شیعیان و محبان و پیروان خویش می آموختند که پس از شنیدن صیحه آسمانی در

ماه رمضان تا آنجا که برایشان ممکن است غذا ذخیره کنند؛ یعنی در واقع پیش از آن که معرکه قرقیسیا و جنگها و فتنه‌های پس

از آن پدید بیایند؛ شیعیان باید احتیاطاً طی این دو ماهی که وقت باقی است غذا ذخیره کنند که ممکن است پس از این جریان

خوراکیها به واسطه جنگها و اسلحه‌ها و بمبهای که به کار برده می شود علاوه بر کمیاب و گران شدنشان، آلوده هم بشوند. در

آن زمان آن دسته از شیعیان و پیروان معصومین(ع) که به تعالیم این بزرگواران عمل کنند؛ از این مصایب، خطرات و مشکلات

در امان مانده، و شکرگزار در گاه الهی خواهند بود.

کشتارگاه اول عراق: بغداد

پس از معرکه قرقیسیا، عدم ثبات سیاسی حکومت عراق، خودکامگی سفیانی را تشدید می کند و او هم نیروها و تسلیحات

نظامی خویش را وارد عراق کرده و از روز ۲۱ یا ۲۲ ذی القعدة، دست به کشتارهای وحشیانه در بغداد و سپس در کوفه (که روز

عید قربان به آنجا می رسد) و دیگر شهرهای عراق می زند و این رفتار غیر انسانی او تا وقتی که نیروهای سید خراسانی و ایرانیان

در مقابلش قد علم کنند و طعم شکست را به او بچشانند؛ ادامه خواهد داشت.

امام صادق(ع) ضمن حدیثی طولانی فرمودند:

تمام عراق را هراس جدی دربر می گیرد و قرار از این دیار رخت برمی بندد. پس از آن که سپاه سفیانی وارد بغداد می شود سه روز همه چیز و همه کس را مباح اعلام می کند و به سرعت بسیاری می میرند. ۶۰ هزار نفر (و بنا بر نقلی ۷۰ هزار نفر) از اهالی آن شهر را می کشند و اطراف آن (شهر) را خراب می کند. ۱۸ شب پس از این فعالیتها در آنجا می ماند و اموال (مردم) را (در میان خویش) تقسیم می کند در آن روز سالم ترین نقطه بغداد، کرخ است. ۲۲

ابن وهب می گوید حضرت این شعر ابن ابی عقیب را نقل کردند که:

وینحر بالزوراء منهم لدی

ثما نون ألفاً مثل ما تنحر البدن

۸۰ هزار نفر از آنها همانند حیوان در بغداد سر بریده می شوند.

تا آنجا که فرمودند:

در بغداد ۸۰/۱۰۰ نفر را میکشد که ۸۰ نفر از آنها از مردانی از تیره فلانی هستند که همگی برای فرمانروایی و خلافت شایسته اند.

۲۳

امیرالمؤمنین علی (ع) هم طی حدیثی طولانی فرمودند:

والی شهر زوراء (بغداد) و فرمانروا به همراه ۵ هزار جلاذ خارج می شود و ۷۰ هزار نفر را بر روی پل بغداد می کشند طوری که مردم تا سه روز از خون و بوی تعفن این همه لاشه و جنازه نمی توانند به دجله نزدیک شوند. ۲۴

امام ششم (ع) فرمودند:

مردم بزرگواری از پیروان بنی العباس را بر روی پلی که از کرخ به بغداد می آید می سوزانند. ۲۵

سیدالشهداء امام حسین (ع) هم طی حدیثی طولانی فرمودند:

... (سفیانی) سپاهیان ۱۳۰ هزار نفری خود را به بغداد گسیل می دارد و در مدت سه روز روی پل بغداد ۷۰ هزار نفر را کشته و به

۱۲ هزار دختر جوان تجاوز می کنند، طوری که از خون و لاشه متعفن اجساد آب دجله قرمز رنگ دیده می شود. ۲۶

زوراء که همان بغداد است و توسط منصور دوانیقی بنای آن نهاده شد و پلی که در روایات ما زیاد از آن یاد شده است همان پلی است که از جانب کرخ در محله جعیفر به بغداد متصل می شود در مقابل «مدینه الطب» که در آن سوی دجله واقع شده است و همان طور که در احادیث پیشین دیدیم سپاهیان سفیانی اعمال شنیع و وحشیانه خویش را بر روی آن انجام می دهند و ۷۰ هزار سرباز و غیر آنها را می کشند و خون کشتگان به رود دجله جاری می شود و از شدت تعفن مردم تا سه روز نمی توانند به آن نزدیک شوند و رنگ این رود هم به سرخی می نماید.

امام صادق (ع) فرمودند:

بیچاره بغداد از دست پرچمهای زرد و مغرب و پرچم سفیانی. ۲۷

مفضل بن عمر می گوید از آن حضرت پرسیدم: بغداد در آن زمان چه وضعیتی خواهد داشت؟ حضرت پاسخ فرمودند:

محل (نزول) عذاب و غضب الهی خواهد بود. (وای بر آنها) بیچاره آنها از دست پرچمهای زرد و دیگر پرچمهایی که از دور و نزدیک به سوی آن می آیند. واللّه! انواع عذابهایی که بر اقوام سرکش از اول روزگار تا انتهایش نازل شده و عذابهایی که (تا آن زمان) هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده بر آنها فرود می آید. توفانهای ناشی از سیلهای مختلفی آن را درمی نوردد و بیچاره است کسی که آنجا را منزل خود انتخاب کند. واللّه گاهی بغداد چنان آباد می شود که بیننده آن می گوید دنیا فقط اینجاست و نه جای دیگری و دخترانش را حورالعین و فرزندان را اولاد بهشتی تصور می کند. گمان می کند که خداوند تنها در آنجا رزق را تقسیم می کند. دروغ بستن به خدا و صدور حکم ناحق و شهادت دروغ و نوشیدن شراب و زنا و حرام خواری و خونریزی در آن پدیدار می شود. پس از آن خداوند متعال با فتنه ها و به دست این لشکریان آنها را خارج می کند (آنجا را خالی از سکنه می کند). به گونه ای که وقتی کسی از آنجا عبور می کند جز دیوار (ویرانه) چیزی نمی بیند حتی می گوید: این زمین، بغداد است. سپس جوانمردی خوش رو و از نسل امام حسن مجتبی (ع) از ناحیه دیلم (گیلان) و قزوین قیام می کند. فریاد می زند: ای خاندان پیامبر (ص) این مظلوم غمگین را اجابت کنید! ۲۸ گنجهای طالقان به او پاسخ می دهند. گنجهایی که از جنس طلا و نقره نیستند بلکه مردانی هستند به سختی آهن! گویا به آنها می نگریم که بر یابوهای ابلق ۲۹ سوارند و سلاحهای کوتاهی در دست دارند. همانند گرگ (که بخواهد به گوسفندی حمله کند) مشتاق و تشنه جنگیدن هستند. فرمانده شان مردی از بنی تمیم است که به او شعیب بن صالح می گویند. رو به سید حسنی که الان با چهره درخشان چون ماهش در میان آنهاست کرده و پس از آن به ستمگران یورش می برند تا این که به کوفه می رسند. ۳۰

سپاه سفیانی پس از آن که این اعمال و وحشیانه را انجام می دهد؛ به سوی کوفه (نجف) حرکت می کند و در آنجا هم چنان حادثه ای رخ می دهد که عقلها را حیران می کند و این کشتارها تا وقتی که ایرانیان به فرماندهی سید خراسانی وارد عراق شوند همواره ادامه خواهد داشت. به خدا پناه می بریم از شر چنین فتنه هایی.

پی نوشتها:

۱. منتخب الاثر، ص ۴۵۱؛ یوم الخلاص، ص ۵۵۷؛ بیان الاثمه (ع)، ج ۲، ص ۳۴۵.
۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۲؛ بشارة الاسلام، ص ۱۴۲؛ یوم الخلاص، ص ۷۰۵.
۳. شاید همان طور که مؤلف محترم اشاره کرده اند، ناشی از جنگها و فتنه هایی که مردم گرفتارش شده اند باشد و شاید هم بلایی غیر از اینها باشد و عذابی تازه بر سر مردم نازل شود.
۴. منتخب الاثر، ص ۴۵۱؛ یوم الخلاص، ص ۵۵۷؛ بیان الاثمه (ع)، ج ۲، ص ۳۴۵.
۵. منتخب الاثر، ص ۴۵۱؛ یوم الخلاص، ص ۵۵۷؛ بیان الاثمه (ع)، ج ۲، ص ۳۴۵.
۶. بشارة الاسلام، ص ۳۴؛ منتخب الاثر، ص ۴۵۱؛ یوم الخلاص، ص ۵۳۲.
۷. بیان الاثمه (ع)، ج ۲، ص ۴۳۱؛ منتخب الاثر، ص ۴۵۱؛ یوم الخلاص، ص ۲۸۰.
۸. درخت به لسان سیاه.
۹. السفیانی فقیه، ص ۳۱.



۱۰. منطقه بین‌النهرین.
۱۱. یوم‌الخلاص، ص ۶۹۸.
۱۲. الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۷۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸؛ بشاره‌الاسلام، ص ۱۷۷؛ السفیانی فقیه، ص ۱۲۸.
۱۳. الغیبه، نعمانی، ص ۱۸۷؛ بشاره‌الاسلام، ص ۱۰۲؛ السفیانی، فقیه، ص ۱۰۸؛ یوم‌الخلاص، ص ۶۹۸؛ الممهدون للمهدی (ع)، ص ۱۱۲.
۱۴. الغیبه، نعمانی، ص ۲۰۵؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۱؛ یوم‌الخلاص، ص ۶۹۰؛ السفیانی فقیه، ص ۱۲۷.
۱۵. الغیبه، نعمانی، ص ۱۸۶؛ یوم‌الخلاص، ص ۶۹۹؛ الممهدون للمهدی (ع)، ص ۱۱۳؛ السفیانی فقیه، ص ۱۲۷.
۱۶. الغیبه، نعمانی، ص ۲۰۳.
۱۷. احتمالاً از گازهای کشنده و سلاحهای اتمی و بمبهای هسته‌ای استفاده شده باشد.
۱۸. بشاره‌الاسلام، ص ۳۴؛ منتخب‌الدثر، ص ۴۵۱؛ بیان‌الائمہ (ع)، ج ۱، ص ۴۳۱ و ج ۲، ص ۳۵۴؛ یوم‌الخلاص، ص ۲۸۰.
۱۹. سوره بقره (۲)، آیه ۱۵۵.
۲۰. اعلام‌الوری، ص ۴۲۷.
۲۱. بیان‌الائمہ (ع)، ج ۱، ص ۴۳۲.
۲۲. یوم‌الخلاص، ص ۷۰۳؛ اعلام‌الوری، ص ۴۲۹.
۲۳. بشاره‌الاسلام، ص ۱۵۳؛ یوم‌الخلاص، ص ۶۵۷.
۲۴. الزام‌الناصب، ج ۲، ص ۱۱۹؛ بشاره‌الاسلام، ص ۵۸.
۲۵. الزام‌الناصب، ج ۲، ص ۱۴۹؛ یوم‌الخلاص، ص ۶۵۷.
۲۶. یوم‌الخلاص، ص ۶۵۸؛ بیان‌الائمہ (ع)، ج ۲، ص ۳۶۵.
۲۷. بشاره‌الاسلام، ص ۱۴۳؛ یوم‌الخلاص، ص ۷۰۱.
۲۸. عبارت ملهوف را که در حدیث به مظلوم غمگین ترجمه شده است، هم می‌توان به خود سید حسنی مورد بحث در حدیث حمل کرد که منظور او این است که مردم دعوتش را اجابت کرده و او را که از این هم ظلم و فساد به ستوه آمده است، یاری کنند و هم می‌توان گفت که منظورش حضرت مهدی (ع) است و سید حسنی مردم را به عنوان نیروهای زمینه‌ساز و آماده برای یاری حضرت، جمع کند؛ خصوصاً که با توجه به حوادث و وقایع ماههای گذشته مطمئن شده‌اند، ظهور امام (ع) نزدیک است و هر چه سریع‌تر باید به یاری ایشان شتافت و ظاهراً این نظر قابل قبول‌تر به نظر می‌رسد. واللہ عالم. م
۲۹. «ابلق» در لغت به معنای سیاه و سفید است و ظاهراً عبارت یابوهای ابلق عبارتی کنایی باشد راجع به وسایل نقلیه‌ای که این سپاه مورد استفاده قرار می‌دهد. احتمالاً این جمعیت از رنگ و نقشهای همسان برای طراحی بدنه، وسایل نقلیه ایشان استفاده کرده باشند همان‌طور که این روزها می‌بینیم هر سپاهی، هم لباس مخصوص به خود را دارد و هم ماشینها و ادوات جنگی آنها با طرح و رنگ متحدالشکلی، منقش و رنگ آمیزی شده‌اند. م

۳۰. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴ و ۱۵؛ بشارة الاسلام، ص ۱۴۳؛ يوم الخلاص، ص ۷۰۱.

اشاره:

در بخشهای قبلی، حوادثی را که از ماه جمادی الثانی سال پیش از ظهور تا ماه ذیقعدہ همان سال پیش می آید بررسی کردیم. در این قسمت به بررسی رویدادهایی می پردازیم که در ماه ذیحجه رخ می دهند.

حوادث ماه ذی الحجّه

هرچه به زمان و مکان طلوع آن خورشید تابان نزدیک تر می شویم احادیث و روایات تفصیل بیشتری می یابند و مکانها و روزها و ساعتها بیشتری را پوشش می دهند، از این رو می توانیم محدوده زمانی پیش آمدن حوادث (مختلف) را بنا بر محتوای روایات مشخص کنیم.

بسیاری از روایات از ماه ذیحجه به عنوان ماه خون و خونریزی یاد کرده اند. ابوبصیر ضمن حدیثی طولانی نقل می کند که از

امام صادق (ع) پرسیدم: ذیحجه چگونه ماهی است؟ فرمودند:

آن ماه خون (خونریزی) است ۱. حضرت رسول (ص) هم فرمودند:

در ماه ذیحجه حجاج غارت شده و خون به پامی شود ۲.

در این ماه حوادث مهمی آن گونه که روایات بر شمرده اند رخ می دهد که یکی از آنها در زمرة علایم حتمی است. وقایع این ماه به قرار زیر است:

۱ - کشتارگاه دوم عراق

در روز شادی و عید این ماه که همان روز عید قربان (دهم ذیحجه) است. سپاهیان پس از کشتارهای وحشیانه ای که در بغداد طی ۱۸ شب انجام می دهند، سفیانی متوجه کوفه یا نجف شده و در آنجا هم کشتاری به راه می اندازند که مثل و مانند ندارد.

سفیانی سپاهی ۱۳۰ هزار نفری را به سوی کوفه و نجف گسیل می دارد که نیروهای آن در روحا، فاروق و مقام حضرت عیسی (ع) و مریم (س) در قادسیه پیاده می شوند. به عبارت دیگر این نیروها از جاده بابل به کوفه وارد می شوند.

روحا منطقه ای است نزدیک فرات که برخی گفته اند منظور نهر عیسی (ع) است و فاروق محل جدا شدن جاده ها از همدیگر است (چهارراه) که یکی از این جاده ها به سمت قادسیه (دیوانیه) می رود و دیگری بابل و بغداد و جاده سوم هم به سوی ذی الکفل و کوفه و نجف می رود و دیگر جاده ها هم از این جاده منشعب می شود.

۳۰ هزار نفر از سپاه سفیانی که قصد حمله به نجف دارند به سمت قبر حضرت هود (ع) در نخیله (فضای روحانی و معنوی وادی السلام در نجف اشرف) حرکت کرده و روز عید قربان از مسیر بابل به کوفه می رسند و سپس رو به نجف نموده و از این دو شهر ۷۰ هزار دختر جوان را اسیر کرده و سوار بر وسایل نقلیه به سمت شویه که قبر کمیل بن زیاد و دیگر یاران حضرت علی (ع) قرار دارد حرکت می کنند. در این مکان گنبد و بارگاهی عظیم برای کمیل و محله ها و خانه هایی در اطراف آن بنا کرده اند. دختران و زنان اسیر شده را به همراه غنایم به دست آمده، در آنجا می گذارند.

پس از آن که سپاه سفیانی در کوفه کشتار و اعدام‌های بسیار انجام داده و بسیاری را اسیر می‌کند، یاوران خاندان رسول‌الله (ص) و هر که را که گمان برند از این دسته است، می‌کشند. سخنگوی این سپاه در شهر جار می‌زند که هر کس سر یکی از شیعیان علی را بیاورد هزار درهم جایزه می‌گیرد. به دنبال آن همسایه به همسایه‌اش به دلیل اختلاف مذهبی (در درون اسلام) حمله می‌کند و می‌گوید این هم از آنهاست گردنش را می‌زند و سرش را به فرماندهان سپاه سفیانی می‌دهد و از آنها ده هزار درهم را می‌گیرد.

نه تنها مقابله‌های کوچک و جنبشهای ضعیف مردمی که در کوفه شکل می‌گیرد، نمی‌توانند آنها را از شر سلطه سفیان خلاص کنند بلکه به خاطر ضعف و ناتوانی زیاد آنها، سفیانی این امکان را می‌یابد که رهبر جنبش را در بین حیره و کوفه بکشد. ظاهراً پس از ناتوانیهای پدید آمده در جنبش وی، نیروهای درهم شکسته و سفیانی قدرت می‌یابد که او را بکشد. مضاف بر اینکه سفیانی ۷۰ نفر از صالحان را (منظور عالمان بزرگوار دینی است) می‌کشد. سر دسته آنها مردی با منزلت است که او را هم کشته و خاکسترش را در میان جولاء و خانقین بر باد می‌دهد و این اعمال را زمانی مرتکب می‌شود که قبل از آن ۴۰۰ هزار نفر را در کوفه کشته است.

آنگونه که روایات بیان می‌کنند جماعت یا حزبی غیر دینی متشکل از ۱۰۰ هزار مشرک و منافق تحت فرمان سفیانی سر به شورش برداشته و در این مسیر گام می‌نهند تا این که به دمشق می‌رسند.

پس از کشتارهای سپاه سفیانی در نجف و شهادت علما و صالحان و مؤمنان و خراب کردن مقبره شریف حضرت علی (ع) و اسیر کردن زنان نجف و تاراج اموالشان، جنگ را تا منطقه اصطخر در ایران می‌کشاند.

سید خراسانی هم قیام کرده و مؤمنان ایران را خبر کرده و از آنها برای نجات اهل عراق یاری می‌طلبد. در پی آن سپاهی پر توان و مستعد جمع می‌شوند که پیشاپیش آنها شعیب بن صالح حرکت می‌کند. در دروازه اصطخر سپاه خراسانی (صاحبان پرچم سیاه) با سپاه سفیانی مقابله می‌کند و جنگی عظیم رخ می‌دهد. پرچمهای سیاه پیروز گشته و سپاه سفیانی درهم می‌شکند که این اولین شکست سفیانی پس از آن همه پیروزی‌های پی در پی و سرعش در گذشته است. سید یمنی هم از یمن قیام می‌کند (نامش حسن یا حسین است) که خبر این حوادث به گوش او هم می‌رسد و چنین اتفاقات ناراحت کننده‌ای او را بیمار می‌کند، از این رو خود را به سرعت به کوفه می‌رساند، به سپاهیان سید خراسانی برخورد می‌کند و بر علیه سپاه سفیانی متحد شده و سلاح خویش را بر آنها نشانه می‌راند و با حمله آنها را از نجف بیرون رانده و اسرا و هر آنچه را که سفیانی و لشکریانش به غنیمت برده بودند به صاحبانشان باز می‌گرداند. پس از آن مردم به حضرت مهدی (ع) دل بسته و چشم انتظار دیدارش گشته و به جست‌وجوی او می‌پردازند.

روایات شریف ما حوادث کوفه و نجف را به روشنی و صراحت به تصویر می‌کشند که به عنوان مثال به برخی از آنها اشاره‌ای خواهیم داشت:

اصبغ بن نباته از حضرت علی (ع) نقل می‌کنند که فرمودند:

۰۰۰/۱۳۰ نفر را به سوی کوفه گسیل می‌دارد که در روحا و فاروق پیاده می‌شوند. ۰۰۰/۶۰ نفر از آنها به راه می‌افتند تا اینکه به محدوده نخيله که قبر حضرت هود(ع) در آنجاست در کوفه می‌رسند. در روز عید به آنها یورش می‌برند. فرمانروای مردم، ستمگر دشمنی پیشه‌ای است که به کاهن و جادوگر مشهور است. در بخش دیگری از این حدیث آمده است:

۰۰۰/۷۰ دختر جوانی را که روسری و لباسشان (تا آن موقع) برداشته نشده اسیر کرده و آنها با وسایل نقلیه به طویله (غری) می‌برند. سپس ۰۰۰/۱۰۰ منافق و مشرک از کوفه خارج می‌شوند و بدون آن که نیروی قدرتمندی مانع حرکت آنها بشود، وارد دمشق می‌شوند. پرچمهای نامشخصی از زمین بلند می‌شود که از جنس پنبه، کتان و ابریشم نیست و بر نوک نیزه (پرچم) عنوان «سید اکبر» حک شده است. (این سپاه) را مردی از آل محمد(ع) که از مشرق نمایان می‌شود، رهبری می‌کند. عطر آن همانند بوی مشک خوشبو در مغرب شنیده می‌شود و از یک ماه پیش از آن ترس (در میان غریبان) حاکم می‌شود تا اینکه به خونخواهی پدران خویش وارد کوفه می‌شوند در این زمان که آنها به این امر مشغولند، سپاهیان یمانی و خراسانی (به آنها) رو می‌کنند که همانند اسبان مسابقه‌ای آشفته موی که گرد سفر بر تن نشسته، شمشیر از نیام بر کشیده و راست قامت و پولادین عزم و چنان تیر کمان هستند وقتی یکی از آنها به باطن مردی نگاه می‌کند می‌گوید از این پس، هیچ خیری در مجلس ما نیست. بارالها حقیقتاً توبه کرده‌ایم. آنها همان «ابدالی» هستند که خداوند متعال در کتاب عزیزش آنها را (چنین) توصیف کرده است:

إِنَّ اللَّهَ يَفْحَقِبُ التَّوَابِينَ وَيَفْحَقِبُ الْمُفْتَطِرِينَ<sup>۳</sup>

(حقیقتاً خداوند توبه کنندگان و طهارت جویان را دوست دارد)

همانندان آنها هم از آل محمد(ع) هستند<sup>۴</sup>.

جابر جعفی هم در حدیثی طولانی از امام باقر(ع) نقل می‌کند:

سفیانی سپاهی را به کوفه اعزام می‌کند که ۰۰۰/۷۰ نفر هستند. آنها اهل کوفه را به مصایب کشتار، اعدام و اسارت مبتلا می‌کنند. در این زمان است که پرچمهایی از ناحیه خراسان نمایان می‌شوند که منازل را به سرعت سپری می‌کنند و در میان آنها یکی از اصحاب حضرت مهدی(ع) وجود دارد. پس از آن مردی از موالی ساکن کوفه به همراه جمعی از ضعیفان شورش می‌کند که سپاه سفیانی او را در بین حیره و کوفه می‌کشند<sup>۵</sup>.

امام صادق(ع) هم طی روایتی طولانی می‌فرماید:

آن واقعه اتفاق نخواهد افتاد، تا این که یکی از شورشیان از نسل ابوسفیان سر به طغیان بردارد و به مدت بارداری یک زن؛ یعنی ۹ ماه حکومت کند و چنین نخواهد شد تا این که یکی از فرزندان «شیخ» قیام کند و او را درون نجف پس از سیرش می‌کشند. واللّه گویی که نیزه‌ها و شمشیرها و کالاهای همراه آنها (الآن در مقابلم هستند و) دارم به آنها نگاه می‌کنم که در کنار دیواری از دیوارهای نجف در روز دوشنبه‌ای آنها را نهاده‌اند و روز چهارشنبه شهید می‌شود<sup>۶</sup>. اصبح بن نباته در حدیث بلند دیگری از امیرالمؤمنین(ع) روایت می‌کند که فرمودند:

... و حصار کشیدن در اطراف کوفه به وسیله نگهبانی و کندن خندق و از بین بردن سه گوش خانه در بن‌بستهای کوفه و تعطیلی مساجد به مدت ۴۰ شب و پیدا شدن هیکل و تکان خوردن سر پرچم در اطراف مسجد اکبر که قاتل و مقتول هر دو به آتش افکنده می‌شوند و کشتار سریع و مرگ ناگهانی و کشته شدن نفس زکیه در پشت کوفه در میان ۷۰ (نفر) ۷. از آن حضرت باز نقل شده که:

۷۰ نفر از صالحان (عالمان دینی) که سر دسته‌شان مرد با منزلتی است کشته خواهند شد که او را (سفیانی) می‌کشد و خاکسترش را در میان جلولا و خانقین برباد می‌سپرد و این پس از آن است که در کوفه ۴۰۰۰ نفر را کشته است ۸. از امام صادق (ع) هم چنین نقل شده است:

گویا (هم عصر) با سفیانی هستم که بارش را در میدانهای شما پهن کرده و سخنگوی او ندا در می‌دهد که هر کس سر شیعه‌ای از شیعیان علی را بیاورد، ۵۰۰۰ درهم (جایزه) می‌گیرد. پس همسایه به همسایه‌اش حمله می‌کند و می‌گوید این از آنهاست. گردنش را می‌زند و ۱۰۰۰۰ درهم (جایزه) را می‌گیرد. فرمانروایی شما هم در آن زمان از آن حرامزادگان است. گویا آن مرد آبله رو را می‌بینم. پرسیدند او کیست؟ فرمودند: مردی که به عنوان یکی از شما و هم عقیده با شما (عرب و مسلمان) وارد صحنه می‌شود. او شما را خوب می‌شناسد ولی شما او را نمی‌شناسید پس شما را محاصره کرده و یک یک دستگیر می‌کند و نابود می‌سازد و او زنازاده‌ای بیش نیست ۹.

حضرت علی (ع) هم فرمودند:

وقتی سپاه سفیانی به سوی کوفه حرکت کند، به طلب اهل خراسان گسیل می‌شوند که اهل خراسان هم به جست‌وجوی حضرت مهدی (ع) قیام کرده‌اند پس (سفیانی) و هاشمی (سید خراسانی) که پرچمهای سیاه را حمل می‌کنند با هم رو در رو می‌شوند. پیشاپیش آنها شعیب بن صالح در حرکت است که در دروازه اصطخر به سفیانی برمی‌خورد در میان آنها جنگی شدید درمی‌گیرد و (صاحبان) پرچمهای سیاه پیروز می‌شوند و سپاه سفیانی متواری می‌شود. پس از آن است که مردم مشتاق و آرزومند حضرت مهدی (ع) می‌شوند و به جست‌جویش می‌پردازند ۱۰.

۲- آشوبهای مفنا

احادیث شریف ما از آشوبی که در میان حاجیان طی مراسم حج رخ خواهد داد خبر می‌دهند که در واقع دنباله اختلافات اهالی حجاز بر سر پادشاهی آن دیار است.

امام صادق (ع) فرمودند:

مردم با هم حج می‌کنند و وقوف در عرفاتشان را هم با همدیگر و بدون امام انجام می‌دهند. هنگامی که در منا هستند فتنه سختی برمی‌خیزد و همه قبایل برهم می‌شورند. «جمره عقبه» از خون رنگین می‌شود. مردم وحشت‌زده گشته و به کعبه پناهنده می‌شوند ۱۱.

از این حدیث می‌توان فهمید که مردم در آن زمان چندان روابط صمیمانه‌ای با هم ندارند که بلافاصله پس از انجام مناسک حج و یا حتی پیش از اتمام آنها طی انجام «رمی جمرات در منا» که بخشی از مناسک حج است، دسته دسته شده و شورشها شکل

می گیرد. حاجیان غارت می شوند و اموالشان به تاراج می رود و خودشان هم کشته می شوند و پرده های نوامیس مردم دریده می شود.

سهل بن حوشب از رسول مکرم اسلام (ص) نقل کرده است که:

در ماه رمضان صدایی خواهد بود و در ماه شوال درگیری و در ذی قعدة قبایل با هم به جنگ می پردازند و نشانه آن تاراج (در) حج است. جنگی در منا به پا می شود و کشتار زیادی طی آن رخ می دهد و چنان خون به جریان می افتد که به جزیره (جمره) می رسد ۱۲.

عبدالله بن سنان هم از امام صادق (ع) روایت کرده است:

مردم چنان دچار مرگ و کشتار می شوند که به حرم پناه می برند پس (از آن) منادی راستگویی ندا در می دهد که برای چه جنگ و کشتار به پا کرده اید؟ سرور شما فلانی است ۱۳.

۳ - کشته شدن صاحب نفس زکیه (از علایم حتمی ظهور)

پس از وقوع مجموعه همه حوادثی که تا به حال از آنها یاد کردیم شعاعهای نورانی آن خورشید تابان بیش از پیش نمایان گشته و حضرت مهدی (ع) فرستاده ای از جانب خویش به مکه اعزام می کنند که علاوه بر روشن شدن اوضاع و کسب خبر از آنها مقدمات آن انقلاب مبارک را فراهم کند. جوانمردی هاشمی (محمد بن الحسن که همان نفس زکیه است)، در بیست و پنجم ماه ذی الحجه پس از قیام خویش وارد مسجد الحرام شده و بین رکن و مقام ایستاده و نامه ای شفاهی از ناحیه حضرت را برای مردم مکه قرائت می کند که در این نامه خبری از توهین و بی احترامی و تهدید نیست و ضمن آن حضرت از مردم مکه طلب یاری و نصرت می کنند. بقایای نظام منحوس حاکم در حجاز جرمی شنیع مرتکب شده و وی را در حالی که بین رکن و مقام ایستاده، شهید می کنند که این جرم عاقبت آنها را مشخص می کند و معلوم می سازد که حضرت ۱۵ روز بعد که بناست ظهور شریفشان رخ بدهد، باید با آنها چگونه رفتار بکنند.

چنین فاجعه دردناکی در مدینه بر سر پسر عموی نفس زکیه - که نام خودش محمد و نام خواهر (دوقلویش) فاطمه است - می آید و هر دو را بر سر در مسجد النبی (ص) اعدام می کنند.

امام صادق (ع) فرمودند:

کشته شدن نفس زکیه از علایم حتمی (ظهور) است ۱۴.

ابو بصیر هم از امام باقر (ع) ضمن حدیثی بلند روایت کرده است:

حضرت مهدی (ع) به یاران خویش می فرمایند: ای قوم (همراهان) اهالی مکه مرا نمی خواهند ولی برای آن که حجت بر آنها تمام شود و خود هم به وظیفه ام عمل کرده باشم (یکی از شما را) به سوی آنها می فرستم. سپس یکی از یارانشان را خوانده و به او می فرماید: به سوی اهل مکه برو و بگو: ای اهالی مکه من فرستاده فلانی (حضرت مهدی (ع)) هستم و او برای شما چنین پیغام فرستاده که ما خاندان رحمت و معدن رسالت و خلافتیم. ما نوادگان حضرت محمد (ص) و سلاله پیامبران هستیم به ما ظلم شده و آزار رسانده اند و ما را سرکوب کرده اند. حقان را تا به امروز به زور از زمان رحلت پیامبر (ص) گرفته اند. از شما طلب یاری

می کنیم پس یاریمان کنید. وقتی این جوانمرد این پیام را رساند به سوی او می آیند و مابین رکن و مقام او را که نفس زکیه است می کشند (سر می برند) ۱۵.

امیرالمؤمنین علی (ع) هم فرمودند:

آیا شما را از انتهای سلطنت «بنی فلان» باخبر کنم؟ کشتن نفس حرام! در روزی حرام در شهر حرام قسم به آنکه دانه را شکافت و آدمی را آفرید، پس از آن بیش از پانزده روز حکمرانی نخواهند کرد ۱۶.

از امام صادق (ع) هم نقل شده که فرمودند:

فاصله قیام حضرت مهدی (ع) و کشته شدن نفس زکیه تنها ۱۵ شب است ۱۷.

زراره بن اعین هم از آن حضرت روایت کرده است که:

حتماً جوانی در مدینه کشته خواهد شد.

پرسیدم: آیا سپاهیان سفیانی او را می کشند؟ فرمودند:

خیر، ولی او را سپاهیان «بنی فلان» می کشند. قیام کرده و خارج می شود تا این که به مدینه می رسد؛ مردم بدون آن که بدانند چه

می گوید و چه می خواهد، او را؛ می کشند، و از آنجا که ناجوانمردانه و از روی ستم او را می کشند خداوند متعال هم به آنها

مهلت نخواهد داد. در این زمان چشم انتظار فرج باشید ۱۸.

امام باقر (ع) هم فرمودند:

در آن زمان نفس زکیه در مکه کشته می شود و برادرش را در مدینه هلاک می کنند ۱۹.

آنکه در مدینه منوره به همراه خواهرش کشته و اعدام می شود از عموزادگان نفس زکیه است. امام صادق (ع) فرمودند:

مظلوم در یرب (مدینه) و پسر عمویش در مکه کشته می شوند ۲۰.

باز هم تأکید می کنیم که نفس زکیه ای که کشته شدنش از علایم حتمی ظهور است همان «محمد بن الحسن» است که ۱۵ روز

پیش از ظهور حضرت مابین رکن و مقام شربت شهادت را می نوشد و در روایات با اسامی و القاب مختلفی نظیر: نفس زکیه ۲۱

(شخص بی گناه)، مستنصر (طلب کننده نصرت و یاری) ۲۲ مرد هاشمی و جوانی از آل محمد (ص)، حسنی ۲۳ یاد کرده اند.

پی نوشتها:

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۲؛ بشارة الاسلام، ص ۱۴۲.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۵۱؛ یوم الخلاص، ص ۲۸۰.

۳. البقره، ص ۲۲۲.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۴؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۲۰؛ بشارة الاسلام، صص ۵۸ و ۶۹.

۵. الغیبة نعمانی، ص ۱۸۷؛ بشارة الاسلام، ص ۱۰۲؛ یوم الخلاص، ص ۶۳۷.

۶. بشارة الاسلام، ص ۱۵۵.

۷. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۳؛ بشارة الاسلام، ص ۶۷؛ یوم الخلاص، ص ۶۳۵.

۸. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۰؛ يوم الخلاص، ص ۶۳۵.

۹. الغيبة شيخ طوسي، ص ۲۷۳؛ بشارة الاسلام، ص ۱۲۴؛ يوم الخلاص، ص ۷۰۳؛ بيان الاثمه (ع)، ج ۲، ص ۶۱۲.

۱۰. بشارة الاسلام، ص ۱۸۴؛ يوم الخلاص، ص ۶۵۱.

۱۱. الممهدون للمهدى (ع)، ص ۶۰؛ يوم الخلاص، ص ۵۷۰.

۱۲. منتخب الاثر، ص ۴۵۱؛ بشارة الاسلام، ص ۳۴؛ يوم الخلاص، ص ۵۳۲؛ بيان الاثمه (ع)، ج ۱، ص ۴۳۳ و ج ۲، ص ۳۵۵.

۱۳. الغيبة نعماني، ص ۱۷۸.

۱۴. الغيبة نعماني، ص ۱۶۹؛ بشارة الاسلام، ص ۱۱۹؛ يوم الخلاص، ص ۶۶۷.

۱۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷؛ بشارة الاسلام، ص ۲۲۴؛ المهدي (ع) من المهد الى الظهور، ص ۳۶۸؛ يوم الخلاص، ص ۶۶۲؛

بيان الاثمه (ع)، ج ۳، ص ۲۰.

۱۶. الغيبة نعماني، ص ۱۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۴؛ الممهدون للمهدى (ع)، ص ۶۱.

۱۷. الارشاد شيخ مفيد، ج ۲، ص ۴۳۷؛ الغيبة شيخ طوسي، ص ۲۷۱؛ كمال الدين و تمام النعمة، ص ۶۴۹؛ اعلام الوري، ص ۴۲۷؛

بشارة الاسلام، ص ۱۲۸؛ المهدي (ع) من المهد الى الظهور، ص ۳۶۸.

۱۸. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۷؛ بشارة الاسلام، ص ۱۱۷؛ يوم الخلاص، ص ۶۶۶.

۱۹. بشارة الاسلام، ص ۱۷۷؛ يوم الخلاص، ص ۶۶۵.

۲۰. بشارة الاسلام، ص ۱۸۷؛ يوم الخلاص، ص ۶۶۶.

۲۱. طی داستان حضرت موسی در قرآن کریم (آیه ۷۴ سوره كهف) هم آمده است: آیا نفس زکيه ای (يعنى مبراً از گناه) را

کشتی؟

۲۲. فراموش نکنیم که او کلامش را با طلب یاری برای حضرت (آل محمد(ص)) و پیروانش آغاز می کند.

۲۳. جهت اثبات سیادت وی و اینکه از ناحیه امام مجتبی (ع) هستند.

حوادث آخرین ماههای پیش از ظهور حوادث ماه محرم و آخرین روزهای غیبت

اشاره: در بخشهای قبلی، حوادثی را که از ماه جمادی الثانی سال پیش از ظهور تا ماه ذی قعدة همان سال پیش می آید بررسی

کردیم. در این قسمت به بررسی رویدادهایی می پردازیم که در ماه محرم رخ می دهند.

بالاخره با پیگیری حوادث آخرین ماههای غیبت حضرت مهدی (ع) به آخرین روزها رسیدیم و می توانیم چشم انتظار آن وعده

الهی باشیم که در قرآن به مؤمنان، (۱) مستضعفان زمین (۲)، صالحان (۳) و حتی وجود مبارک پیامبر اکرم (ص) داده شده و

رسول اکرم (ص) (۴) در روز غدیر حجة الوداع آن را که به صد و بیست هزار مسلمان حاضر در آن محل اعلام کردند (۵) و امام

باقر (ع) به عشق آن روز فرمودند:

اگر آن عصر را درک کنم از جان خویش برای حضرت مهدی (ع) محافظت می کنم (خودم را برای او نگاه می دارم). (۶)



آری این همان روز است که آسمانیان پیش و بیش از زمینیان به انتظارش بوده و در انتظارش سوخته و ساخته‌اند؛ چرا که این روز سرآغاز فصل نوین و واقعی حیات زمین و زمان و بشریت است و روز رسیدن به همه خوبیها در سایه اسلام است. حوادث این ماه در دو بخش روز فجر مقدس و باقی این ماه قابل بررسی است:

الف) فجر مقدس و صبح موعود

آن گونه که از احادیث برمی آید به دنبال حوادثی که طی ماههای پیش در جهان رخ داده، حدود هفت نفر از عالمان دینی و همراهان آنها (۷) از نقاط مختلف عالم اسلام و بلاد اسلامی رو به سوی حجاز کرده و مخفیانه به دنبال حضرت مهدی(ع) می گردند تا با ایشان بیعت کنند. در این اثنا هم حضرت حجت(ع) همانند حضرت موسی(ع) از ترس آنها که تعقیبش می کردند رو به سوی مدینه کرد(۸)؛ از مدینه خارج شده و رو به مکه مکرمه نموده و از دست سپاهیان سفیانی بدانجا پناهنده می شوند و پس از ایشان هم سیصد و سیزده یار و یاور ایشان از نقاط مختلف جهان بی آن که با هم قراری از قبل گذاشته باشند در مکه جمع می شوند تا نهضت جهانی خویش را آغاز کنند.

صبح شنبه‌ای که مصادف با عاشوراست حضرت پس از طلوع آفتاب، پشت مقام حضرت ابراهیم(ع) دو رکعت نماز به جا می آورند، میان رکن و مقام ایستاده و اولین خطبه غرّای خویش را به گوش جهانیان می‌رسانند و پس از معرفی خویش مردم را به بیعت دعوت می‌کنند و جبرئیل(ع) که در آن زمان به شکل پرنده‌ای سفید رنگ بر ناودان کعبه ایستاده، اولین کسی است که با ایشان بیعت می‌کند و به دنبال آن هم سیصد و سیزده یاور شریف حضرت و باقی مؤمنان و صالحانی که به مکه آمده‌اند تا به یاری حضرت پردازند و همگی آماده جهاد و شهادتند. اینها مجموعاً ده‌هزار نفر سپاهیان حضرت را تشکیل می‌دهند و با حضرت پیمان می‌بندند.

یونس بن ظبیان نقل می‌کند که امام صادق(ع) فرمودند:

شب جمعه، خداوند متعال ملک‌کی را به آسمان دنیا می‌فرستد. وقتی که فجر طلوع کرد، آن ملک بر عرش خدا که بالای بیت المعمور قرار گرفته می‌نشیند و برای هر کدام از پیامبر و حضرت علی و امام حسن و امام حسین(ع) یک منبر نورانی می‌گذارد و ایشان هم از آنها بالا می‌روند و ملائکه و پیامبران و مؤمنان هم در مقابل ایشان جمع می‌گردند و به دنبال آن درهای آسمان گشوده می‌شود و پس از زوال خورشید(۹) پیامبر(ص) می‌فرمایند:

بار پروردگارا! این وعده‌ای که در کتاب خویش دادی و گفتی:

«خداوند به آن دسته از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده داده است که آنها را همانند پیشینیان ایشان حاکمان زمین و دین مرضی خویش کند.»

اشاره به آیه نازل شده در روز غدیر: «الیوم اکملت لکم و رضیت لکم الاسلام دینا» یعنی اسلام را مسلط و خوف آنها را به آرامش تبدیل کند.

پس از ایشان ملائکه و پیامبران هم، چنان می گویند. آن چهار نور مقدس به سجده می افتند و حضرت (رسول(ص)) باز می فرمایند: پروردگارا غضب نما که حریمت دریده شد و برگزیدگان شهید و بندگان صالحت خوار گشتند. پس خداوند آنچه را که بخواهد می کند که آن روز معلوم است.(۱۰)

احادیثی را که اشاره به این حادثه بزرگ دارند می توان در چند دسته خلاصه کرد:

۱. روز قیام و نقطه آغاز نهضت جهانی حضرت

شبهه ای را که مصادف با عاشورا شده است برخی احادیث روز ظهور حضرت برشمرده اند:

ابو بصیر از امام صادق(ع) روایت کرده است که فرمودند:

[حضرت مهدی(ع)] در روز عاشورا که روز شهادت سیدالشهدا(ع) است، قیام می کند. گویا در آن شبه ای که عاشورا در آن واقع شود، همراه او هستم. در حالی که بین رکن و مقام ایستاده جبرئیل در مقابل ایشان، برای بیعت ندا در دهد و شیعیان حضرت، زمین را با طی الارض زیر پا می نهند و از اطراف و اکناف عالم (به سرعت) جمع شده و با ایشان بیعت می کنند و خداوند هم به وسیله او جهان را مملو از عدالت می کند آن گونه که آکنده از ظلم و جور گشته است.(۱۱)

علی بن مهزیار هم از امام پنجم(ع) نقل کرده است که:

گویا با حضرت مهدی(ع) در روز شبه ای که عاشورا است و بین رکن و مقام ایستاده هستم.(۱۲)

۲. جمع شدن یاران حضرت در مدتی کوتاه

امام صادق(ع) در این رابطه به مفضل بن عمر، فرمودند:

ایشان به تنهایی ظهور می کنند و به تنهایی به سوی کعبه رفته و وارد آن می شوند و به تنهایی شب را سپری می کنند. پاسی از شب که گذشت و چشمها را خواب در ربود جبرئیل، میکائیل و دیگر ملائکه در حالی که به صف ایستاده اند، بر ایشان نازل شده و جبرئیل به حضرت عرضه می دارد:

سرور من گفته ات مقبول و امرت نافذ است.

حضرت هم دستشان را به چهره او کشیده و [این آیه را تلاوت] می فرمایند:

حمد و سپاس از آن خداوندی است که وعده اش را در مورد ما محقق و ما را وارث زمین کرد که در هر کجای بهشت که خواستیم مسکن گزینیم؛ آه که چه اجر عمل کنندگان، خوب [و زیبا] است.(۱۳)

سپس میان رکن و مقام ایستاده و فریاد کشیده و با صدای بلند می فرمایند:

ای جمعیت یاران و نزدیکان من و ای کسانی که خداوند آنها را برای یاری من از پیش از ظهورم بر پهنه گیتی ذخیره کرده بود! مطیعانه به سوی من آید.

فریاد حضرت به گوش آنها می رسد، در حالی که برخی از آنها در محراب و برخی هم در رختخواب و در شرق و غرب عالم پراکنده اند. همین یک فریاد را همگی می شنوند و آن را اجابت می کنند. به یک پلک بر هم زدن همه شان در مقابل آن حضرت بین رکن و مقام قرار می گیرند. خداوند هم در پی آن به نور امر می کند و آن هم ستونی از آسمان تا زمین کشیده می گردد و هر

مؤمنی بر سطح زمین است آن نور را طلبیده و نور هم به درون خانه‌اش می‌تابد و نفوس مؤمنان از آن نور شادمان می‌گردند، هر چند نمی‌دانند که حضرت مهدی (ع) ظهور کرده‌اند و این نور چیست. سپس آن سیصد و سیزده تن که به تعداد صحابه پیامبر اکرم (ص) در جنگ بدر می‌باشند در حالی که در مقابل حضرت ایستاده‌اند، صبح خویش را آغاز می‌کنند. (۱۴)

باز در حدیث دیگری از امام صادق (ع) چنین نقل شده است:

هنگامی که به حضرت مهدی (ع) اذن [ظهور] داده شود، خداوند متعال را به اسم اعظمش (نام عبرانی خداوند متعال) خوانده و سیصد و سیزده یار ایشان همانند جمع شدن ابرهای پاییزی به گرد ایشان می‌آیند که آن پیشقراولان یاران حضرتند که برخی از آنها شبانه از بستر خود جدا می‌شوند تا صبح در مکه باشند و برخی از آنها در طول روز آشکارا بر ابرها سوار می‌شوند که حضرت نام آنها و پدران و نسب‌هایشان را می‌داند (۱۵) و (۱۶).

مفضل بن عمر که راوی این حدیث هم است، می‌پرسد: کدام یک از این دو ایمان بالاتری دارند؟ حضرت پاسخ می‌دهند: آنکه روز بر ابرها سیر می‌کند و آنها ناپدید می‌شوند و این آیه در شأن ایشان نازل شده است: «هر جا که باشید خدا همه‌تان را می‌آورد و جمع‌تان می‌کند.»

ابو بصیر هم از ایشان چنین روایت می‌کند که:

آنها سیصد و سیزده مرد به تعداد اهل بدر هستند که خداوند متعال همه آنها را در یک شب جمعه در مکه جمع می‌کند و صبح همگی به نزد ایشان در مسجد الحرام می‌آیند و احدی از آنها [از آمدن] تخلف نمی‌کند. در کوچه‌های مکه به راه می‌افتند تا منزلی برای سکونت خویش بیابند. اهالی مکه از ورود این افراد ناشناس تعجب می‌کنند؛ چرا که از ورود هیچ قافله‌ای جهت حج و عمره و یا تجارت خبری نبوده، لذا بعضی از آنها به هم می‌گویند: جمعیتی را امروز دیدیم که تا به حال آن را ندیده بودیم که [آن گونه از ظاهرشان پیداست] از یک شهر و بیابان [از یک نژاد و تیره و قبیله] نیستند نه شتری دارند و نه هیچ وسیله دیگری. آنها که مشغول این صحبتها هستند و به درهای [خانه‌های] خود نزدیک می‌شوند مردی از قبیله بنی مخزوم، وارد می‌شود از مردم عبور می‌کند و به نزد رئیس آنها می‌رود و می‌گوید: دیشب خواب عجیبی دیدم که از آن می‌ترسم و قلبم پریشان گشته است. رئیس به او می‌گوید: خوابت را تعریف کن. می‌گوید: ابری از آتش را دیدم که از اعماق آسمان نمایان شد و مدام پایین می‌آمد تا این که به کعبه رسید و دور آن چرخ می‌زد. در آن ابر ملخهایی با بالهای سبز رنگ بود و آن قدر که خدا خواست، به دور کعبه طواف می‌کردند. سپس به شرق و غرب پریدند و به هیچ شهری نمی‌رسیدند، مگر آن که آن را می‌سوزاندند و از هیچ آبادی گذر نمی‌کردند، جز آن که آن را منهدم می‌نمودند. از خواب پریده و بر خود لرزیدم. الآن هم پریشان و ترسانم. مردم (به او) می‌گویند: ما آنها را دیده‌ایم و بیا به نزد فلان مرد ثقفی برویم، تا خوابت را تعبیر کند. (۱۷) و (۱۸)

پس از آن که خواب را برای مرد ثقفی تعریف کرد، او هم می‌گوید: [خواب] عجیبی دیده‌ای! دیشب لشکری از لشکریان خداوند، وارد شهرتان شده است که شما را یارای مقاومت در برابر آنها نیست. می‌گویند: عجیب است؛ آنها را امروز دیده‌ایم و سپس آنچه را دیده‌اند به او گزارش می‌کند و از نزد او می‌روند. تصمیم می‌گیرند که بر آنها یورش برند حال آن که خداوند دل‌هایشان را پر از ترس و هراس از ایشان گردانیده است. برخی به بقیه دستور می‌دهند: در مورد آنها عجله نکنید. آنها که تا

کنون مرتکب هیچ منکری نشده‌اند و خلافی از آنها دیده نشده. شاید برخی از آنها، هم قبیله‌ای شما باشند؛ اگر چیزی از آنها دیدید بعد شما می‌دانید و آنها. این جمعیتی که ما می‌بینیم اهل عبادتند و چهره‌های خوب [و نورانی] دارند، مضاف بر این که آنها در حرم امن الهی هستند که تا وقتی کسی مرتکب خلافی نشده باشد، در امان است. آنها هم که عملی انجام نداده‌اند که بهانه جنگ با آنها را فراهم کرده باشد.

سرپرست مردم که مردی از قبیله مخزوم است می‌گوید: ما که مطمئن نیستیم این جمعیت پشتوانه‌ای [اعم از نیرو و امکانات] نداشته باشند. اگر [چنین ذخیره و عقبه‌ای داشته باشند و این مجموعه] به آنها ملحق شوند، حقیقت و جود و عظمت نیرویشان مشخص می‌شود [و خواب دوستان تعبیر گشته و نمی‌توانیم بر آنها فایق آییم]. حال که از حیث نیرو و امکانات در سطح پایینی هستند و پیش از آن که نیروهای کمکی به آنها ملحق شوند، حمله کنید. آنها به نزد شما در مکه آمده‌اند و به سروری می‌رسند و مطمئنم که خواب این رفیق شما درست است. [فعلاً هم] شهرتان را گوارای و جودشان قرار دهید [بگذارید در شهر باشند و هر چه می‌خواهند بکنند] و بنشینید و نظرات و شرایط موجود را بررسی کنید.

شخصی از میان آنها می‌گوید: اگر نیروهای کمکی آنها هم مثل خودشان باشند که ترس ندارند آنها که نه اسب و مرکبی دارند و نه سنگری که بدان پناه برند به علاوه که آنها در اینجا غریبند اگر سپاه آنها بیایند، اول به آنها حمله می‌کنید و [شکست دادن آنها] به راحتی نوشیدن آبی گواراست. تا پاسی از شب گذشته مشغول این صحبتها هستند و خداوند خواب را بر گوشها و چشمهایشان مسلط می‌کند [لذا برای خوابیدن پراکنده می‌شوند] و دیگر پس از آن تا فردا اجتماعی نخواهند داشت تا این که حضرت مهدی (ع) قیام کنند. [حضرت و یارانشان هم] چنان یکدیگر را ملاقات می‌کنند که گویی از یک پدر و مادرند و صبح از هم جدا شده بودند و شب به هم رسیده‌اند.

قابل ذکر است که دوازده تن از اصحاب در میان باقی یاران جایگاه ویژه و ممتازی دارند که آنها پیش از بقیه به حضرت می‌پیوندند ولیکن در انتها همگی پروانه‌وار به گرداگرد آن شمع پر نور الهی جمع گشته و می‌گردند تا به زودی جهان را از برکات و جودی خویش بهره‌مند سازند.

۳. اولین خطبه حضرت مهدی (ع) پس از ظهور

صبح شنبه عاشورای موعود - که بناست حضرت ظهور کنند - وارد مسجد الحرام می‌شوند و دو رکعت نماز رو به کعبه و پشت به مقام به جا می‌آورند و پس از دعا به درگاه الهی به نزدیک کعبه رفته و با تکیه بر حجرالاسود رو به جهانیان کرده و اولین خطبه تاریخی خویش را چنین انشاء می‌کنند:

پس از حمد خداوند و سلام و صلوات بر آستان با عظمت پیامبر اکرم و خاندان بزرگوارشان سلام الله علیهم اجمعین، ایشان چنین می‌فرمایند:

ای مردم! ما برای خداوند [از شما] یاری می‌طلبیم و کیست که ما را یاری کند؟ آری ما خاندان پیامبرتان محمد مصطفی (ص) هستیم و سزاوارترین [و نزدیک‌ترین] مردم نسبت به خدا و ایشان. هر کس با من در رابطه با آدم محاجه کند من سزاوارترین [و

نزدیک‌ترین [مردم نسبت به اویم و همین‌طور راجع به نوح و ابراهیم و محمد(ص) و دیگر پیامبران و کتاب خداوند که به هر کدام از دیگر مردم اولی هستم. مگر خداوند متعال در کتابش فرموده است:

به درستی که خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید خاندانی که برخی از آنها از بعضی دیگرند و خداوند شنوا و داناست. (۱۹)

من بازمانده آدم و ذخیره نوح و برگزیده ابراهیم و عصاره وجود محمد(ص) هستم.

... هر کس درباره سنت رسول‌الله(ص) با من محاجه کند، من سزاوارترین مردم نسبت به آن هستم.

هر که امروز کلام مرا می‌شنود، به خداوند متعال قسم می‌دهم که به غایبان [این سخنان را] برساند، به حق خداوند متعال و رسول گرامی‌اش و حق خودم، از شما می‌خواهم [به ما رو کنید] که من حق قرابت و خویشاوندی رسول‌الله(ص) را بر گردن شما دارم که شما ما را یاری کنید و در مقابل آنها که به ما ظلم می‌کنند، حمایت کنید که اهل باطل به ما دروغ بستند.

... از خدا بترسید و خدا را درباره ما در نظر داشته باشید ما را خوار نکنید و یاریمان کنید تا خداوند متعال شما را یاری کند. (۲۰)

سپس حضرت دستهایشان را به آسمان بلند کرده و با دعا و تضرع این آیه را به درگاه الهی عرضه می‌دارند:

أَمَّنْ يَفْجِيفُ الْمَفْضَطْرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ .

کیست آن که وقتی شخص مضطر دعایش کند، او را پاسخ داده و بدی را از او برطرف کند؟ (۲۱)

۴. انصار (یاوران) و بیعت ایشان با حضرت

پس از آن که حضرت گفتار خویش را به پایان می‌برند، پلیسها و شرطه‌های حرم تلاش می‌کنند که ایشان را همانند نفس زکیه به شهادت برسانند و یا حداقل اسیر کنند که اصحاب حضرت قدم پیش نهاده و شر آنها را از امام(ع) دفع می‌کنند. جبرئیل هم پشت کعبه به عنوان اولین نفر با امام(ع) بیعت می‌کند و پس از او سیصد و سیزده تن یار حضرت و دیگر یاوران با ایشان عهد و پیمان می‌بندند. امام صادق(ع) به مفضل به عمر فرمودند: ای مفضل! حضرت مهدی(ع) پشتش را به حرم می‌کنند و دستش را که سفیدی خیره‌کننده‌ای دارد، جهت بیعت دراز می‌کند و می‌فرماید: این دست خدا و از سوی خدا و به فرمان خداست و سپس این آیه را تلاوت می‌کنند:

«آنها که با تو بیعت می‌کنند در حقیقت با خدا بیعت کرده‌اند دست قدرت الهی مافوق قدرت آنهاست و هر که بیعتش را بشکند به ضرر خودش است.» (۲۲)

اولین کسی که دستش را می‌بوسد، جبرئیل است و به دنبال او ملائکه و نجبای اجنه و سپس، برگزیدگان صبح در مکه و مردم می‌گویند این مردی که اطراف کعبه است، کیست؟ و این جمعیتی که با او هستند کیانند و آن نشانه بی‌سابقه‌ای که دیشب دیدیم چه بود؟ که این جریان حول و حوش طلوع آفتاب اتفاق می‌افتد. (۲۳)

امام باقر(ع) هم می‌فرمایند: گویا با حضرت مهدی(ع) هستم؛ در روز عاشورایی که شنبه است. در حالی که بین رکن و مقام ایستاده است، جبرئیل ندا می‌دهد: بیعت برای خداست (البيعة لله) پس خداوند [زمین] را همان گونه که پر از ظلم و جور شده است، مملو از عدالت می‌کند. (۲۴)

محمد بن مسلم هم از آن حضرت نقل کرده که فرمودند:

گویا جبرئیل به صورت پرنده‌ای سفید درآمده و اولین مخلوق خداوند است که با آن حضرت بیعت می‌کند و پس از آن سیصد و سیزده نفر بیعت خواهند کرد. هر که در این مسیر امتحان خود را پس داده باشد، در آن ساعت می‌آید که برخی در رختخواب‌شان ناپدید می‌شود که حضرت علی (ع) فرمودند: «ناپدید شدگان در رختخواب‌هایشان» و این گفته الهی است که: در خیرات با هم مسابقه دهید که هر کجا باشید، خداوند همه شما را می‌آورد. (۲۵)

منظور از خیرات در این آیه ولایت ما اهل بیت است. (۲۶)

مفضل بن عمر هم از ایشان چنین روایت کرده است:

خداوند متعال جبرئیل (ع) را می‌فرستد تا این که به نزد او بیاید بر حجر اسماعیل در نزدیک کعبه فرود آمده و به او می‌گوید: به چه دعوت می‌کنی؟ حضرت مهدی (ع) او را باخبر کرده و جبرئیل هم می‌گوید: من اولین کسی هستم که با تو بیعت می‌کنم دستت را دراز کن. پس دستش را بر دست حضرت [به نشان بیعت] می‌کشد. سیصد و اندی مرد هم به نزد او می‌آیند و با او بیعت می‌کنند. او هم آنقدر در مکه می‌ماند که ده‌هزار نفر اصحابش جمع شوند و پس از آن به سوی مدینه حرکت می‌کند. (۲۷)

و امام باقر (ع) بنا بر نقل جابر جعفی می‌فرمایند:

بین رکن و مقام سیصد و اندی به تعداد اهل بدر با حضرتش بیعت می‌کنند و در میان آنها نجیبان مصری و ابدال شامی و اخیار عراقی دیده می‌شوند. (۲۸)

مفاد این پیمان نامه و بیعت را حضرت علی (ع) چنین بیان کرده‌اند:

از یارانش پیمان می‌گیرد که: دزدی و زنا و فحاشی به هیچ مسلمانی نکنند، خون کسی را به ناحق نریزند و به حریم دیگران جفا و تجاوز نکنند و به خانه‌ای حمله نبرند و تنها به حق و به جا، افراد را بزنند، هیچ طلا و نقره و گندم یا جوئی را [برای خویش] انبار نکنند، مال یتیم رانخورند و به آنچه نمی‌دانند شهادت ندهند و هیچ مسجدی را خراب نکنند آنچه را که مست کننده است، ننوشند؛ خز و ابریشم نپوشند و در مقابل طلا سر فرود نیاورند، راه را نبندند و ناامن نکنند، همجنس‌بازی نکنند، گندم و جو را انبار نکنند و به کم راضی و طرفدار پاکی و گریزان از نجاسات باشند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و لباس‌های خشن بپوشند و خاک را متکای خویش سازند و آن گونه که شایسته خداوند است در راهش جهاد کنند. آن حضرت خود هم متعهد می‌شود که همانند آنها قدم برداشته و لباس بپوشد و سوار مرکب شود و آن گونه باشد که آنها می‌خواهند و به کم راضی باشد و به کمک خداوند متعال جهان را همان طور که از جور پر شده است، از عدالت آکنده سازد، خداوند را آن گونه که شایسته است عبادت کند و هیچ حاجب و درباری اختیار نکند (۲۹)

۵. ندا و فریاد به نام حضرت مهدی (ع)

پس از اتمام مراسم بیعت جبرئیل (ع) برخاسته و به نام حضرت در دنیا بانگ می‌زند.

ابان بن تغلب از امام صادق (ع)، روایت کرده است:

اولین کسی که با حضرت مهدی (ع) بیعت می کند جبرئیل است. به صورت پرنده ای سفید رنگ فرود آمده و با ایشان بیعت می کند. سپس یک پایش را روی کعبه، پای دیگرش را روی بیت المقدس می نهد و با صدایی گویا و فصیح ندا در می دهد: فرمان خداوند رسید. درباره آن شتاب نکنید. (۳۰)

ذیل دو آیه:

وَاسْتَمْعَ يَوْمَ يَفْنَادُ الْمَفْنَادِ مَن مَّكَانَ قَرِيبٍ × يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلْفَكَ يَوْمَ الْخَفْرِ وَجَف. (۳۱)

(با دقت بشنو آن روزی که منادی از جایی نزدیک ندا در می دهد آن روز که آن صدای به حق را بشنوید، همان روز خارج شدن است).

امام صادق (ع) فرمودند:

منادی به نام حضرت مهدی و پدرشان (ع) ندا در دهد و منظور از صیحه در این آیه، فریادی آسمانی است و آن، روز (زمان) خروج (و قیام) حضرت مهدی (ع) است. (۳۲)

در ادامه حدیث یاد شده که سهل (شهر) بن حوشب از رسول الله (ص) نقل کرده، آمده است:

در ماه رمضان، صدایی خواهد بود و در شوال، جنگ و در ذی الحجه، قبیله ها با هم می جنگند و در ذی الحجه، حاجیان تاراج می شوند و در محرم منادی از آسمان ندا در دهد: آگاه باشید که فلانی برگزیده خداوند در میان آفریدگانش است. سخنانش را بشنوید و اطاعت کنید. (۳۳)

مفضل بن عمر هم از امام صادق (ع) در این رابطه، روایت کرده است:

در آن روز (عاشورا) وقتی خورشید طلوع کرد و نورافشانی نمود، کسی از قرص خورشید به زبان عربی فصیحی، خطاب به مردم و بر ایشان فریادی می کشد که تمام آنها که در آسمانها و زمینها هستند، می شنوند: «تمام مخلوقات! این مهدی آل محمد (ع) است» و او را به نام و کنیه جدش رسول الله (ص) و نسبش می خواند و گوش هر زنده ای این صدا را می شنود. تمام مخلوقات در بیابان و شهرها و دریاها و خشکیها بدان روی می کنند و با هم در این رابطه گفتگو می کنند و از هم درباره آنچه شنیده اند می پرسند. (۳۴)

امام رضا (ع) هم در این رابطه فرمودند:

... او همان کسی است که منادی از آسمان برای دعوت به او چنان ندایی در دهد که همه ساکنان زمین آن را بشنوند که آگاه باشید، حجت خداوند متعال پهلوی کعبه ظهور کرده است با او بیعت کنید که حق با او و در او (و در این تبعیت) است. (۳۵)

لازم است این مطلب را متذکر شویم که از مجموعه احادیثی که تا کنون برشمردیم، چنین برمی آید که سه ندای آسمانی در مورد حضرت شنیده می شود.

ندای اول: در ماه رجب که خود، سه نداست.

ندای دوم: در ماه رمضان (شب بیست و سوم - صیحه آسمانی).

ندای سوم: در ماه محرم (روز عاشورا که روز قیام است).

پس از این ندا و بیعتی که انجام می‌شود، حضرت مهدی (ع) کاملاً بر مکه مسلط شده و در آنجا منتظر می‌مانند تا سپاهیان ده هزار نفری ایشان، همگی در اطراف شان جمع شوند. در این مدت حضرت از فرصتهایی که به دست آورند و ارتباطاتی که با اقوام و ملل مختلف در مکه برقرار می‌کنند، برای زمینه‌سازی نهضت جهانی خویش بهره می‌برند، مضاف بر این که ایشان اصول و قوانین مربوطه به سپاه خویش را بر ایشان تبیین می‌کنند و در مکه هم دست به برخی اقدامات می‌زنند که به طور خلاصه از این قرارند:

۱ - باز گرداندن محدوده مسجدالحرام به همان حدودی که حضرت ابراهیم (ع) برای آن تعیین کرده بود.

۲ - باز گرداندن مقام حضرت ابراهیم (ع) به جای اصلی و اولیه خویش همان طور که در ز

پی‌نوشتها

۱. ر.ک: سوره نور (۲۴)، آیه ۵۵

۲. ر.ک: سوره قصص (۲۸)، آیات ۶ - ۵

۳. ر.ک: سوره انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵

۴. ر.ک: سوره توبه (۹)، آیه ۳۳

۵. حضرت رسول (ص) ضمن خطبه آن روز عظیم فرمودند: «مردم! نور خداوند در وجود من و سپس در علی و پس از او هم در نسل او و نهایتاً در قائم مهدی (ع) - که حق خداوند و همه حقوق ما را بازپس می‌گیرد - نهاده شده است. (الامام المهدی (ع) من المهد الی الظهور، ص ۵۷).

۶. الغیبة نعمانی، ص ۱۸۲؛ یوم‌الخلاص، ص ۲۶۷

۷. الممهدون للمهدی (ع)، ص ۶۰

۸. خائفاً یترقب، ر.ک: سوره قصص (۲۸)، آیه ۱۸.

۹. هنگام ظهر

۱۰. الغیبة نعمانی، ص ۱۸۴؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۷.

۱۱. الارشاد، ج ۱، ص ۳۷۹، الغیبة نعمانی، ص ۱۸۹، اعلام‌الوری، ص ۴۳۰، منتخب‌الاثار، ص ۴۴۸، یوم‌الخلاص، ص ۳۱۷

۱۲. الغیبة شیخ طوسی، ص ۲۷۴؛ تاریخ مابعدالظهور، ص ۲۲۲

۱۳. سوره زمر (۳۹)، آیه ۷۴

۱۴. الزام‌الناصب، ج ۲، ص ۲۵۶؛ بشارة‌الاسلام، ص ۲۶۸؛ یوم‌الخلاص، ص ۳۱۸

۱۵. سوره بقره (۲)، آیه ۱۴۸

۱۶. الغیبة نعمانی، ص ۲۱۳، بشارة‌الاسلام، ص ۲۰۳، یوم‌الخلاص، ص ۲۵۶

۱۷. شدت محبت، صمیمیت و آشنایی یاران و حضرت را با هم، از این بخش از حدیث می‌توان فهمید

۱۸. بشارة‌الاسلام، ص ۲۱۰؛ یوم‌الخلاص، ص ۲۷۱؛ تاریخ مابعدالظهور، ص ۲۸۸



۱۹. سوره آل عمران (۳)، آیه ۳۳

۲۰. الغیبة نعمانی: ۱۲۱؛ بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۲۲۳؛ بشارة الاسلام: ۱۰۲؛ منتخب الاثر: ۴۲۲؛ قزوینی، سید محمد کاظم،

المهدی (ع) من المهد الی الظهور: ۴۱۲؛ تاریخ مابعد الظهور: ۲۲۸؛ يوم الخلاص: ۳۰۳

۲۱. سوره نمل (۲۷)، آیه ۶۲

۲۲. سوره فتح (۴۸)، آیه ۱۰

۲۳. بشارة الاسلام، ص ۲۶۸؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۵۷؛ يوم الخلاص، ص ۳۲۰

۲۴. الغیبة نعمانی، ص ۲۱۴؛ منتخب الاثر، ص ۴۲۲؛ تاریخ مابعد الظهور، ص ۲۶۵

۲۵. سوره بقره (۲)، آیه ۱۴۸

۲۶. الغیبة نعمانی، ص ۲۱۴؛ منتخب الاثر، ص ۴۲۲؛ تاریخ مابعد الظهور، ص ۲۶۵

۲۷. بشارة الاسلام، ص ۲۲۷؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۸

۲۸. الغیبة شیخ طوسی، ص ۲۸۴؛ منتخب الاثر، ص ۲۶۸؛ بشارة الاسلام، ص ۲۰۴؛ تاریخ مابعد الظهور، ص ۲۷۵

۲۹. منتخب الاثر، ص ۴۶۹؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۰۵؛ يوم الخلاص، ص ۲۹۲؛ تاریخ مابعد الظهور، ص ۲۴۴

۳۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۳؛ بشارة الاسلام، ص ۲۵۹؛ يوم الخلاص، ص ۳۱۹؛ المهدی (ع) من المهد الی الظهور، ص ۳۴۰؛

السفیانی، ص ۱۴۵

۳۱. سوره ق (۵۰)، آیه های ۴۱-۴۲

۳۲. منتخب الاثر، ص ۴۴۷؛ يوم الخلاص، ص ۵۳۵

۳۳. منتخب الاثر، ص ۴۵۱

۳۴. بشارة الاسلام، ص ۲۶۹؛ يوم الخلاص، ص ۵۴۳؛ المهدی (ع) من المهد الی الظهور، ص ۳۴۱

۳۵. اعلام الوری، ص ۴۰۸؛ يوم الخلاص، ص ۵۴۵؛ بشارة الاسلام، ص ۱۶۱

در بخشهای قبلی، حوادثی را که از ماه جمادی الثانی سال پیش از ظهور تا ماه ذی قعدة همان سال پیش می آید بررسی کردیم. در

این قسمت به بررسی رویدادهایی می پردازیم که در ماه محرم رخ می دهند.

ب - فرو رفتن در بیابان (از علایم حتمی)

سفیانی که از ظهور حضرت مهدی (ع) خبردار شده است، سپاهی را به سوی حجاز گسیل می دارد، آنها روز دوازدهم محرم به

مدینه می رسند. فرمانده این سپاه از قبیله «کلب» است که به او «خزیمه» می گویند. چشم چپش نابیناست و روی مردمک چشمش

پرده ضخیمی وجود دارد. در مدینه به خانه «ابی الحسن اموی» ساکن می شود. سپاه اموی در مدینه سه روز می ماند و آن شهر را

غارت می کنند و کشتار گاه‌هایی را برپا می کنند و خون اهالی آنجا را بر زمین می ریزند و مردان را کشته و زنان و دختران را

اسیر می کنند، منبر رسول الله (ص) را خرد کرده و قبر شریفشان را منهدم می کنند. حیوانات و مرکبهای آنها در مسجد مبارک

پیامبر (ص) مدفوع می کنند. پس از آن سپاه سفیانی از مدینه به قصد جنگیدن با تازه واردان مکه و [به گمان خود] به هم آوردن

سر و ته جریان نوظهور حضرت مهدی(ع) خارج می‌شود. به خاطر شدت و نحوه تخریب این سپاه احادیث ما آن را به سیل تشبیه کرده‌اند ۱. این سپاه در میانه راه به بیابان بیداء که بین مکه و مدینه واقع شده است می‌رسند ۲. لشکریان شب پانزدهم محرم به این منطقه می‌رسند و شب را در آنجا بیتوته می‌کنند. خداوند متعال به جبرئیل(ع) فرمان داده و او هم فریادی از سر خشم و غضب بر آنها می‌کشد که: ای بیداء (بیابان)! این جمعیت ستمگر در خود فرو بر. زمین هم آنها را با تمام سلاح‌هایشان می‌بلعد که تنها دو نفر که از قبیله جهینه هستند و ملقب به بشیر و نذیر می‌شوند نجات می‌یابند که بر صورت آنها چنان سیلی زده می‌شود که چهره هر دو به عقب برمی‌گردد.

بشیر به دستور جبرئیل به خدمت حضرت مهدی(ع) رفته و خبر هلاکت لشکر سفیانی را به ایشان می‌دهد و سپس به دست آن حضرت توبه می‌کند و حضرت هم مرحمت کرده و او را به حالت اولش برمی‌گردانند. نذیر هم برای انذار و برحذر داشتن سفیانی، به شام می‌رود و او را هم از این جریان خبردار می‌کند و خود می‌میرد. مکه پس از این جریان امنیت خویش را باز می‌یابد و احدی از پادشاهان و فرمانروایان جرأت نمی‌کند که به قصد جنگیدن با این جمعیت تازه وارد مکه، بدانجا رو کند و هر کدام هم که راه افتاده بودند برمی‌گردند که مبادا آنها هم دچار چنین سرنوشتی بشوند.

امام(ع) هم که به مرتب کردن و آموزش سپاه ده هزار نفری خویش در مکه مشغول بوده‌اند، آنها را حرکت داده و رو به مکه می‌کنند تا اینکه به محلی که سپاه سفیانی فرو رفته بودند می‌رسند و حضرت به یاوران خویش آن نقطه را نشان می‌دهند. سفیانی که بخشی از سپاهش در بیابان‌های حجاز فرو رفته‌اند و بخشی دیگر هم در عراق از سید خراسانی و یمنی شکست جدی خورده‌اند، سعی می‌کند که در منطقه شام تا آنجا که می‌تواند تجدید قوا کند تا این امکان را بیابد که بزرگ‌ترین صحنه جنگ با حضرت را پس از ظهورشان به تصویر بکشد و جنگ خونباری را از دمشق تا قدس به پا کند. احادیثی که به سرنوشت سپاه سیل آسای سفیانی پیش از رسیدن به مکه اشاره می‌کنند از این قرار است: امام صادق(ع) می‌فرماید:

[ظهور] حضرت مهدی(ع) پنج نشانه [حتمی] دارد: سفیانی، یمانی، صیحه آسمانی، شهادت نفس زکیه و فرو رفتن در بیابان ۳. و در جای دیگری آن حضرت این فرو رفتن در بیابان را صراحتاً از علایم حتمی ظهور برمی‌شمرد ۴. اصبع بن نباته حضرت علی(ع) روایت می‌کند که فرمودند:

... و شورش سفیانی، پرچمی قرمز رنگ، فرمانده‌اش مردی از قبیله کلب است و ۱۲۰۰۰ نفر از سپاهیان‌ش رو به مکه و مدینه می‌کنند که فرمانده آنها مردی از بنی‌امیه است که به او خزیمه می‌گویند که چشم چپش نابیناست و سفیدی ضخیمی روی مردمک چشمش را پوشانده است خود را شبیه مردان می‌کند پرچم خویش را بر نمی‌گرداند تا اینکه در مدینه در خانه شخصی به نام ابوالحسن اموی منزل کند. و گردانی را به دنبال مردی از خاندان پیامبر(ص) که شیعیان به دور او جمع شده‌اند می‌فرستد؛ سپاهیان به فرماندهی مردی غطفانی رو به مکه می‌کنند در میانه راه به بیابان سفیدی که می‌رسند در کام زمین فرو می‌روند و جز

دو نفر که بناست نشانه [و عبرتی] برای دیگران باشند کسی باقی نمی ماند که آنها را هم خداوند صورتشان به پشت برگرداند است. ۵.

آری به خوبی می توان در آن روز تأویل این آیات را مشاهده کرد که:

وَلَوْ تَرَىٰ اَفْذَ فَرَفَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَ اَفْخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ وَ قَالُوا آمَنَّا بِفَهْفٍ وَ اَنَّىٰ لَهْفِمْ التَّنَافُشِ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ × وَ قَدْ كَفَرُوا بِفَهْفٍ مِنْ قَبْلِ وَ يَقْذِفُونَ بِالْغَيْفِ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ × وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فَعَعِلَ بِفَاشِيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلِ اَفْنَهُمْ كَانُوا فِي شَكِّ مَفْرِيْفٍ ۶.

اگر ببینی، آنگاه که سخت بترسند و رهاییشان نباشد و از مکانی نزدیک گرفتارشان سازند. گویند: اینک به رسول ایمان آوردیم. اما از آن جای دور چسان به دست یابند؟ پیش از این به او کافر شده بودند و به گمان خویش به او تهمت میزدند. میان آنها و آن آرزو که دارند جدایی افتاد. همچنان که با دیگران که چنین می اندیشیدند و سخت در تردید بودند، نیز چنین شد. ۷. و این آیه: یا آیتها الذین اوتفتوا الکتاب بما نزلنا مفصداً لهما معکم من قبل ان تطمفس و فجعوها فرفدا علی ادبارها اولعنهم کما لعنا اصحاب السبف و کان امر فاللهف مفعولاً. ۸.

ای کسانی که شماره کتاب داده شده، به کتابی که نازل کرده ایم و کتاب شما را نیز تصدیق می کند ایمان بیاورید؛ پیش از آنکه نقش چهره هایی را محو کنیم و رویها را به قضا برگردانیم. یا همچنان که اصحاب سبت را لعنت کردیم شما را هم لعنت کنیم و فرمان خدا شدنی است. ۹.

امام صادق (ع) در جای دیگر فرمودند:

سفیانی لشکری را به مدینه گسیل می دارد که آنجا را خراب و قبر مطهر [حضرت رسول (ص)] را منهدم می کنند و استران و چهارپایان آنها در مسجد النبی (ص) مدفوع خود را می ریزند. ۱۰. حدیفه بن یمان از وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) نقل می کنند:

... سپاه دوم وارد مدینه می شود و سه شبانه روز آنجا را تاراج می کنند. سپس به قصد مکه از آن شهر خارج می شوند تا اینکه به بیابان (بیداء) می رسند. خداوند متعال جبرئیل را می فرستد و به او می گوید برو آنها را محو کن. او هم ضربه ای با پایش زده و خداوند متعال آنها را در زمین فرو می برد جز دو نفر از آنها نجات نمی یابد که هر دو از قبیله جهینه هستند و برای همین گفته اند خبر یقینی و مسلم نزد جهینه ای هاست

و سپس حضرت این آیه قرآن کریم: «وَلَوْ تَرَىٰ اَفْذَ فَرَفَعُوا...» را تلاوت کردند. ۱۱.

جابر بن یزید جعفی از امام باقر (ع) روایت کرده است:

... سفیانی سپاهی را به مدینه می فرستد که حضرت مهدی (ع) [به ناچار] از آنجا دور شده و به مکه می روند. به سپاهیان سفیانی خبر می رسد که ایشان به مکه رفته اند. او هم سپاهی به دنبال ایشان می فرستد آنها به آن حضرت نمی رسند تا اینکه ایشان همانند حضرت موسی (ع) ترسناک از تعقیب کنندگان شان وارد مکه می شوند. فرمانده سپاه سفیانی وارد بیداء (بیابان) می شوند. منادی هم از آسمان ندا می دهد که ای بیداء! آنها را در کام گیر و بیابان هم آنها را در خود فرو می برد. ۱۲.

آن حضرت در حدیث دیگری فرمودند:

سفیانی از نسل ابوسفیان بن حرب است. سپاهی را به سوی ایشان می‌فرستد که در سرزمین بیداء در شبی مهتابی که قرص ماه کامل است، بیتوته می‌کنند. چوپانی از آنجا عبور می‌کند و با خود می‌گوید: بیچاره مردم مکه که اینها چه بر سرشان خواهند آورد. می‌رود و برمی‌گردد و آنها را نمی‌بیند می‌گوید: سبحان‌الله! یعنی در یک لحظه کوچ کردند [و از اینجا رفتند]؟ به منزلگاه آنها که می‌رسد لباسی را می‌بیند که بخشی از آن در زمین فرو رفته و بخشی دیگر آن بیرون است؛ سعی می‌کند که آن را در آورد ولی نمی‌تواند پس می‌فهمد که در زمین فرو رفته‌اند. ۱۳

امیرالمؤمنین (ع) در این رابطه فرمودند:

... و اما سپاه مدینه، وقتی به میانه راه در بیداء می‌رسند جبرئیل فریاد عظیمی بر سر آنها می‌زند. همگی از بین رفته و خداوند آنها را به کام زمین می‌فرستد. باقیمانده سپاه دو نفرند: یکی بشیر و دیگری نذیر. جبرئیل بر سر آنها هم داد می‌کشد و خداوند چهره‌هایشان را به پشت سر برمی‌گرداند. نذیر به نزد سفیانی می‌رود و او را از آنچه اتفاق افتاده باخبر می‌کند. ۱۴

مفضل بن عمر از امام صادق (ع) نقل کرده است که فرمودند:

... سپس آنکه چهره‌اش وارونه شده و به پشت سرش چرخیده رو به سوی حضرت مهدی (ع) کرده و در مقابل ایشان می‌ایستد و می‌گوید: سرور من! من بشیرم. یکی از ملایکه خداوند مرا امر کرد که به شما پیوندم و شما را به از بین رفتن سپاه سفیانی، بشارت دهم. حضرت می‌گویند: قصه تو و برادرت چیست؟ آن مرد می‌گوید: هر دو در سپاه سفیانی بودیم، از دمشق تا زوراء (بغداد) به هر جا رسیدیم آنجا را خراب و یکسان با خاک کردیم. کوفه و مدینه را هم خراب کردیم. منبر را شکستیم و چهارپایان در مسجدالنبی (ص) مدفوع خود را ریختند و سپس از آنجا خارج شدیم... می‌خواستیم کعبه را هم خراب کرده و اهالی مکه را از بین ببریم. وقتی به بیداء رسیدیم، در آنجا منزل کردیم. یک نفر فریاد کشید: ای بیداء! این قوم ستمگر را فرو بر! به دنبال آن زمین شکافته شد و تمام سپاه را بلعید. غیر از من و برادرم، حتی یک افسار شتر هم [از آن سپاه و سپاهیان] روی زمین باقی نماند! سپس آن ملایکه به سراغ ما آمد و بر چهره‌هایمان زد و این طور شد که می‌بینید. به برادرم گفت: وای بر تو ای نذیر! به سوی سفیانی ملعون در دمشق برو و او را با (اعلام) ظهور حضرت مهدی آل محمد (ص) انداز کن و به او بفهمان که سپاهش را خداوند در بیداء از بین برد. به من هم گفت: به مهدی (ع) در مکه پیوند و او را به نابودی ستمگران بشارت ده. به دستش توبه کن که او قبول می‌کند. حضرت هم دستش را به چهره‌اش می‌کشد و آن را به حالت اولیه‌اش باز می‌گرداند و (بشیر هم) با ایشان بیعت می‌کند و همراهشان می‌شود. ۱۵

امام پنجم (ع) هم فرمودند:

ایشان (از مکه) خارج می‌شوند تا اینکه به بیداء می‌رسند (حضرت مهدی (ع) رو به سپاهیان خویش کرده و) می‌گویند: اینجا موقعیتی است که آن جمعیت را زمین بلعید و این همان آیه قرآن است که می‌فرماید:

أَفَأَمِّنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِفَهْمِ الْأَرْضِ أَوْ يَأْتِيَهُمْ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمَفْعَظِينَ ۱۶.

آیا آنان که مرتکب بدیها می شوند، مگر ایمنند از اینکه زمین به فرمان خدا آنها را فرو برد یا عذاب از جایی که نمی دانند بر سرشان فرود آید؟ یا به هنگام آمد و شد فروگردشان، چنان که نتوانند بگریزند؟ ۱۷؟  
حوادثی را که طی این سلسله مطالب برای ماههای رجب تا محرم برشمردیم می توان به شکل زیر مرتب و خلاصه کرد:  
جدول زمان بندی حوادث ۶ ماهه دوم آخرین سال غیبت

ماه روز مکان و موقعیت حادثه ۹

رجب ۲۰ جمادی الاول تا ۱ - باران شدیدی که بسیاری از خانه ها را ویران می کند.

۱۰ رجب

× ۱۰ رجب شام (سوریه) ۲ - آغاز شورش سفیانی (عثمان بن عنبسه)

× ۱۰ رجب یمن ۳ - آغاز قیام یمنی

۱۰ رجب ایران ۴ - آغاز قیام سید خراسانی

- خورشید ۵ - نمایان شدن یک بدن در قرص خورشید (سر و سینه

حضرت مسیح(ع))

- بین آسمان و زمین ۶ - نداهای سه گانه:

الف. بدانید که لعنت خداوند شامل حال جمعیت ستمگران می شود!

ب. قیامت نزدیک شده است ای جمعیت مؤمنان!

ج. خداوند متعال فلانی را فرستاده؛ است حرف هایش را بشنوید

و از او اطاعت کنید!

- بین زمین و آسمان ۷ - دستی که از آسمان به چیزی اشاره و دلالت می کند

- خورشید ۸ - توقف خورشید از حرکت به مدت ۳ ساعت

۱۵ رجب ماه ۹ - ماه گرفتگی (خسوف)

شعبان - جهان اسلام خیزش ها، آغاز و امور و جریانات سیاسی متفرق و

پراکنده می شود.

ماه ۱۴ ماه رمضان خورشید ۱ - کسوف و خورشید گرفتگی غیر طبیعی

رمضان ۲۳ ماه رمضان ۲ - صیحه آسمانی:

(جمعه) از آسمان الف. ندای جبرئیل. حق با حضرت مهدی(ع) و شیعیانش است!

از زمین ب. ندای ابلیس: حق با عثمان (سفیانی) و پیروانش است!

۲۵ ماه رمضان ماه ۳ - ماه گرفتگی و کسوف غیر طبیعی

- شام ۴ - بیعت کردن ۳۰/۱۰۰ نفر از قبیله بنی کلب با سفیانی

شوال - نزدیک مدینه معرکه قرقرسیا (و کشته شدن ۱۰۰/۱۰۰ نفر از ستمگران)

(دیرالزور سوریه) و پیروزی سفیانی

ذی القعدة - عراق - سوریه ۱ - قبایل جهت تهیه آذوقه مسافرت می کنند و می جنگند.

۲۱-۲۲ ذی القعدة عراق (بغداد) ۲ - سفیانی در بغداد کشتار گاهی برپا می کند و ۸۰/۱۰۰ نفر

را می کشد.

ذی الحججه ۱۰ ذی الحججه عراق (کوفه) ۱ - سفیانی کشتار گاه کوفه را به راه می اندازد و علاوه بر

مردم عادی ۷۰ عالم دینی را شهید می کند.

۱۰-۱۱ ذی الحججه مکه مکرمه ۲ - آشوبهای منی (تاراج شدن حجاج و دریده شدن پرده های

عصمت به حرام).

۲۵ ذی الحججه × مکه مکرمه ۳ - شهادت نفس زکیه در مسجد الحرام و بین رکن و مقام

- مدینه منوره ۴ - شهادت مرد هاشمی (پسر عموی نفس زکیه محمد و

خواهرش فاطمه) و اعدام آنها بر سردر مسجد النبی (ص)

محرم ۹ محرم مکه مکرمه ۱ - جمع شدن ۳۱۳ یار حضرت در مکه

۱۰ محرم و شنبه مکه مکرمه ۲ - روز ظهور: الف. خطبه حضرت در بین رکن و مقام

(عاشورا) ب. بیعت یاران با ایشان

ج. ندای جبرئیل

۱۲ محرم مدینه منوره ۳ - حمله سپاهیان سفیانی به مدینه و تاراج این شهر و تخریب

مقبره مطهر حضرت رسول (ص) و خرد کردن منبر ایشان و

کثافت کردن چهارپایان در مسجد النبی (ص) (اشغال وحشیانه

شهر توسط این ستمگران، سه روز به طول می انجامد).

۱۵ محرم در بین مدینه و مکه ۴ - فرو رفتن سپاه سفیانی در زمین (بیداء).

× تذکر: علایم پنج گانه و حتمی ظهور با علامت (×) مشخص شده اند.

پی نوشتها:

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

۲. ۱۲ میلی کوه های منطقه ذات الجیش دشت پهنا در سفید رنگی نزدیک منطقه بدر کبری است.

۳. الغیبة نعمانی، ص ۱۶۹؛ اعلام الوری، ص ۴۲۶؛ منتخب الاثر، ص ۴۵۸؛ بشارة الاسلام، ص ۱۱۹.

۴. الغیبة، نعمانی، ص ۱۷۲؛ منتخب الاثر، ص ۴۵۵؛ تاریخ الغیبة الکبری، ص ۵۰۰.

۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۳؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۱۹؛ بشارة الاسلام، ص ۵۸؛ يوم الخلاص، ص ۶۷۷.

٦. سورة سبأ (٣٤) آيه ٥١-٥٤.

٧. كشف الغمه، ج ٣، ص ٣٢٥؛ الزام الناصب، ص 281٧٧؛ مشير الاحزان، ص ٢٩٨؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص 316٣٤٢؛ الحاوي

للفتاوى، ج ٢، ص 144١٦٠؛ الملاحم والفتن، ص ٦٠، ينابيع المودة، ج ٣، ص 82٢٢٨؛ بشاره الاسلام، ص ١٠٢.

٨. سورة نساء (٤) آيه ٤٧.

٩. الغيبة، نعماني، ص ١٥٠؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٣٨؛ ينابيع المودة، ج ٣، ص ٧٦؛ بشاره الاسلام، ص ١٠٢؛ الزام الناصب،

ص 19١٧٥.

١٠. الزام الناصب، ج ٢، ص ١٦٦؛ يوم الخلاص، ص ٧٠١.

١١. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ١٨٧؛ منتخب الاثر، ص ٤٥٦؛ بشاره الاسلام، ص ٢١؛ يوم الخلاص، ص ٦٧٣.

١٢. الغيبة نعماني، ص ١٨٨؛ بشاره الاسلام، ص ١٠٢؛ تاريخ الغيبة الكبرى، ص ٥٢١.

١٣. بشاره الاسلام، ص ١٨٤؛ يوم الخلاص، ص ٦٩٢.

١٤. الزام الناصب، ج ٢، ص ١٩٨؛ يوم الخلاص، ص ٦٧٩.

١٥. بشاره الاسلام، ص ٢٧٠؛ الزام الناصب، ج ٢، ص ٢٥٩؛ المهدي (ع) من المهد الى الظهور، ص ٣٦٤؛ يوم الخلاص، ص ٢٩٣.

١٦. سورة نحل، ص 46٤٥.

١٧. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٢٤؛ الزام الناصب، ج ٢، ص ١١٧؛ يوم الخلاص، ص ٣٠٧.